

# روان شناسی و دین

سال هجدهم، شماره چهارم، پیاپی ۷۲، زمستان ۱۴۰۴

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

فصلنامه «روان شناسی و دین» به استناد ماده واحده مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بر اساس نامه شماره ۱۰۴/الف مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۱ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی وابسته به شورای عالی حوزه‌های علمیه، از شماره ۹ حائز رتبه «علمی - پژوهشی» گردید.

## مدیر مسئول

رحیم نارویی نصرتی

## سر دبیر

محمد رضا احمدی

## مدیر اجرایی

علی آقامحمدی

## صفحه آرا

یوسف آیت اللهی

## ناظر چاپ

حمید خانی

## چاپ

زمزم

سامانه ارسال و پیگیری مقالات:

[www.nashriyat.ir](http://www.nashriyat.ir)

شاپا الکترونیکی: ۸۴۷۲ - ۲۹۸۰

اعضای هیئت تحریریه

محمد رضا احمدی

دانشیار روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

غلامعلی افروز

استاد روان شناسی دانشگاه تهران

محمد کریم خداپناهی

استاد روان شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

محمد جواد زارعان

دانشیار علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمية

عباسعلی شاملی

دانشیار علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمية

سید محمد غروی

دانشیار روان شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

علی فتاحی آشتیانی

استاد روان شناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله علیه السلام

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام - طبقه چهارم، اداره کل نشریات تخصصی

تحریریه ۳۲۱۱۳۴۷۳ - مشترکان ۳۲۱۱۳۴۷۱ - دورنگار ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

صندوق پستی ۴۳۳۳\_۳۷۱۸۵

[www.iki.ac.ir](http://www.iki.ac.ir) & [www.nashriyat.ir](http://www.nashriyat.ir)

فروشگاه اینترنتی

<http://eshop.iki.ac.ir>

## اهداف و رویکردهای نشریه روان‌شناسی و دین

نشریه روان‌شناسی و دین فصلنامه‌ای علمی - پژوهشی در زمینه روان‌شناسی است که با هدف نشر یافته‌های روان‌شناختی بر اساس مبانی، آموزه‌ها و احکام اسلام و دیگر مطالعات مرتبط با روان‌شناسی و دین اسلام در موارد زیر منتشر می‌شود:

۱. نقد فلسفه روان‌شناسی معاصر (مبانی، اصول، ماهیت، روش)، بر اساس مبانی اسلامی؛

۲. نقد رویکردها و دیدگاه‌های موجود در روان‌شناسی معاصر، بر اساس مبانی و منابع اسلامی؛

۳. تبیین فلسفه روان‌شناسی اسلامی (مبانی، اصول، ماهیت، روش)؛

۴. روش‌شناسی و روش استنباط موضوعات و مسائل روان‌شناختی از منابع اسلامی؛

۵. نظریه‌پردازی به منظور پایه‌ریزی رویکرد روان‌شناسی اسلامی؛

۶. بومی‌سازی دانش روان‌شناسی با توجه به فرهنگ اسلامی ایرانی.

ضمن استقبال از دستاورد تفکرات و تأملات دین‌پژوهی، پیشنهادهای و انتقادهای شما را در مسیر کمال و بالندگی نشریه پذیراییم. خواهشمندیم مقالات خود را از طریق تارنمای نشریه: <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال فرمایید.

اشتراک: قیمت هر شماره مجله، ۲۶۰۰،۰۰۰ ریال، و اشتراک چهار شماره آن در یک سال، ۱۰،۴۰۰،۰۰۰ ریال است. در صورت تمایل، وجه اشتراک را به حساب شبای IR910600520701102933448010 بانک مهر ایران، واریز و اصل فیش بانکی یا تصویر آن را همراه با برگ اشتراک به دفتر مجله ارسال نمایید.

## راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

### الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید بر خوردار از صبغه تحقیقی - تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات خود را در محیط WORD یا پسوند Doc از طریق تارنمای نشریه به <https://nashriyat.ir> ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جداً خودداری شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه‌شده خودداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشرشده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تالیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

### ب) نحوه تنظیم مقالات

مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.

۱. **چکیده:** چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
۲. **کلیدواژه‌ها:** شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفانکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
۳. **مقدمه:** در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله براساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.
۴. **بدنه اصلی:** در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:

- الف - ارائه‌کننده نظریه و یافته جدید علمی؛
  - ب - ارائه‌کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛
  - ج - ارائه‌کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛
  - د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.
۵. **نتیجه‌گیری:** نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
  ۶. **فهرست منابع:** اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (اعم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله براساس شیوه زیر آورده می‌شود:

نام خانوادگی، نام نویسنده، سال نشر، نام کتاب، ترجمه یا تحقیق، نوبت چاپ (بجز چاپ اول)، محل نشر، ناشر.  
نام خانوادگی، نام نویسنده، سال نشر، «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.  
۷. آدرس‌دهی باید بین متنی باشد (نام خانوادگی نویسنده، سال نشر، شماره جلد، شماره صفحه).

### ج) یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
۲. مجله حداکثر پس از شش ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.



## فهرست مطالب

---

مؤلفه‌های ارتباط سعادت‌محور در خانواده بر اساس منابع اسلامی: تدوین یک مدل مفهومی / ۷

کتاب سید ابوالفضل حسینی‌نسب / محمدرضا احمدی محمدآبادی / حمیدرفیعی هنر

کارآمدی آموزش گروهی تاب‌آوری با محوریت صبر مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی ... / ۳۱

فاطمه پورصالح / کتاب آن‌هایتا خدابخش کولایی

نقد و بررسی نظریه‌ی طبیعی بودن همجنس‌گرایی: تحلیلی دینی - روان‌شناختی / ۴۹

کتاب محمدجواد رضوانی پور / رضا مهکام / محمدرضا بنیانی

شناسایی، تحلیل و تبیین عوامل اثربخش در دستیابی به آرامش روانی از منظر قرآن کریم / ۷۵

مختار ذاکری

نقش میانجیگری شکرگزاری در رابطه‌ی بین معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان / ۹۳


کتاب مبینا سلیمان / مرضیه بهار رستمی / سیمین حسینیان

ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه‌ی خودفریبی بر اساس منابع اسلامی / ۱۱۳

رامین عزت‌طلب مقدم / کتاب نوید خاکبازان



## Components of Eudemonia-Oriented relationships in the Family Based on Islamic Sources: Developing a Conceptual Model

Seyyed Abolfazl Hosseininasb  / PhD student in Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute [sahosseini8665@gmail.com](mailto:sahosseini8665@gmail.com)

Mohammad Reza Ahmadi Mohammadabadi / Associate Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute [m.r.ahmadi@iki.ac.ir](mailto:m.r.ahmadi@iki.ac.ir)

Hamid Rafieihonar / Assistant Professor, Department of Psychology, Research Institute for Islamic Sciences and Culture [hamidrafii2@gmail.com](mailto:hamidrafii2@gmail.com)

Received: 2025/04/21 - Accepted: 2025/06/28


### Abstract


Regarding what constitutes wellbeing, “a good life” for a person, two schools of thought have emerged in positive psychology; a hedonic school and a second school that supports eudemonia – centered life. Researchers in the field of eudemonia believe that a “good life” is not just about feeling good for an individual, but eudemonia and happiness is found in expressing virtue and doing what is worthy of being done. The present study was conducted with the aim of developing a conceptual model of eudemonia-oriented relationships in the family based on Islamic sources (Quran and Hadith). In this study, content analysis was used to analyze the conceptual components of eudemonia-oriented relationships in the family from descriptive-explanatory sentences from Islamic sources (Quran and Hadith), and linguistic semantics was used to explain the conceptual structure of eudemonia-oriented relationships in the family. For this purpose, descriptive-explanatory sentences related to the topic were searched and selected in Islamic texts using the words and concepts collected in the semantic domain of eudemonia-oriented relationships in the family. In order to determine the conceptual components, coding, categorization, and conceptualization operations were performed on the main themes of the selected texts. The findings showed that the conceptual structure of eudemonia-oriented relationships in the family, based on Islamic sources, is based on seven main components: good character, desirable verbal communication, respect, meeting genuine needs, commitment arising from religion, concern for the religiousness of members, and resilience in problems and conflict resolution with spiritual motivation.

**Keywords:** relationship, communication, eudemonia-centeredness, family, conceptual model.

## مؤلفه‌های ارتباط سعادتمحور در خانواده بر اساس منابع اسلامی: تدوین یک مدل مفهومی

سیدابوالفضل حسینی نسب  دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی  sahosseini8665@gmail.com

محمدرضا احمدی محمدآبادی / دانشیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی  m.r.ahmadi@iki.ac.ir

حمید رفیعی هنر / استادیار گروه روان‌شناسی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی  hamidrafii2@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۷

### چکیده

درباره آنچه برای انسان بهباشی «زندگی خوب» می‌آورد، دو نحله فکری در روان‌شناسی مثبت‌نگر شکل گرفته است؛ نحله‌ای از لذت‌نگری و نحله دوم که از سعادت‌نگری حمایت می‌کند. پژوهشگران در موضوع سعادت‌نگری معتقدند که «زندگی خوب» فقط احساس خوب داشتن برای فرد نیست، بلکه بهباشی در ابراز فضیلت و انجام دادن آنچه که شایسته انجام است، یافت می‌شود. پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل مفهومی ارتباط سعادت‌محور در خانواده بر اساس منابع اسلامی (قرآن و حدیث) انجام شد. در این پژوهش جهت تحلیل مؤلفه‌های مفهومی ارتباط سعادت‌محور در خانواده از جملات توصیفی - تبیینی منابع اسلامی (قرآن و روایت) از روش تحلیل محتوا و به‌منظور تبیین ساختار مفهومی ارتباط سعادت‌محور در خانواده از روش معناشناسی زبانی استفاده شد. بدین منظور به‌واسطه واژگان و مفاهیم جمع‌آوری شده در حوزه معنایی ارتباط سعادت‌محور در خانواده، جملات توصیفی - تبیینی مرتبط با موضوع در متون اسلامی جست‌وجو و انتخاب شدند. برای تبیین مؤلفه‌های مفهومی نیز عملیات کدگذاری، مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی بر مضمون‌های اصلی متون انتخاب شده، انجام شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد ساختار مفهومی ارتباط سعادت‌محور در خانواده بر اساس منابع اسلامی بر هفت مؤلفه اصلی حسن خلق، ارتباط کلامی مطلوب، احترام، تأمین نیازهای اصیل، تعهد برخاسته از دین، دغدغه دین‌مداری اعضا و تاب‌آوری در مشکلات و حل تعارض با انگیزه معنوی مبتنی است.

**کلیدواژه‌ها:** ارتباط، سعادت‌محوری، خانواده، مدل مفهومی.

## مقدمه

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی است. به این دلیل که اولین نهادی است که افراد در آن احساس، فکر و رفتار می‌کنند، یاد می‌گیرند و رشد می‌یابند (Carr, 2012). خانواده از افرادی تشکیل شده است که با پیوند زناشویی، همخونی یا فرزندخواندگی با یکدیگر به‌عنوان زن، شوهر، مادر، پدر، برادر، خواهر و فرزند ارتباط دارند، از فرهنگ مشترک برخوردارند و در واحد خاصی زندگی می‌کنند (قنادان، ۱۳۷۵). مطلوبیت، رضایت، خشنودی، کیفیت و عملکرد مناسب خانواده عامل بسیار تأثیرگذاری در شکوفایی رشد و پیشرفت اعضای خانواده و در دید وسیع‌تر، شکوفایی جامعه است (چاوشی و دیگران، ۱۳۹۸). دیکستین (۲۰۰۷) معتقد است هماهنگی و توازن، رهبری و رابطه مؤثر اعضای خانواده، در عملکرد بهینه خانواده، نقش مؤثری دارند. از سوی دیگر دپاول (۲۰۰۶) بعضی از ویژگی‌های خانواده دارای عملکرد مطلوب را این‌گونه عنوان می‌کند: «تعامل ارتباطی باز، کنترل و مهار فشارهای روحی و روانی به‌طور مؤثر، همدلی، رهبری، ابراز محبت و علاقه، مسئولیت‌پذیری شخصی». اصولاً کارآیی یک خانواده به توانایی آن در مقابله با فشارهای روانی، تعارضات و مشکلات اشاره دارد (مینوچین، ۱۳۷۳).

سعادت به‌عنوان یک هدف انسانی و اجتماعی، نه‌تنها به احساس خوشبختی فردی مرتبط است، بلکه در تعاملات و روابط خانوادگی نیز تجلی می‌یابد (Seligman, 2011). سعادت در نگاه سلیگمن برگرفته از واژه ایدایمونیای در فلسفه ارسطو است. فلسفه اخلاق ارسطو، غایت‌انگارانه و سعادت‌محور است و تعریف وی از سعادت، وام‌دار مفهوم کلیدی فضیلت است. در واقع ارسطو برای توضیح مفهوم فضیلت، از سعادت آغاز کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰). در این زمینه، مفهوم «سعادت‌محور» به معنای تلاش برای ایجاد و تقویت روابطی است که بر مبنای عشق، احترام و همدلی بنا شده‌اند. این نوع ارتباطات نه‌تنها به تقویت احساس تعلق و امنیت در خانواده کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان یک منبع اصلی برای توسعه توانمندی‌های فردی و اجتماعی اعضای خانواده عمل کند (Fredrickson, 2001). بر اساس نظریه‌های روان‌شناسی مثبت‌گرا، ارتباطات مثبت و حمایت‌گرانه در خانواده می‌تواند به افزایش سلامت روان، افزایش رضایت از زندگی و بهبود کیفیت روابط بین‌فردی کمک کند (Ryan and Deci, 2001). از سوی دیگر، در دنیای مدرن امروز که با چالش‌های متعددی نظیر استرس‌های شغلی، مشکلات اقتصادی و تغییرات اجتماعی همراه است، توجه به روابط خانوادگی به‌عنوان یک منبع حمایت و تقویت‌کننده سعادت اهمیت بیشتری یافته است. خانواده‌ها به‌عنوان حامیان اولیه افراد، می‌توانند با ایجاد فضایی مثبت و حمایت‌گر، به تقویت احساس رضایت و خوشبختی در زندگی افراد کمک کنند (Gottman, 1994). ارزش اصلی خانواده، حاصل شبکه روابطی است که توسط اعضای آن به وجود آمده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۸۵). خانواده‌های بالنده، نحوه برقراری ارتباط و ارسال پیام را

به‌خوبی یاد گرفته‌اند و بنابراین الگوهای سالمی دارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زوج‌های راضی ارتباط بیشتری با یکدیگر دارند. همچنین خانواده‌هایی که ارتباط میان اعضا و تعاملات خانواده بر اساس نزدیکی و صمیمیت و تفاهم بین افراد استوار است، در برابر فشارهای زندگی، مقاومت و مصونیت بیشتری از خود نشان می‌دهند (قمری و خوشنام، ۱۳۹۰). بنابراین شناخت و تبیین الگوهای ارتباطی خانواده، یعنی راه‌هایی که از طریق آن زن و شوهرها و فرزندان با یکدیگر به تعامل می‌پردازند، می‌تواند نقش مؤثری را در پیش‌بینی رضایتمندی زندگی زوجین داشته و سرمشق‌ها و تجویزهایی مربوط به آنها داشته باشد. پژوهشگران سعی کرده‌اند که ارتباطات درون خانوادگی را تعریف کرده و ارتباطات اعضای خانواده را به سبک‌ها و الگوهای طبقه‌بندی نمایند (Brog & et al, 2008). کاستن و اندرسون (۲۰۰۴) از اصطلاح جهت‌گیری اجتماعی و جهت‌گیری مفهومی به‌عنوان دو الگوی ارتباطی خانواده استفاده کردند. در جهت‌گیری اجتماعی بر قدرت والدین تأکید می‌شود؛ درحالی‌که در جهت‌گیری مفهومی اعضا تشویق می‌شوند که عقایدشان را مطرح کنند و با همدیگر به بحث و تبادل نظر بپردازند (Dong, 2005). ارتباط دارای انواعی است که در مورد خانواده نیز مصداق دارد که عبارت‌اند از:

الف) ارتباطات عاطفی: عبارت است از ارتباطی که پیام در آن بیان می‌گردد. این بیان بیشتر جنبه عاطفی دارد تا جنبه عقلانی؛

ب) ارتباطات عملی: نوعی ارتباط است که در آن پیام منتقل می‌گردد و محتوا و طبیعت این پیام عملی و عقلانی است. این پیام بیشتر به اجرای امور روزمره و خانوادگی مربوط می‌شود؛

ج) دسته سوم ارتباط انتقال اطلاعات را دربر می‌گیرد، آنها اطلاعات بادوامی هستند که دارای یک نفع عمومی هستند (اقلیما، ۱۳۸۳). آرگیل (۲۰۰۱) بر این باور است که خانواده یکی از قوی‌ترین پیوندهای ارتباط اجتماعی است و ابعاد گوناگون آن مانند شمار اعضای خانواده، تحصیلات، درآمد، ساختار قدرت و همبستگی اعضای خانواده از تعیین‌کننده‌های شادی و بهباشی هستند. بنابراین به‌طور کلی، درباره آنچه برای انسان بهباشی «زندگی خوب» می‌آورد، دو نحله فکری در روان‌شناسی مثبت‌نگر شکل گرفته است. نحله‌ای که از لذت‌نگری و نحله دوم که از سعادت‌نگری حمایت می‌کند (Hefferon and Boniwell, 2011). پژوهشگران در موضوع سعادت‌محوری معتقدند که «زندگی خوب»، فقط احساس خوب داشتن برای فرد نیست، بلکه بهباشی در ابراز فضیلت و انجام دادن آنچه که شایسته انجام است، یافت می‌شود (Hefferon and Boniwell, 2011). بنابراین می‌توان جهت‌گیری‌های کلی فلسفه زندگی سعادت‌گرا را فضیلت، ترجیح خردورزی بر دیگر شیوه‌های بودن، معناداری و شکوفایی دانست (کرد و دیگران، ۱۳۹۹). سعادت‌نگری معادل فارسی برای اصطلاح eudaimonia است. این اصطلاح به معنای حالتی مبتنی بر «داشتن درون‌مایه معنوی خوب و عوامل رستگاری

در فرد» است (Vitterso, 2016). از دیدگاه روان‌شناسی معاصر، در مفهوم سعادت‌نگری به لحاظ نظری، مجموعه متمایزی از تجربه‌های درونی و کارکردی همراه با طلب کردن و خواستن ارزش‌ها وجود دارد؛ ضمن اینکه تجربه‌های مثبت و لذت‌بخش، محصولی فرعی برای طلب و پیگیری فضیلت، تعالی و بهترین چیزها محسوب می‌شوند (عباسی، ۱۳۹۷). ارتباط سعادت‌محور با دیگران، یکی از مؤلفه‌های مفهوم eudaimonia است. پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴) شش دسته از فضیلت‌های اصلی را برشمرده‌اند که در آنها ۲۴ توانمندی و قابلیت‌های شخصیت را می‌توان اندازه‌گیری کرد که در برخی فضیلت‌ها به نوعی به علاقه و ارتباط و درک متقابل نسبت به دیگران، نزدیکان یا خانواده اشاره شده است؛ مانند فضیلت صداقت (بیان حقیقت و نمایاندن خود، همان‌گونه که هست). همچنین فضیلت انسانیت به صورت مستقیم شامل توانایی برقراری ارتباط بین‌فردی چون عشق (ارزش‌گذاری به روابط نزدیک با دیگران از جمله خانواده) و محبت (نیکی کردن و انجام کارهای پسندیده برای دیگران) است. از طرفی توانمندی و فضیلت عدالت که زیربنای زندگی اجتماعی سالم و ارتباط بین‌فردی است، انصاف (بر اساس مفاهیم انصاف و عدالت با همهٔ افراد یکسان رفتار می‌کند) است. فضیلت اعتدال که مانعی برای افراط و تفریط است و شامل توانمندی‌های بخشش (بخشش افرادی که در ارتباطات خود اشتباهاتی انجام داده‌اند)، فروتنی (تواضع داشتن در ابراز خود و برجسته‌سازی فعالیت دیگران در ارتباطات خود) و... است. علاوه بر این، فضیلت تعالی که به معنای ارتباط با جهان بزرگ‌تر بوده و باعث معنابخشی می‌گردد و شامل توانمندی‌های قدردانی از زیبایی و برتری (توجه داشتن و قدردانی کردن، برتری یا عملکرد مطلوب در حوزه‌های مختلف زندگی)، شوخ‌طبعی (دوست داشتن مسرت و مزاح کردن و لبخند زدن به دیگران) و معنویت (داشتن باورهای انسجام‌یافته در مورد هدف متعالی و معنای بالاتر زندگی) است (عباسی، ۱۳۹۷).

آموزه‌های اسلامی هم اهمیت ویژه‌ای به تشکیل، رشد و پویایی نهاد خانواده دارند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «در اسلام، بنیادی محبوب‌تر از ازدواج (تشکیل خانواده) در نزد خدا نهاده نشده است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲). اسلام به‌عنوان مکتبی که به انسان‌سازی اهمیت می‌دهد، بیشترین عنایت را به تکریم و تعالی خانواده دارد و این نهاد را مقدس و کانون تربیت، مؤدت و محبت برمی‌شمارد و سعادت جامعهٔ انسانی را مشروط به سعادت و سلامت این نهاد می‌داند، و از طرفی هدف از تشکیل این نهاد را تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان از جمله دستیابی به سکون و آرامش برمی‌شمارد (بهشتی، ۱۳۸۲). مهدوی‌کنی (۱۳۹۲) یکی از عوامل مهم دوام و رشد خانواده را، روابط عاطفی و محبت بین اعضای آن قلمداد می‌کند. آفرینش انسان توسط خداوند به‌گونه‌ای است که هرچه تأمین نیازهای یکدیگر بهتر انجام گیرد، رابطهٔ عاطفی بین آنها قوی‌تر خواهد بود. رعایت این روابط در خانواده و زندگی کردن بر اساس محبت و عشق به‌ویژه در روابط متقابل زوجین از رهنمودهای اساسی

اسلام است؛ بدین معنا که عامل اصلی حفظ خانواده عقد قرارداد زناشویی صرف نیست، بلکه عشق است که بخشی از اهداف ازدواج را تشکیل می‌دهد (مه‌دوی کنی، ۱۳۹۲). خداوند در قرآن می‌فرماید: «و از نشانه‌های او این است که از نوع خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام بگیرید، و میان‌تان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این نعمت برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است». این آیه تنها به جعل تکوینی مؤدت و رحمت اشاره ندارد، بلکه به جعل تشریحی آن نیز می‌پردازد. خالق که در طبیعت و ذات انسان ویژگی‌ای را شکل می‌دهد، احکام شریعت خود را با آن مطابق می‌کند. پس با عمل به آن احکام باید این طبیعت را حفظ کرد (مه‌دوی کنی، ۱۳۹۲). مفهوم دیگری که قرآن دربارهٔ روابط اعضای خانواده معرفی می‌کند تا سعادت را درک کنند، شفقت است: «و برخی از آنها، به برخی دیگر رو می‌کنند و از هم پرسند ما پیشتر دربارهٔ خانوادهٔ خود بیمناک بودیم» (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص ۱۸۰). شفقت از نظر لغوی به معنای ترس آمیخته به توجه است؛ زیرا مشفق در مورد کسی که دوستش می‌دارد، نگران است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۸). آیهٔ مذکور بیان سخنان اهل بهشت است که عامل خوشبختی یکدیگر را جويا می‌شوند و در نتیجه شفقت و مهربانی در خانواده را علت خوشبختی برمی‌شمارند. آنها می‌گویند «ما در دنیا نسبت به خانوادهٔ خود مشفق بودیم، به سعادت خانوادهٔ خود اهمیت می‌دادیم، به نجات خانواده از گمراهی می‌اندیشیدیم، با ایشان به نیکی رفتار کرده و آنها را به حق دعوت و نصیحت می‌کردیم» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۱۵).

یکی از موضوعات مهم در زندگی خانوادگی از منظر قرآن و سنت، این است که اعضای خانواده در راستای ارتباط با یکدیگر احساس مسئولیت کنند. بنابراین از وظایف و مسئولیت‌های مهم یک فرد مسلمان در ارتباط با خانواده‌اش، مراقبت و مواظبت بر ایمان یکایک اعضای خانواده است (شریفی و لطفی، ۱۳۹۲). خداوند در قرآن اهمیت این مسئله را این‌گونه بیان می‌کند که:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانوادهٔ خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند، اجرا می‌نمایند (تحریم: ۶).

سعادت‌مندی خانواده در فرامین ائمهٔ معصوم علیهم‌السلام نیز مورد تأکید واقع شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «بسیار سعادت‌مند است زنی که به همسرش احترام گذارد، او را آزار ندهد و همواره از او اطاعت کند» (نوری، ۱۳۶۹، ج ۱۴، ص ۲۴۷). پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «چهار چیز از سعادت‌مندی و چهار چیز از بخت بد است؛ چهار چیز که از سعادت است: همسر خوب، خانهٔ بزرگ، همسایهٔ خوب و سواری نیکو است و چهار چیز بدبختی: همسایهٔ بد، همسر بد، خانهٔ کوچک و سواری بد است» (طبرسی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶).

حال با توجه به: الف) نقش ارتباط مطلوب اعضای خانواده در عملکرد بهینه خانواده با نگاه معنوی و سعادت‌محور اعضای خانواده؛ ب) نقش سعادت‌محوری و دوری از لذت‌جویی در هم‌گرایی اعضای خانواده و ارزش‌گذاری‌های مشابه اعضای خانواده؛ ج) نقش دین در سلامت خانواده؛ د) نقش آموزه‌های دینی در ارتباط محترمانه و سعادت‌مدار اعضای خانواده؛ ه) هدایتگری اسلام برای داشتن محیطی سالم در خانواده؛ و) نقش میانجی جهت‌گیری سعادت‌محورانه در تأثیر دین‌داری بر کمال و رشد معنوی خانواده، این فرض قابل طرح است که می‌توان با نگرش به منابع اسلامی، مدلی مفهومی از «ارتباط سعادت‌محور خانواده» تدوین نمود و مبتنی بر آن مقیاس جامعی از آن را تهیه و ساختار عاملی آن را مورد ارزیابی قرار داد. طبعاً تدوین مقیاس و ارزیابی اعتبار و ساختار عاملی آن، در یک طرح آزمایشی مورد انتظار خواهد بود. پژوهش حاضر درصدد است بر اساس منابع اسلامی، مدل مفهومی ارتباط سعادت‌محور در خانواده را تدوین نموده و در مرحله بعد مقیاس آن تهیه و ساختار عاملی این مقیاس را مورد ارزیابی قرار دهد.

امروزه در تمام دنیا ابزارسازی به‌عنوان پایه علمی مناسب برای انجام تحقیقات منظور می‌شود؛ بدین معنا که در وجوب ساخت ابزار اندازه‌گیری رفتارها یا باورهایی که قرار است گزارش شوند یا مورد تغییر و تعدیل قرار گیرند، هیچ تردیدی وجود ندارد. پژوهشگران بدون اتکا به ابزاری مناسب و علمی، ناتوان در انجام تحقیقی مناسب و علمی خواهند بود و یافته‌های منتج از ابزارهای غیرمعتبر محل تردید قرار خواهد گرفت. از این‌روست که امروزه برای تعیین کفایت یک پژوهش در وهله اول کفایت ابزار اندازه‌گیری را مورد بررسی قرار خواهند داد و در صورت معتبر بودن ابزار، حکم به اعتبار تحقیق خواهند داد (Gill, 1994) محتوای یک ابزار باید با فرهنگ و شیوه زندگی کشورها و جوامعی که قرار است ابزار برای آنها به‌کار گرفته شود، متناسب باشد. ابزاری که در یک کشور خاصی تنها منعکس‌کننده زبان و فرهنگ آن جامعه است، در چنین وضعیت هنگام استفاده در جامعه دیگری حتی در صورت ترجمه دقیق به علت عدم تناسب محتوایی مشکلات عدیده‌ای را موجب خواهد شد. ارزش‌ها و معانی که اجزای یک سازه را منعکس می‌سازند، ممکن است از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت باشد (پشندی و دیگران، ۱۳۸۸).

در زمینه ارتباط خانوادگی مدلی که به‌صورت پژوهش حاضر و با استفاده از سه روش کدگذاری، مدلی طراحی کند، یافت نشد. در این زمینه می‌توان به پژوهش خبازیان (۱۴۰۱) اشاره کرد که درصدد طراحی پرسش‌نامه روابط خانوادگی، اقدام به استخراج مؤلفه‌های این پرسش‌نامه کرده (رابطه خانوادگی درون خانواده، رابطه با همسر، رابطه با خانواده همسر) که اولاً منبعی برای گردآوری و تدوین این مؤلفه‌ها ارائه نشده و ثانیاً اشاره‌ای به مؤلفه‌های اثرگذار نشده؛ ثالثاً با روش کدگذاری همراه نبوده و اشکالات اساسی دیگری که این مؤلفه‌ها را دچار چالش می‌کند.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، در قالب پژوهش بنیادی و تحقیق و توسعه قرار دارد. به لحاظ رویکرد روشی پژوهشی کیفی و مشتمل بر روش‌های معناشناسی زبانی در مرحله جمع‌آوری مفاهیم ناظر بر ارتباط سعادت‌محور در خانواده در منابع اسلامی، روش تحلیل محتوای کیفی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش توصیفی زمینه‌یابی به منظور بررسی روایی محتوایی مدل مفهومی است. تحلیل محتوای کیفی، رویکردی است برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و درون‌مایه‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده می‌باشد (بستانی خالصی و دیگران، ۱۳۹۵، به نقل از: دنزین، ۲۰۱۷). در روش تحلیل محتوا، طبقات مستقیماً از اطلاعات متنی استخراج می‌شود و پژوهشگر درک عمیقی از یک پدیده به دست می‌آورد (Spangl, 2005). در این پژوهش نیز علت انتخاب رویکرد تحلیل محتوا، دستیابی به متغیرهایی است که با بررسی آیات و روایات متعدد می‌توان به آنها دست یافت. محقق در این پژوهش با این سؤال که مؤلفه‌های ارتباط سعادت‌محور بر اساس منابع اسلامی (آیات و روایات) چیست؟ به جمع‌بندی آیات و روایاتی پرداخت که در حیطه روابط اعضای خانواده به مفاهیمی پرداخته‌اند که می‌توان با مد نظر قرار دادن آنها به متغیرهای لازم برای دستیابی به این مؤلفه‌ها دست یافت، تا با اولویت‌بندی مؤلفه‌ها، بتوان مدل مفهومی ارتباط سعادت‌محور در خانواده را طراحی کرد. بنابراین ابتدا با استفاده از کتاب قرآن و منابع روایی، بیش از ۵۰۰ آیه و ۹ هزار روایت مورد بررسی قرار گرفت که جمع‌بندی آنها برای شکل‌گیری کدهای باز، کدهای محور و کدهای هسته‌ای کمک می‌کرد.

بعد از جست‌وجوی مفصل در قرآن و روایات، محقق با استفاده از آیات و روایات به دست‌آمده، ابتدا به کدگذاری تک‌تک آنها پرداخته؛ سپس کدهای که دارای مفهوم شبیه به هم بودند، در یک گروه به نام کدهای محوری قرار گرفته و کدهای محوری متجانس نیز با در کنار هم قرار گرفتن، کدهای هسته‌ای را شکل دادند. این کار برای اینکه کدهای محوری و کدهای هسته‌ای دارای ساختار مطلوب باشند، با دقت خاصی توسط محقق و زیر نظر استاد راهنما و مشاور انجام گرفت؛ همچنین به منظور تأییدپذیری، محقق سعی کرد که پیش‌فرض‌های خود را تا حد امکان در روند جمع‌آوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها دخالت ندهد.

روش جمع‌آوری داده‌ها: در پژوهش حاضر، داده‌های مربوط به مفهوم‌شناسی ارتباط سعادت‌محور در خانواده بر اساس منابع اسلامی بود. رویکرد پژوهش در استخراج داده‌های قرآنی و روایی بر اساس معیار و رتبه‌بندی طباطبایی (۱۳۹۰) است. در معیار یادآوری شده کتب حدیثی شیعه و سنی در سه گروه درجه‌بندی شده‌اند:

– کتاب‌های درجه «الف»، کتاب‌های مورد قبول و معتبر تشیع یا اهل سنت است.

– کتاب‌های درجه «ب» مابین دو گروه «الف» و «ج» است که برای ارجاع صلاحیت متوسط و نسبی دارند

– کتاب‌های درجه «ج» از جهت استناد کتاب‌های ضعیف هستند که نمی‌توان اعتماد محض به متون آنها داشت؛ بنابراین بهتر است به‌عنوان مؤید از آنها بهره برد.

در جمع‌آوری داده‌های مربوط به مؤلفه‌ها، ابتدا معانی مفهوم «ارتباط» در روان‌شناسی امروزی، بسته به نظر روان‌شناسان غربی استخراج شد؛ همچنین به دیکشنری و دائرةالمعارف روان‌شناسی خانواده مراجعه و تعریف ارتباط استخراج شد؛ سپس تعاریف جمع شد و معنای ارتباط (وجود حداقل دو نفر، وجود کلام و رفتار) شکل گرفت؛ سپس با استفاده از لغتنامه‌های عربی و سایت المعانی، هسته‌های متداول با استفاده از کتاب‌های مثل مصباح‌المنیر به عربی معاصر و اصیل ترجمه شد و در ادامه به کتاب‌های مانند قاموس قرآن، مجمع‌البحرین و... ارجاع شد و هسته‌ها به کلمات عربی تبدیل شد و کلمات به‌دست‌آمده که یک فهم دینی از ارتباط در خانواده را شامل می‌شد، در آیات و روایات جست‌وجو شد؛ در ادامه تمام مشتقات فعلی (ماضی، مضارع و امر) و اسمی مفاهیمی مثل عاشروا، درک، ارتباط، حب، مکالمه، فهم و... (اسم مفعول، صفت مشبیه، اسم مبالغه، اسم تفضیل و...) با الف و لام و بدون آن و همچنین کلماتی که شامل اعضای خانواده می‌شد مانند آب، ام، زوج، نساء، إمرأة، بعل، والد، ولد، ابن و بنت استخراج شد؛ بعد از استخراج آیات و روایات، داده‌هایی که با موضوع پژوهش ارتباط داشت، گزینش شد و برای استخراج مفهوم و مؤلفه‌ها، توصیف و مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. در این پژوهش با استفاده از احادیث موجود در کتاب‌های منابع «الف و ب» ارتباط سعادت‌محور در خانواده مفهوم‌شناسی و مؤلفه‌شناسی شد شیوة اجرا: مراحل تدوین مدل مفهومی ارتباط سعادت‌محور در خانواده بر اساس منابع اسلامی و روش انجام مراحل در ادامه بیان می‌شود:

بخش اول: تدوین مفهوم ارتباط سعادت‌محور در خانواده بر اساس منابع اسلامی بوده است که شامل آیات و روایات موجود در منابع اسلامی می‌باشد. این مرحله در طی چند گام انجام گردید: در گام نخست، آیات قرآن و روایات معصومین با توجه به کتاب‌های روایی درجه الف و ب جمع‌آوری شد؛ در گام دوم، آیات قرآن و گزاره‌های روایی جهت استخراج مؤلفه‌ها بررسی شد؛ در گام سوم، مفاهیم استخراج‌شده از گزاره‌های دینی در مورد ارتباط سعادت‌محور در خانواده مشخص، توصیف و تبیین شد؛ در گام چهارم، این مفاهیم به‌عنوان مؤلفه‌های مفهومی ارتباط سعادت‌محور در خانواده مقوله‌بندی شد؛ در گام پنجم، با استفاده از این مؤلفه‌ها تعریفی جدید از مفهوم ارتباط سعادت‌محور در خانواده در منابع اسلامی مطرح شد.

مراحل پنج‌گانه به‌صورت جزئی‌تر به این صورت عملیاتی شد. در این پژوهش پس از انتخاب منابع نهایی و جمع‌آوری داده‌های مرتبط با هدف پژوهش، تجزیه‌وتحلیل اطلاعات با استفاده از سه مرحله رمزگذاری باز (Open Coding)، رمزگذاری محوری (Axial Coding) و رمزگذاری انتخابی (Selective Coding) انجام شده است (Glaser and Strauss, 1967). رمزهای باز برچسب‌های ذهنی جداگانه به وقایع و پدیده‌ها

نسبت می‌دهند (Strauss and Corbin, 1998). واحد تحلیل (Unit Of Analysis) مورد استفاده در رمزگذاری این پژوهش، «مضمون» (Theme) است. «واحد تحلیل» در تحلیل محتوا به بخش‌هایی از متن گفته می‌شود که جدا رمزگذاری می‌شود (حافظی و دیگران، ۱۳۹۹).

در پژوهش حاضر نیز ملاک تفکیک هر شماره در جدول رمزگذاری باز، رساندن یک رمز معنایی مرتبط با موضوع بوده؛ به گونه‌ای که ممکن است یک جمله با چندین رمز معنایی در چندجا تکرار شده باشد. رمزگذاری باز در دو مرحله انجام شد: ابتدا داده‌ها مرتب شد و رمزگذاری باز اولیه انجام گرفت. در این مرحله، بیش از ۱۰۰۰ رمز حاصل شد؛ در مرحله دوم، رمزهای باز با همدیگر مقایسه گردید و در پالایشی مجدد، تعداد رمزها به ۴۳۷ رمز تقلیل یافت؛ و در مرحله سوم به ۳۱۷ رمز رسید.

مرحله بعد رمزگذاری محوری بود. پژوهشگر در این مرحله به دنبال نظم بخشیدن به عناوین و مقولات در شناسه‌گذاری باز است؛ به این معنا که او در این مرحله به هر دسته از عناوین که دارای شباهت‌های مفهومی با یکدیگر باشند، عنوان کلی و عام‌تری می‌دهد که این عنوان کلی هم می‌تواند بر اساس دریافت پژوهشگر و هم مراجعه به دانش پیشین باشد (Strauss and Corbin, 1998). در رمزگذاری محوری این پژوهش، رمزهای مرحله قبل با یکدیگر مقایسه، موارد مشابه و مرتبط با یکدیگر ادغام و سپس به هریک عنوان مناسبی داده شد. ۲۳ رمز محوری در این مرحله شکل گرفت.

سرانجام پژوهشگر در آخرین مراحل، یعنی رمزگذاری انتخابی (هسته‌ای) برای مقولات و دسته‌بندی‌های گوناگون، یک هسته اصلی و مرکزی انتخاب می‌کند که همه دسته‌های دیگر را با هم پیوند دهد تا خط اصلی موضوع مشخص شود (Strauss and Corbin, 1998). در پژوهش حاضر این فرایند در دو مرحله صورت گرفت: در مرحله اول ۷ مقوله عمده استخراج گردید و در مرحله آخر یک مقوله هسته‌ای به نام «ارتباط سعادت‌محور در خانواده» انتخاب شد که به همه این داده‌ها و مراحل در بخش یافته‌ها اشاره خواهد شد.

بخش دوم: راوی‌های محتوایی مؤلفه‌ها (CVR, CVI) بررسی شد. در این مرحله از نظر ۱۵ نفر از کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی استفاده شد. در این بخش جدولی برای مؤلفه‌ها بر اساس لیکرت چهاردرجه‌ای در بخش مطابقت و بر اساس لیکرت سه‌درجه‌ای در بخش ضروت طراحی شد و در اختیار کارشناسان قرار گرفت و ۷ کد هسته‌ای و ۲۳ کد محوری تأیید شد.

### یافته‌های پژوهش

بررسی دقیق آیات و روایات اسلامی در زمینه ارتباط خانوادگی ما را با گستره وسیعی از داده‌ها مواجه می‌سازد که نیازمند تتبع و بررسی دقیق این داده‌ها برای رسیدن به یک مدل مفهومی دقیق است. نتایج بررسی دقیق آیات و

روایات در موضوع مذکور، در جدول ذیل قابل مشاهده است. البته به دلیل میزان بالای مستندات و کدهای اولیه، بخشی از این دو بخش و در ادامه جدول، ۳۳ کد محوری و ۷ کد انتخابی و نیز کد هسته‌ای بیان شده است.

جدول ۱: جدول مستندات، کدهای محوری ۱، کدهای محوری ۲، کدهای انتخابی و کد هسته‌ای

کد هسته‌ای	کدگذاری انتخابی (مقوله‌های اصلی)	کد محوری ۲ (زیرمقوله‌ها)	کد محوری ۱ (کدهای غیرمشترک)	مستندات
				روابط زوجین
		خودداری از بدخلقی و بدزبانی و منت‌گذاری. (A۱-A۳۹)	دوست داشتن و ابراز آن (G۱)	«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱)
			دوستی و محبت در بیان و عمل (G۲)	«وَتَزَوَّيَ كِبْرُ الدَّارِ مِنَ السَّعَادَةِ وَكَثْرَةُ الْمُحِبِّينَ مِنَ السَّعَادَةِ وَمُؤَافَقَةُ الزَّوْجَةِ كَمَالُ السُّرُورِ» (علی بن موسی الرضا <small>علیه السلام</small> ، ۱۴۰۶ق، ص ۳۵۴)
			اهمیت بیان محبت و دوست داشتن نسبت به زن (G۳)	الإمام الصادق <small>علیه السلام</small> : «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ حُبُّ النِّسَاءِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۰، ح ۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۰۳؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۲، ح ۱۴۷۵)
		توجه به رفاه خانواده و گشاده‌دستی (B۱-B۵)	اهمیت ابراز زبانی دوستداری زن (G۴)	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small> : «قَوْلُ الزَّجْلِ لِلْمَرَأَةِ إِنِّي أَحْبَبْتُ لَا يَدْعُبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶۹، ح ۵۹)
			بیان کردن و اثبات دوستی نسبت به زن (G۵)	رسول الله <small>صلی الله علیه و آله</small> : «كَلِمًا از دَادَ الْعَبْدُ إِيمَانًا، از دَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ» (جعفر بن محمد <small>علیه السلام</small> ، ۱۴۰۴ق، ص ۹۰؛ ج ۲، ص ۱۹۲، ح ۶۹۳)

		محبت و دوستی زبانی و عملی (G۶)	الإمام الصادق <small>عليه السلام</small> : «العبد كلما ازداد للنساء حبا، ازداد في الإيمان فضلا» (شيخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۴، ح ۴۳۵۰؛ طبرسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۲، ح ۱۴۷۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۱۱، ح ۲۴۹۳۱)
		تأثیر محبت کلامی و غیرکلامی در ایمان فرد (G۷)	عن الإمام الصادق <small>عليه السلام</small> : «ما أظن رجلا يزداد في الإيمان خيرا، إلا أزداد حبا للنساء» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۰، ح ۲؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۸۴، ح ۴۳۵۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۹، ح ۲۴۹۲۲)
		اظهار و آشکاری‌سازی عشق و محبت به مرد (G۸)	عن رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> في قصة الخولا: «يا خولا، للرجل على المرأة أن تلزم بيته، وتودده وتحبّه وتشفقه» (نوری، ۱۳۶۹، ج ۱۴، ص ۲۴۴)
		اهمیت مهرورزی به همدیگر (L۱)	رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> : «يؤتى بالرجل من أمته يوم القيامة وما له من حسنة ترجى له الجنة، فيقول الربّ تعالى: أدخلوه الجنة، فإنه كان يرحم عباه» (دیلمی، ۱۳۵۶ق، ج ۵، ص ۴۶۰، ح ۸۷۵۲)
		اهمیت مهر و محبت (L۲)	مسند الطیالسی عن أنس: «كان رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> رحیما بالعیال» (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۱۲۹، ح ۱۸۳۳۴)
		مهربانی کردن (L۳)	تاریخ دمشق عن أنس: «كان رسول الله <small>صلى الله عليه وآله</small> من أرحم الناس بالصبيان والعیال» (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۸۸، ج ۷، ص ۱۵۵، ح ۱۸۴۹۰)
	نافرمانی و ناسپاسی نکردن / فرمان‌برداری (C۱-C۶)	ضرورت محبت به فرزندان (L۴)	الإمام علی <small>عليه السلام</small> : «ارحم من أهلك الصغیر، ووقر منهم الكبير» (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲۲، ح ۱؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۸، ح ۸، ج ۲، ص ۱۶۲)

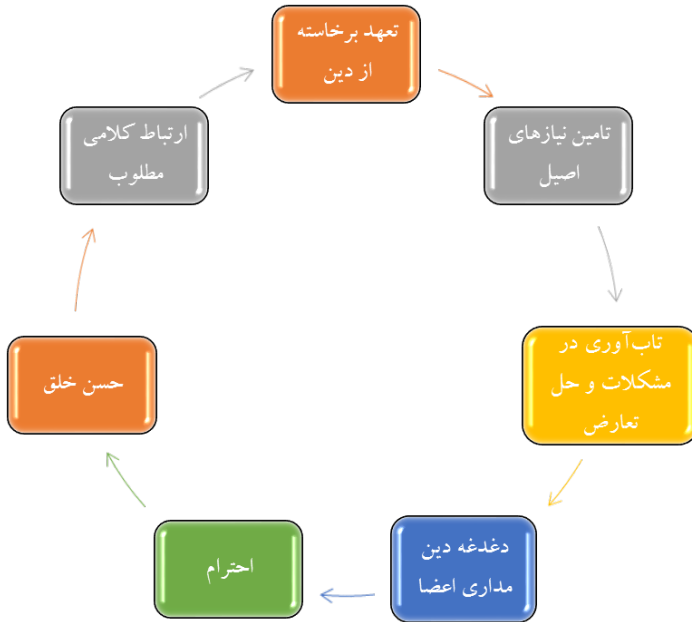
در ادامه این جدول همه مستندات، کدهای اولیه، کدهای محوری، کدهای انتخابی و کد هسته‌ای آورده شده که به علت محدودیت پژوهش حاضر، در جدول جداگانه به معرفی ۲۳ کد محوری، ۷ کد انتخابی و کد هسته‌ای می‌پردازیم.

جدول ۲: معرفی مجموع کدهای محوری ۲، کدهای انتخابی و کد هسته‌ای

کدهای محوری ۲ (زیرمقوله‌ها)	کدهای انتخابی (مقوله‌های اصلی)	کد هسته‌ای
خلق پسندیده و کنش مطلوب نسبت به همدیگر	حسن خلق	ارتباط سعادت‌محور در خانواده
خودداری از بدخلقی و بدزبانی و منت‌گذاری		
بی‌توجهی نکردن/ توجه نسبت به همدیگر		
سعی در برقراری نشاط در خانواده		
مهرورزی و نگاه محبت‌آمیز به همدیگر		
مدارا و ملایمت داشتن		
فرق نهادن بین فرزندان		
ترجیح همشینی با خانواده و تقدیم هدیه برای آنها		
عدم افراط و تفریط در دوست داشتن و محبت ورزیدن در خانواده (تعادل در مهرورزی)		
سلام کردن، دعا و طلب خیر و عدم نفرین همدیگر	ارتباط کلامی مطلوب	
عدم اعمال رأی والدین در تصمیم‌گیری (مخصوصاً در ازدواج)		
دوست داشتن و بیان کردن آن		
صداقت		
تواضع و بزرگداشت همدیگر	احترام	
لزوم ادب و جلب رضایت هم		
تلاش در رفع نیازها و خدمت به هم	تأمین نیازهای اصیل	
تلاش بر علم‌آموزی و کسب دانش		
تلاش در جهت آسایش خانواده و گشاده‌دستی نسبت به آنها	تعهد برخاسته از دین	
رعایت حقوق همدیگر		
اهتمام به حفظ دین و اعتقادات خانواده (اعتقادات)	دغدغه دین‌مداری اعضا	
تأکید بر انجام واجبات، خصوصاً نماز در خانواده (احکام)		
سپاسگزاری به جای ناسپاسی کردن از هم	تاب‌آوری در مشکلات و حل تعارض با انگیزه معنوی	

تحمل و صبر بر نامالایمات رفتاری و کمک در مشکلات هم

بر اساس آنچه در جدول (۲) قابل مشاهده است و با ارزش‌گذاری هریک از کدهای انتخابی و نیز با توجه به جایگاهی که در مفهوم کلی کدهسته‌ای (ارتباط سعادت‌محور در خانواده) دارند، مدل مفهومی ارتباط سعادت‌محور به شکل ذیل ارائه شد.



شکل ۱: مدل مفهومی ارتباط سعادت‌محور در خانواده

در ادامه به توضیح هر کدام از مؤلفه‌ها (کدهای انتخابی) استخراج‌شده می‌پردازیم.

### تعهد برخاسته از دین

دین برای انسان موهبتی الهی است که او را به یک فلسفهٔ حیات مسلح می‌کند و انسان را در برابر خطر انحرافات، ایمن می‌کند. در تبیین این امر می‌توان به اثر دین‌داری بر تعهد خانواده اشاره کرد (محمدی و دیگران، ۱۳۹۳)؛ تعهدی که با ارتباط بهتر، شاد بودن و رفتار سازنده‌تر در طی مشکلات در ارتباط است. تعهد به رابطه را می‌توان واسطه‌ای برای بخشش، تفاهم، آمادگی برای ایثار در زندگی مشترک دانست که همهٔ اینها از مؤلفه‌های اساسی در حفظ و ثبات سلامتی اجتماعی است. آموزه‌های دینی که این تقدس‌بخشی را در افراد نهادینه می‌کند، پیام‌ها و توصیه‌هایی دربارهٔ نحوهٔ توجه به همدیگر در خانواده دارد که رابطه را به محیطی امن برای آسایش و حل مسائل پیشروی خانواده تبدیل می‌کند (غفاری، ۱۳۹۹).

## تأمین نیازهای اصیل

تأمین نیازهای مادی و روانی انسان که نیازهایی اصیل‌اند در حوزه خانواده رخ می‌دهد؛ بنابراین خانواده بهترین بستر جهت تأمین امنیت و آرامش روانی برای اعضا، تربیت و پرورش نسل جدید، توانمندسازی روابط اجتماعی آنان و پاسخ‌دهی به نیازهای روانی افراد است (سالاری، فر، ۱۳۹۱، ص ۱). رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «هرگاه بنده‌ای برای [تأمین] نیاز خانواده‌اش بیرون برود، خداوند عز و جل برای هر قدمی که برمی‌دارد، یک درجه [در بهشت] برایش می‌نویسد، و اگر نیاز آنها را تأمین کند، او را می‌آمرزد» (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۲۸۲)

## تاب‌آوری در مشکلات و حل تعارض

دستیابی به جامعه سالم، در گرو سلامت خانواده است و تحقق خانواده سالم، مشروط به برخورداری افراد آن از سلامت روانی و داشتن رابطه‌های مطلوب با یکدیگر، خوددرمان‌بخشی یا حل تعارض است؛ از این رو سالم‌سازی اعضای خانواده در بروز مشکلات مربوط به اعضا و رابطه‌هایشان، اثرهای مثبتی را در جامعه به دنبال خواهد داشت (کاظمیان و دیگران، ۱۳۹۲). رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «در بهشت درجه‌ای وجود دارد که هیچ‌کس به آن نمی‌رسد، مگر امام عادل، یا کسی که به خویشاوندان خود ارتباط و رسیدگی داشته باشد، یا کسی که در برابر خانواده‌اش صبر کند» (صدوق، ۱۳۸۱، ص ۹۳، ح ۳۹).

## دغدغه دین‌مداری اعضا

برخورداری از سلامت معنوی، فضایی را در خانواده ایجاد می‌کند که پدر، مادر و سایرین می‌توانند احساسات و باورهای دینی‌شان را در آن رشد و پرورش دهند و این امر موجب پایداری و توانمندسازی بیشتر خانواده می‌شود. به همین دلیل برای ارتقای هرچه بیشتر فرهنگ خانواده باید بر روابط، ساختار و فرایند حاکم بر خانواده تأکید داشت و راهکارهای دینی برای پیشرفت آنان تدوین نمود (بختیاری و دیگران، ۱۳۹۸). دین‌داری یا دین‌مداری به این معناست که شخص دین را به‌عنوان محور و اصل قرار دهد و حول آن رفتار، کردار و گفتار خویش را تنظیم کند (دینند خسروی، ۱۳۹۴). امام صادق (ع) در پاسخ شخصی به سؤالی درباره تفسیر آیه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»، وقتی از ایشان پرسش شد که چگونه می‌تواند خانواده‌اش را از آتش جهنم نجات دهد؟ امام صادق پاسخ دادند: «به آنان آنچه که خداوند دستور داده است، بیاموزید و از آنچه که خداوند نهی کرده است، بازدارید. اگر آنان از شما اطاعت کنند، شما مسئولیت خود را انجام داده‌اید و اگر عصیان کنند، شما وظیفه‌تان را به انجام رسانده‌اید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۲).

## احترام

انسان جهت حفظ حرمت، عزت و شخصیت خود باید در برخوردهای خود با دیگران، مخصوصاً در خانواده حافظ حرمت و عزت اعضا هم باشد. حفظ حرمت مخصوصاً با افرادی که نزدیکی عاطفی، انس و الفتی با آنها وجود دارد، سبب تقویت و رشد روابط عاطفی و مهر و مؤدت خواهد شد که بارزترین این روابط در خانواده است. در قرآن، دستور احترام به پدر و مادر بعد از مسئله توحید بیان شده است و این نشان‌دهنده اهمیت این حکم است

(حسن زاده، ۱۳۹۳). خداوند در قرآن کریم در پاسداشت و احترام به والدین می‌فرماید: «و هرگاه آنان تلاش کنند که موجودی را شریک من قرار دهی که از آن آگاهی نداری، از آنها اطاعت مکن، ولی با آنها در دنیا به طرز محترمانه و شایسته‌ای رفتار کن» (لقمان: ۱۵).

### حسن خلق

حسن خلق دارای معنایی وسیعی است که همه حوزه‌های رفتاری و شناختی و عاطفی انسان‌ها را شامل بوده و در ضمن اکتسابی بودن، جزئی از مکارم اخلاق به‌شمار می‌رود. حسن خلق دارای مصادیقی در کلام، عاطفه و روابط غیر کلامی است. این مفهوم فضیلت زیادی در منابع روایی داشته و به‌عنوان یکی از مهارت‌ها و شاخص‌های اصلی خانواده متعالی است که می‌تواند در بین اقسام روابط اعضای خانواده تأثیر مثبتی داشته باشد، و با تکیه بر مبانی انسان‌شناختی، اعتقادی، حقوقی و اخلاقی در راستای استحکام بخشی به خانواده به لحاظ تأثیر در روابط بین زوجین از جهت کلامی و غیر کلامی؛ همچنین به لحاظ تأثیر آن در روابط بین والدین و فرزندان و بالعکس، زمینه رشد و تعالی و در نتیجه استحکام خانواده‌ها را فراهم کند و سبب پایه‌گذاری یک جامعه آرمانی شود (عزیزی، ۱۳۹۹). پیامبر خدا ﷺ در توصیه‌اش به امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «ای علی! با خانواده و همسایگان و کسانی که با آنان معاشرت و همنشینی داری، خوش اخلاق باش تا نزد خداوند در درجات بلند نوشته شوی» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۹۳، ص ۱۴).

### ارتباط کلامی مطلوب

زبان مهم‌ترین عامل ارتباطی انسان و کلام ساده‌ترین و کاربردی‌ترین تبادل و تفاهم انسان‌ها به‌شمار می‌رود. کلمه و کلام بار ارزشی و مفهومی ویژه را در ذهن و روان شنونده ایجاد می‌کند (رهنمایی، ۱۳۸۶). مهارت‌های چهارگانه گفتن، شنیدن، خواندن و نوشتن برآمده از ارتباطات کلامی است. در این نوع ارتباط خود کلام مورد توجه است و لحن کلام، تندی و نازکی صدا در ارتباطات غیر کلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. سخن و کلام برای فرستنده پیام در گفتار و نوشتار و برای گیرنده پیام در شنیدن و خواندن منعکس می‌شود (برکو و دیگران، ۱۳۸۶). امروزه یکی از عوامل مهم در نابسامانی و نابهنجاری در خانواده‌ها، فقدان گفت‌وگوی صمیمانه است. به همین دلیل فراگیری مهارت و هنر گفت‌وگو از ضرورت‌های انکارناپذیر جامعه امروزی است. بسیاری از آسیب‌ها در خانواده به دلیل عدم رسیدن به نقطه تفاهم است که از گفت‌وگو بین اعضای خانواده شکل می‌گیرد (نوری و مهدوی، ۱۴۰۱).

### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بر اساس ساختار مفهومی به‌دست آمده از منابع اسلامی، ارتباط سعادت‌محور در خانواده برگرفته از تعهدی برخاسته از دین است که منجر به تأمین نیازهای اصیل، تاب‌آوری در مشکلات و حل تعارض و دغدغه دین‌مداری اعضا می‌گردد و دارای ویژگی‌های حسن خلق، ارتباط کلامی مطلوب و احترام است

جدول ۳: کدهای انتخابی و محوری ارتباط سعادت‌محور در خانواده

ارتباط سعادت‌محور در خانواده							کد هسته‌ای
تاب‌آوری در مشکلات و حل تعارض با انگیزه معنوی	دغدغه دین‌مداری اعضا	تعهد برخاسته از دین	تأمین نیازهای اصیل	احترام	ارتباط کلامی مطلوب	حسن خلق	کدهای انتخابی
سپاسگزاری به‌جای ناسپاسی کردن از هم	اهتمام به حفظ دین و اعتقادات خانواده (اعتقادات)	تلاش در جهت آسایش خانواده و گشاده‌دستی نسبت به آنها	تلاش در رفع نیازها و خدمت به هم	تواضع و بزرگداشت همدیگر	سلام کردن، دعا و طلب خیر و عدم نفرین همدیگر	خلق پسندیده و کنش مطلوب نسبت به همدیگر	کدهای محوری
تحمل و صبر بر ناملایمات رفتاری و کمک در مشکلات هم	تأکید بر انجام واجبات، خصوصاً نماز در خانواده (احکام)	رعایت حقوق همدیگر	تلاش بر علم‌آموزی و کسب دانش	لزوم ادب و جلب رضایت هم	عدم اعمال رأی والدین در تصمیم‌گیری (مخصوصاً در ازدواج)	خودداری از بدخلقی و بدزبانی و منت‌گذاری	
					دوست داشتن و بیان کردن آن	بی‌توجهی نکردن و توجه نسبت به همدیگر	
					صداقت	سعی در برقراری نشاط در خانواده	
						مهرورزی و نگاه محبت‌آمیز به همدیگر	
						مدارا و ملایمت داشتن	
						فرق ننهادن بین فرزندان	

						ترجیح همشینی با خانواده و تقدیم هدیه برای آنها
						عدم افراط و تفریط در دوست داشتن و محبت ورزیدن در خانواده (تعادل در مهرورزی)

فرایندهای مهارت ارتباطی و مراقبتی برای حل مسئله حل تعارض و توانایی برای برقراری ارتباط عاطفی مؤثر لازم است. به این دلیل که آموزش مهارت‌های ارتباطی باعث افزایش کارایی خانوادگی است (اصلائی، ۱۳۸۳). سفیری و جزایری (۱۳۸۴) در تحقیق خود که درصدد سنجش تأثیر روابط خانوادگی بر دل‌بستگی عاطفی تممیم‌یافته بودند، عنوان می‌کنند که گرمی روابط خانواده بر تعهد تممیم‌یافته و دل‌بستگی عاطفی تأثیر می‌گذارد و احترام در خانواده نیز بر این تعهد مؤثر است. اصلائی (۱۳۸۳) در نتیجه پژوهش خود شش فرضیه را بیان می‌کند؛ با این بیان که در فرض اول یک فرض نظری از مهارت‌های ارتباطی به کار می‌رود (اصلائی، ۱۳۸۳، به نقل از: مینوچین ۱۹۷۴). خانواده‌ای مؤثر معنا می‌شود که در آن زوجین بارها با همدیگر بحث و مذاکره و تبادل نظر کنند و الگوهای ارتباطی‌شان از این بحث‌ها و مذاکره‌ها شکل گیرد. در این صورت الگوهای کارآمد و مؤثر می‌توانند یکی از عوامل مهم در ارتقای کارایی خانوادگی یک زوج باشد. در فرض دوم می‌نویسد: «زوج‌هایی که آگاهی بیشتری در نحوه برقراری ارتباط مؤثرتر دارند، در آینده به‌طور مؤثرتری می‌توانند در اعتلای ارتباط‌شان عمل کنند». در فرض سوم بیان می‌کند که وجود مهارت‌های ارتباطی به همسران کمک می‌کند تا ایفای نقش‌های خانوادگی را به‌نحو مؤثرتری انجام دهند. در توجیه نتایج به‌دست‌آمده از فرضیه چهارم این نظریه مطرح می‌شود که برقراری ارتباط درست و صحیح، صمیمیت عاطفی و هیجانی زوج‌ها را افزایش می‌دهد. نکته‌ای که در فرضیه پنجم مطرح شده یکی از پایه‌های نظری این تحقیق است که صمیمیت باعث افزایش ارتباط مؤثر و ارتباط مؤثر به‌نوبه خود صمیمیت را افزایش می‌دهد. اگر زوجین بتوانند این ایده نظری را پیاده کنند که بررسی و حل مشکلات را به‌عنوان راهی برای در کنار هم بودن و صمیمیت تلقی کنند، مسلماً هم در حوزه حل مشکل و هم کارایی مؤثرتری خواهند داشت. در توجیه نتایج به‌دست‌آمده از فرضیه ششم - خرده‌مقیاس کنترل رفتار - نیز همسرانی که مهارت‌های ارتباطی بهتری داشته باشند، می‌توانند با استفاده از همین مهارت‌های ارتباطی برای کنترل رفتارهای خود و همسرشان قدم‌های مؤثری بردارند. اینکه زوج‌ها تا چه حد بتوانند انتظارات خودشان را از همسرشان بیان کنند، به همان میزان هم می‌توانند در کنترل رفتارهای

نامطلوب همسرشان و بهبودی رفتارهای آنها موفق عمل کنند (اصلائی، ۱۳۸۳). مؤلفه‌های مفروض در این شش فرضیه با برخی کدهای انتخابی و برخی کدهای محوری پژوهش حاضر کاملاً منطبق است. همچنین فیاض حسین (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان ویژگی‌های خانواده سالم در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن، خداباوری، معادباوری، مؤدت و رحمت، آرامش‌بخشی، حسن معاشرت، عیب‌پوشی، پابندی به ارزش‌های دینی، همکاری و تعاون، صبر در تعارضات و مشکلات، تکریم و احترام، عفو و گذشت و کسب حلال را از ویژگی‌های خانواده سالم در قرآن برمی‌شمارد. با رجوع به جدول (۳) می‌توان ارتباط مؤلفه‌های یافت‌شده پژوهش حاضر را با ویژگی‌های برشمرده در پژوهش فیاض حسین را تأیید کرد.

## منابع

قرآن کریم.

- ابن عساکر، علی بن الحسن (۱۴۱۵ق). تاریخ مدینه دمشق. بیروت: دار الفکر.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۹۳). تحف العقول. قم: دارالحديث.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). لسان العرب. قم: ادب حوزه.
- اصلانی، خالد (۱۳۸۳). نقش مهارت‌های ارتباطی بر کارایی خانوادگی دانشجویان متأهل. رفاه اجتماعی، ۴(۱۴)، ۱۰۳-۱۲۴.
- اقلیما، مصطفی (۱۳۸۳). تکنیک‌های ارتباط با فرد و خانواده. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- بختیاری، افسانه و دیگران (۱۳۹۸). نقش معنویت بر نظام سلامت خانواده از دیدگاه اسلام. اسلام و سلامت، ۴(۱)، ۲۸-۳۸.
- برکو، ری ام و دیگران (۱۳۸۶). مدیریت ارتباطات. ترجمه سیدمحمد اعرابی و داود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بستانی خالصی، زهرا و دیگران (۱۳۹۶). تبیین راهبردهای آموزش سلامت جنسی مبتنی بر توانمندسازی. تحقیقات کیفی در علوم سلامت، ۶ ۲۵۳-۲۶۵.
- بهشتی، احمد (۱۳۸۲). خانواده در قرآن. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- پشنده، شادی و دیگران (۱۳۸۸). مروری بر فرایند ترجمه و تطابق فرهنگی پرسش‌نامه‌ها. راهبردهای آموزش، ۲، ۱۱۷-۱۲۰.
- جعفر بن محمد رضی الله عنه (۱۴۰۴ق). الجعفریات. قم: دار الحديث.
- چاوشی، منصوره‌سادات و دیگران (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش مبتنی بر مدل بومی خانواده شادی‌محور بر عملکرد خانواده. مطالعات زن و خانواده، ۱، ۹۷-۱۱۵.
- حافظی، مجتبی و دیگران (۱۴۰۱). تدوین مدل مفهومی مرکزیت بخش ناهنجار به خود در منابع اسلامی، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۱(۴۲)، ۳۷-۷۲.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث.
- حسن‌زاده، صالح (۱۳۹۳). عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسین، فیاض (۱۳۹۷). ویژگی‌های خانواده سالم در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن. رساله دکتری قرآن و علوم - گرایش علوم تربیتی. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
- خبازیان، مهسا (۱۴۰۱). پیش‌بینی عملکرد اجرایی دختران دبستانی بر اساس متغیرهای مادرانه (نشخوارهای فکری زناشویی؛ تجربه هیجانی نسبت به همسر، روابط خانوادگی) در شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان).
- دببند خسروی، مطهره (۱۳۹۴). خانواده آرمانی از دیدگاه امام علی علیه‌السلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی. دانشکده علوم انسانی دانشگاه یزد.
- دبلمی، شهاب‌الدین احمد بن محمد (۱۳۵۶ق). الفردوس بما أثر عن رسول الله من الحديث. حیدرآباد دکن: دائرة المعارف العثمانیه
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار العلم.

- رهنمایی، سیداحمد (۱۳۸۶). *آشنایی با اصول و فنون مشاوره*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۱). *درآمدی بر نظام خانواده در اسلام*. تهران: هاجر.
- سفیری، خدیجه و جزایری، مهناز (۱۳۸۴). *روابط خانوادگی و کنش مبتنی بر دلبستگی عاطفی تعمیم یافته در جوانان*. *جامعه‌شناسی ایران*، ۴(۴)، ۱۶۶-۱۸۴.
- شریفی، عنایت‌الله و لطفی، مهرعلی (۱۳۹۲). *سبک زندگی خانوادگی در قرآن و سنت پیشوایان معصوم*، ۱۰٪. *پژوهش‌نامه معارف قرآنی*، ۱۴(۴)، ۸۱-۱۰۰.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۱). *الخصال*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. قم: کتابچی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه.
- طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۹۰). *منطق فهم حدیث*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۶). *مکارم الاخلاق*. قم: حبیب.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*. تحقیق: قسم الدراسات الإسلامیه. قم: مؤسسه البعثة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. تحقیق: حسن الموسوی خراسان. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۷). *تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای درمانی لذت‌بری سعادت‌نگر بر اساس منابع اسلامی در نشانگان افسردگی*. رساله دکتری روان‌شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- عزیزی جابر (۱۳۹۹). *بررسی تأثیر حسن خلق بر استحکام خانواده*. نهمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- علی بن موسی الرضا علیه السلام (۱۴۰۶ق). *الفقه المنسوب الی الإمام الرضا علیه السلام (المشهور بفقهِ الرضا علیه السلام)*. تحقیق: مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام.
- مشهد: المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام.
- غفاری، داریوش (۱۳۹۹). *معنایابی سلامت اجتماعی سالمندان*. *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۸(۱۸)، ۱۵۹-۱۸۶.
- قمری، محمد و خوشنام، امیرحسین (۱۳۹۰). *بررسی رابطه عملکرد خانواده اصلی و کیفیت زندگی در بین دانشجویان خانواده‌پژوهی*، ۷(۲۷)، ۳۴۳-۳۵۴.
- قنادان، منصور (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی*. تهران: آوای نور.
- کاظمیان، سمیه و دیگران (۱۳۹۲). *طراحی الگوی آموزشی حل تعارض خانواده: بر مبنای دیدگاه انسان‌شناسانه آیت‌الله جوادی آملی*. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی؛ ویژه‌نامه (سبک زندگی)*، ۴(۱۳)، ۳۳-۵۲.
- کرد، مؤگان و دیگران (۱۳۹۹). *تحلیل مفهوم «زندگی خوب» در رویکرد «سعادت‌گرا» به‌منظور تدوین هدف‌های تربیت*. *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم‌وتربیت*، ۱۰، ۹۶-۱۱۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*. تصحیح: علی‌اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۱۳۸۵). *خانواده‌درمانی*. ترجمه حمیدرضا حسین‌شاهی برواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند. تهران: روان.

متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۴ق). *کنز العمال فی سنن الأفعال و الأفعال*. بیروت: مؤسسه الرساله.

متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹ق). *کنز العمال فی سنن الأفعال و الأفعال*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحارالانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.

محمدی، بهناز و دیگران (۱۳۹۳). بررسی نقش دین‌داری و ابعاد آن در پیش‌بینی تعهد زناشویی کارکنان سازمان بهزیستی خراسان شمالی. *دین و سلامت*، ۱(۲)، ۱۵-۲۴.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق). *الأمالی*. تحقیق: مؤسسه النشر الإسلامی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

مهدوی کنی، صدیقه (۱۳۹۲). اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده در نظام معرفتی اسلام. *فقه و حقوق خانواده*، ۱۸، ۲۸-۱.

مینوچین، س. (۱۳۷۳). *خانواده و خانواده‌درمانی*. ترجمه باقر ثنائی. تهران: امیرکبیر.

نوری، میرزا حسین (۱۳۶۹). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. تهران: آل البيت علیهم‌السلام.

نوری، نجیب‌الله و مهدوی، محدثه (۱۴۰۱). بایسته‌های ارتباط کلامی در خانواده بر پایه منابع اسلامی. *مطالعات روان‌شناسی با رویکرد اسلامی*، ۳(۶)، ۹-۲۰.

Argyle, M. (2001). *The psychology of happiness*. London: Rutledge.

Brog, C., Fagerström, C., Balducci, C., Burholt, V., Ferring, D. & Werber, G. (2008). Life satisfaction in 6 european contries: the relationship to health, self-esteem, and social and financial resources among people (Aged 65-89) with reduced functional copacity. *Geriatric nurs*, 29, 48-57.

Carr, A. (2012). *Family Therapy: Concepts and Process and Practice*. Malden: John wily & sons.

Dai, L. Wang, L. (2015). Review of family functioning. *Open Journal Of Scocial Sciences*, 3(12), 134-141.

DePaul, N. (2006). Healthy family functioning relationship advice & relationship tips. *J Council for Relationships*, 215, 382-680.

Dickstein, S. (2007). Family mealtime functioning, maternal depression, and early childhood outcomes. *Journal of Family Psychology*, 12, 23-40

Dong, Q. (2005). The impact of family communication patterns and perception of risky behavior: A social cognitive perspective. *Journal of the Northwest Communication Association*, 34, 93-106.

Fredrickson, B. L. (2001). The role of positive emotions in positive psychology: The

- broaden-and-build theory of positive emotions. *American Psychologist*, 56(3), 218-226.
- Gill, T. (1994). A critical appraisal of the quality-of-life measurements. *JAMA*, 272(8), 6. 24-37
- Glaser, Barney G. & Strauss, Anselm L. (1967). *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*, Chicago, Aldire.
- Gottman, J. M. (1994). *Why Marriages Succeed or Fail: And How You Can Make Yours Last*. New York: Simon & Schuster.
- Hefferon, k. & Boniwell, l. (2011). *positive psychology, theory, Research and Application*. London: Open University Press.
- J. Vitte (2016). "The Most Important Idea in the World: An Introduction", In : J. Ed .(*Handbook of Vittersø Eudemonic Well-Being* (p.1-26).
- Koesten, J., Anderson, K. (2004). Exploring the influence of family communication patterns, cognitive complexity, and interpersonal competence on adolescent risk behavior. *Journal of Family Communication*, 4, 99-121.
- Peterson, C. & Seligman, M. E. (2004). *Character strengths and virtues: A handbook and classification*. Washington: American Psychological Association.
- Ryan, R. M. & Deci, E. L. (2001). *On happiness and human potentials: A review of research on hedonic and eudaimonic well-being*. *Annual Review of Psychology*, 52(1), 141-166.
- Seligman, M. E. (2011). *Flowish: A visionary new understanding for happiness and well-being*, Simon and Schuster
- Spannagel, C. & Glsser-Zikuda, M. (2005). Schroeder U. Application of qualitative content analysis in user-program interaction research. *Forum Qual Soc Res*, 6(2), 29.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications, Inc.



 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

 10.22034/ravanshenasi.2025.5001061

 20.1001.1.20081782.1404.18.4.2.3

## The Effectiveness of Group resilience Training with focus on Patience based on Islamic ontology on Distress Tolerance and Spiritual Experiences of Young Women (Case study: Basij bases in Tehran's 13th region)

**Fatemeh Poursaleh** / Master of Family Counseling, Non-Profit University of Sisters Welfare, Tehran, Iran

Pwrsalhfatmh92@gmail.com

 **Anahita Khodabakhshi-Koolae**  / Associate Professor, Department of Psychology and Educational Sciences,  
Faculty of Humanities, Khatam University, Tehran, Iran

a.khodabakhshid@khatam.ac.ir

**Received:** 2024/12/29 - **Accepted:** 2025/09/25

### Abstract


Patience-centered resilience means the ability to cope with and adapt to pressures, stresses, and life problems using patience and tolerance. Patience, as a psychological trait, is a power that helps individuals to be guided and endure obstacles in the face of difficult and frustrating situations. The purpose of the present study was to investigate the effectiveness of patience-centered resilience group training based on Islamic ontology on the distress tolerance and spiritual experiences of young women. The present study is an applied one from the perspective of the purpose and from the perspective of the method and nature, is a quasi-experimental study conducted in the form of a pre-test and post-test design with a control group. The statistical population of the present study was the Sisters' Mobilization Bases in Region 13 of Tehran, where 30 people were selected in two experimental and control groups, using the available sampling method. The data collection tools were the Distress Tolerance Questionnaire by Simmons and Gaher (2005) and the Daily Spiritual Experiences Questionnaire by Underwood and Tressey (2002). SPSS22 software and univariate analysis of covariance were used to analyze the data. The findings of the study showed that resilience training with a focus on patience has an effect on increasing distress tolerance and increasing spiritual experiences in young women. The results obtained in this study, in addition to providing practical guidelines for psychotherapy counselors, provide a new window for future research in the field of psychological resilience.

**Keywords:** resilience, patience, Islamic ontology, distress tolerance, spiritual experiences

## کارآمدی آموزش گروهی تاب‌آوری با محوریت صبر مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی بر تحمل پریشانی و تجارب معنوی زنان جوان (مورد مطالعه: پایگاه‌های بسیج منطقه ۱۳ تهران)

Pwrsalhfatmh92@gmail.com

فاطمه پور صالح / کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه غیرانتفاعی رفاه خاهران، تهران، ایران

آناهیتا خدابخشی کولایی  ID دانشیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

a.khodabakhshid@khatam.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۳

### چکیده

تاب‌آوری با محوریت صبر به معنای توانایی مقابله و سازگاری با فشارها، استرس‌ها و مشکلات زندگی با استفاده از صبر و تحمل است. صبر به‌عنوان یک خصیصه روان‌شناختی، قدرتی است که به افراد کمک می‌کند در مواجهه با موقعیت‌های دشوار و ناامیدکننده، هدایت شده و تحمل کنند. هدف از پژوهش حاضر کارآمدی آموزش گروهی تاب‌آوری با محوریت صبر مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی بر تحمل پریشانی و تجارب معنوی زنان جوان بود. روش پژوهش حاضر از منظر هدف کاربردی و از منظر روش و ماهیت در زمره پژوهش‌های نیمه‌آزمایشی است که در قالب طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر پایگاه‌های بسیج خاهران منطقه ۱۳ شهر تهران بود که ۳۰ نفر در دو گروه آزمایش و گواه به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه تحمل پریشانی سیمونز و گاهر (۲۰۰۵)، پرسش‌نامه تجارب معنوی روزانه اندروود و ترسی (۲۰۰۲) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS22 و آزمون تحلیل کواریانس تک‌متغیره استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد آموزش تاب‌آوری با محوریت صبر بر افزایش تحمل پریشانی و افزایش تجارب معنوی زنان جوان تأثیر دارد. نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق علاوه بر اینکه دارای رهنمودهای کاربردی برای مشاوران روان‌درمانی است، پنجره جدیدی برای تحقیقات آتی در حوزه تاب‌آوری روان‌شناسی فراهم می‌آورد.

**کلیدواژه‌ها:** تاب‌آوری، صبر، هستی‌شناسی اسلامی، تحمل پریشانی، تجارب معنوی.

اکثر مطالعات شیوع‌شناسی جمعیت نشان داده‌اند که زنان بیشتر از مردان از اضطراب و افسردگی رنج می‌برند (Sandanger et al, 2004). عدم تحمل پریشانی می‌تواند باعث کاهش توانایی فرد در برقراری و حفظ روابط اجتماعی شود. فرد ممکن است از برقراری ارتباط با دیگران دست بکشد و احساس انزوا و انزجار کند (Twenge and Joiner, 2020). تحمل پریشانی به معنای قدرت و توانایی فرد برای مقابله با استرس‌ها، نگرانی‌ها و مشکلات زندگی است. این مفهوم به میزانی اشاره دارد که یک فرد در مواجهه با موقعیت‌های دشوار و ناراحت‌کننده، آرامش خود را حفظ کند و به‌طور سالم و مؤثر با آنها برخورد کند (Öztürk et al, 2023). پریشانی پدیده پیچیده‌ای از انگیزش است، تا کسی برانگیخته نباشد ناکام نمی‌شود. پریشانی عموماً این‌گونه درک می‌شود: «حالت منع در ارضای انگیزه» یا «تداخلی در پاسخ هدف یا در عمل واسطه‌ای که منتهی به آن هدف می‌شود» (Holingue, 2020). رویکرد تاب‌آوری چارچوب عملی و مثبتی فراهم می‌کند که به هدایت اقدامات برای تقویت خانواده جهت حل مشکلات موجود می‌پردازد. این رویکرد پا را فراتر از حل مشکلات گذاشته و به پیشگیری از آن می‌پردازد؛ نه‌تنها خانواده را اصلاح می‌کند، بلکه آنها را آماده می‌سازد تا با چالش‌های آینده نیز روبه‌رو شوند (Osofsky and Osofsky, 2018). کیم و دیگران نیز در پژوهش خود از تاب‌آوری به‌عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم تجارب معنوی نام برده‌اند (Kim et al, 2023). در سال‌های اخیر حوزه روان‌شناسی شاهد ظهور رویکرد جدیدی به نام روان‌شناسی مثبت‌گرا بوده است که تأکید بر نقاط قوت فرد داشته و درصدد آن است که از نقاط قوت انسان‌ها بر ضد بیماری‌های روانی بهره‌گیرد (Singh et al, 2022). یکی از متغیرهای روان‌شناسی مثبت‌گرا، معنویت می‌باشد. معنویت عبارت است از: «شیوه‌های زندگی و اعمالی که تجسم چشم‌اندازی از وجود انسان و چگونگی دستیابی روح انسان به پتانسیل کامل خود است. به این معنا، معنویت یک رویکرد آرمانی، چه مذهبی و چه سکولار، معنا و رفتار زندگی انسانی را دربر می‌گیرد» (Sheldrake, 2021). در هر حال، اعتقاد به عالم معنوی، پذیرش وجود واقعیتی غیرمادی است که برای حواس غیر قابل شناخت است (Morrison, 2023). تجربیات معنوی روزانه نیز ممکن است مکانیسم محافظت‌کننده داشته باشد (Park and Roh, 2013). احساس حضور خدا، احساس محبت خداوند، یافتن قدرت در دین یا معنویت، و احساس آرامش و هماهنگی درونی ممکن است تا حدی عوامل استرس‌زا را جبران کند و اثرات منفی آنها را بر سلامت روان و کاهش و باعث شکوفایی شود (Schieman et al, 2013). در واقع، برخی از محققان خدای دوست‌داشتنی را به‌عنوان «شخصیت دل‌بستگی نهایی» توصیف کرده‌اند که ممکن است به‌عنوان «پناهگاه ایمنی» در دنیای پراسترس عمل کند (Kirkpatrick, 2005). ارتباط با خدا با این دیدگاه ممکن است به افراد کمک کند تا با دور کردن توجه از کشمکش‌های شخصی و به سمت احساس امنیت معنوی، عوامل استرس‌زا را مدیریت کنند (Kent et al, 2021).

یک مطالعه مروری نشان داد که دین یا معنویت را می‌توان با این عناوین مفهوم‌سازی کرد: سبک مقابله، منبع حمایت اجتماعی و ابزاری برای تصمیم‌گیری افراد (Litalien et al, 2023). فروم با توجه به اهمیت دین، نیاز دینی را یک نیاز ریشه‌دار می‌داند که در واقع جز ذات هستی انسان است. در سال‌های اخیر علاقه به پرداختن به مسائل معنوی و مذهبی به‌خصوص در زمینه روان‌درمانی افزایش یافته است. سرمایه دینی و معنوی مسلمانان در مواقع سختی به آنها کمک می‌کند و به‌عنوان یک پایه محکم برای مقابله با مشکلات زندگی عمل می‌کند (Achour, 2016). متأسفانه رویدادهای جهانی همیشه تصویر مثبتی از دین بر جای نگذاشته‌اند؛ حملات تروریستی با انگیزه مذهبی، خشونت و جنگ بین ایمان گروه‌ها، جنگ در عراق، همگی یادآور قسمت تاریک دین هستند. با این حال، دین و معنویت برای اکثریت مردم ایالات متحده مهم است. پی. اس. ریچاردز و برگین گزارش دادند که نظرسنجی‌های اخیر نشان داده است که بیش از ۹۵ درصد از آمریکایی‌ها ادعا می‌کنند معتقد به خداوند هستند، ۶۵٪ اعضای یک کلیسا هستند، ۶۰٪ می‌گویند که دین بسیار در زندگی آنها مهم است و ۶۲٪ درصد معتقدند که دین می‌تواند به همه یا بیشتر موارد امروزی پاسخ دهد (Turnbow, 2008). در طول دهه گذشته، انفجاری در ادبیات روان‌درمانی محور ادغام دین و معنویت در درمان رخ داده است. اهمیت این پژوهش از جهت‌های مختلف قابل بررسی می‌باشد. یکی از ابعاد تأثیرگذار بر سلامت روانی جوانان تاب‌آوری آنهاست؛ زیرا تاب‌آوری سبب می‌شود افراد با ناملایمات و سختی‌های روزگار روبه‌رو شوند بدون اینکه آسیبی به آنها برسد و همانند عوامل حفاظتی می‌باشند که فرد را در مواجهه با خطرات، استرس‌ها و موقعیت‌های آسیب‌زا محافظت می‌کند؛ همچنین جوان‌ها می‌توانند از این موقعیت‌ها به‌عنوان فرصتی برای رشد و ترقی شخصیت خود استفاده نمایند. آموزش تاب‌آوری باعث افزایش راهبردهای مقابله‌ای مؤثرتر، افزایش عوامل حفاظتی مانند عواطف مثبت و اعتمادبه‌نفس و خودرهبی، کاهش عواطف منفی، استرس و افسردگی می‌شود. اگرچه تاب‌آوری تا حدی تابع ویژگی‌های شخصی است، اما تابع تجربه‌های محیطی افراد نیز می‌باشد؛ لذا انسان‌ها قربانی مطلق محیط و وراثت نیستند و می‌توان واکنش افراد در مقابل استرس و رویدادهای ناخوشایند را تغییر داد؛ به‌طوری که بتوانند بر مشکلات و تأثیر منفی محیطی غلبه کنند (Vella et al, 2019)؛ از این‌رو می‌توان از طریق آموزش آن را ارتقا داد و به افراد کمک کرد تا با رویدادها و واقعیت‌های ناخوشایند زندگی به‌گونه‌ای مثبت و کارآمد مواجه شوند.

تاب‌آوری به‌مثابه یک سازه روان‌شناختی اشاره به توان روانی فرد برای مواجهه با مشکلات و مصائب زندگی دارد. پژوهش‌های اخیر بر اهمیت نقش تعلیم قرآنی بر تاب‌آوری روان‌شناختی پرداخته‌اند. صبر، توکل و امیدواری سه عنصر اصلی تاب‌آوری روانی هستند که فرد دین‌دار با توجه به آموزه‌های قرآن می‌کوشد آنها را در امور جاری زندگی خود به‌کار گیرد و به این ترتیب در مواجهه با ناملایمات نه ناامید می‌شود و نه بی‌تابی می‌کند

(قادری و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین قرآن کریم و احادیث اسلامی مباحث بی‌شماری را مرتبط با حوزه معنایی تاب‌آوری روان‌شناختی برشمرده‌اند. در پژوهش داداشی و دیگران (۱۴۰۳) پس از بررسی قرآن کریم و متون اسلامی نشان دادند که الگوی تاب‌آوری، الگویی فرایندی است که بر پنج بُعد موقعیت‌های تاب‌آوری، عوامل زمینه‌ساز تاب‌آوری، مؤلفه‌های تاب‌آوری، راهکارهای تاب‌آوری و پیامدهای تاب‌آوری استوار است و از الگوی مستخرج شده می‌توان برای تدوین پرسش‌نامه و طراحی مداخله درمانی روان‌شناختی مرتبط با تاب‌آوری بر اساس آموزه‌های اسلام استفاده کرد (داداشی و دیگران، ۱۴۰۳). همچنین آموزش صبر مبتنی بر آموزه‌های دینی می‌تواند بر افزایش میزان تاب‌آوری دانش‌آموزان تأثیر مثبتی داشته است (قدم‌پور و همکاران، ۱۳۹۷).

برنامه آموزش گروهی تاب‌آوری با محوریت صبر در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای ارائه شد. دلیل انتخاب موضوع آموزش گروهی تاب‌آوری با محوریت صبر بر تحمل پریشانی و تجارب معنوی زنان جوان و ضرورت پرداختن به آن، زمانی برای ما روشن می‌شود که آمار جامعه ایران نشان‌دهنده این می‌باشد که بیشتر افراد جامعه در سن جوانی به سر می‌برند، پس رسیدگی به سلامت جسمی و روانی آنها دارای اهمیت زیادی می‌باشد؛ همچنین تاب‌آوری می‌تواند همانند سپری برای جوانان باشد تا در برابر سختی‌ها و ناملایمات زندگی آنها را حفاظت کند و سلامت روانی افراد را حفظ کند. تفاوت این پژوهش با سایر برنامه‌های تاب‌آوری در این مسئله است که تا کنون پژوهش‌های فراوانی در زمینه آموزش تاب‌آوری صورت گرفته است، ولی پژوهشی که آموزش تاب‌آوری را با محوریت صبر عنوان کرده باشد صورت نگرفته است؛ همچنین موضوع جدیدی که در اینجا مطرح شده است، آموزش تاب‌آوری به همراه صبر و تأثیر آن را بر تحمل پریشانی و تجارب معنوی بررسی شد. در همین راستا پژوهش حاضر در پی تعیین کارآمدی آموزش تاب‌آوری با محوریت صبر بر تحمل پریشانی و تجارب معنوی زنان جوان است.

### روش پژوهش

روش تحقیق حاضر از نظر نوع هدف، کاربردی است؛ چراکه تحقیق حاضر به دنبال حل یک مشکل می‌باشد. از نظر شیوه اجرا، از نوع تحقیقات نیمه‌آزمایشی است که در قالب طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل انجام می‌شود. در این طرح متغیر وابسته قبل و بعد از اجرای متغیر مستقل اندازه‌گیری می‌شود. روش نیمه‌آزمایشی یکی از مجموعه روش‌های پژوهشی است که به‌منظور پیدا کردن روابط علت و معلولی بین دو یا چند متغیر به کار برده می‌شود. پژوهش حاضر یک مطالعه نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است. در این طرح بعد از انتخاب آزمودنی‌ها، آنها به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند؛ سپس قبل از اجرای متغیر مستقل (X) (آموزش گروهی تاب‌آوری با محوریت صبر)، آزمودنی‌های انتخاب شده در هر دو گروه به‌وسیله پیش‌آزمون (تحمل پریشانی و تجارب معنوی) مورد اندازه‌گیری قرار گرفتند، و گروه

آزمایش در معرض متغیر مستقل (آموزش گروهی تاب‌آوری با محوریت صبر) قرار گرفت و در گروه کنترل متغیر مستقل (آموزش گروهی تاب‌آوری با محوریت صبر) اجرا نشد؛ در پایان متغیر وابسته (تحمل پریشانی و تجارب معنوی) در هر دو گروه به‌وسیلهٔ پس‌آزمون مورد اندازه‌گیری قرار گرفتند.

### جامعهٔ آماری و حجم نمونه

جامعهٔ آماری در این پژوهش، پایگاه‌های بسیج خاوران منطقهٔ ۱۳ شهر تهران بود. از بین افراد ذکرشده، اشخاصی که حاضر به همکاری در پژوهش هستند، پرسش‌نامه‌های تحمل پریشانی و تجارب معنوی را تکمیل خواهند کرد و از بین آنها ۳۰ نفر شرکت‌کننده به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی، داوطلبانه و آسان انتخاب و به‌صورت تصادفی در گروه آزمایش و گواه جایگزین می‌شوند.

ملاک‌های ورود شامل قرار گرفتن در دامنهٔ سنی ۲۰-۴۰ سال، مدت ازدواج ۲-۵ سال، حداقل تحصیلات دیپلم، داوطلب شرکت در پژوهش، نمرهٔ پایین‌تر از ۳۴ در پرسش‌نامهٔ تحمل پریشانی و نمرهٔ پایین‌تر از ۴۵ در پرسش‌نامهٔ تجارب معنوی می‌باشد. ملاک خروج شامل غیبت بیش از سه جلسه در جلسات آموزشی و شرکت هم‌زمان در سایر مداخلات آموزشی می‌باشد.

### ابزارهای گردآوری اطلاعات

#### مقیاس تحمل پریشانی (DTS)

یک شاخص خودسنجی که توسط سیمونز و گاهر تهیه شده است (Simons and Gaher, 2005). مقیاس تحمل پریشانی (The Distress Tolerance Scale) یک ابزار ۱۵ ماده‌ای است و برای ارزیابی تحمل پریشانی بر اساس توانمندی فرد برای تحمل پریشانی هیجانی، ارزیابی ذهنی پریشانی، میزان توجه به هیجانات منفی در صورت وقوع و اقدام‌های تنظیم‌کننده برای تسکین حالت پریشانی به‌کار می‌رود. این ابزار دارای ۴ زیرمقیاس تحمل، جذب، ارزیابی و تنظیم است. ۱. تحمل (تحمل پریشانی هیجانی): با سؤالات ۱، ۳ و ۵ اندازه‌گیری می‌شود؛ ۲. جذب (جذب شدن به‌وسیلهٔ هیجانات منفی): با سؤالات ۲، ۴ و ۱۵ اندازه‌گیری می‌شود؛ ۳. ارزیابی (برآورد ذهنی پریشانی): با سؤالات ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ اندازه‌گیری می‌شود؛ ۴. تنظیم (تنظیم تلاش‌ها برای تسکین پریشانی): با سؤالات ۸، ۱۳ و ۱۴ اندازه‌گیری می‌شود. عبارات این پرسش‌نامه بر روی یک مقیاس پنج‌درجه‌ای (۱ کاملاً موافق؛ ۲. اندکی موافق؛ ۳. نه موافق و نه مخالف؛ ۴. اندکی مخالف؛ ۵. کاملاً مخالف) نمره‌گذاری می‌شوند که هر یک از این گزینه‌ها به ترتیب ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ امتیاز دارند. برای به‌دست آوردن تحمل پریشانی کلی نمرهٔ تمام سؤالات با هم جمع می‌شود و برای به‌دست آوردن نمرهٔ هر یک از ابعاد، نمرهٔ سؤال‌های هر بعد مطابق آنچه که در بالا ذکر شد با هم جمع می‌شوند. نمرهٔ بالا نشانگر تحمل پریشانی بالا و نمرهٔ پایین نشانگر تحمل پریشانی پایین است. سیمونز و

گاهر ضرایب آلفا برای این مقیاس را به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۸۲ و ۰/۷۰ و برای کل مقیاس ۰/۸۲ را گزارش کرده‌اند. آنها همچنین گزارش کرده‌اند که این پرسش‌نامه دارای روایی ملاکی و هم‌گرایی اولیه خوبی است. در این پژوهش نیز ضریب آلفای کرونباخ به دست آمده برای کل آزمون ۰/۸۲ به دست آمد.

### پرسش‌نامه تجارب معنوی روزانه

آندروود و تریسی برای اندازه‌گیری تجارب معنوی روزانه (The daily spiritual experience scale)، مقیاسی با ۱۶ گویه تهیه کرده‌اند که ابعادی از قبیل ارتباط با خداوند، آگاهی از وجود خداوند و احساس مسئولیت در قبال دیگران را می‌سنجد (Underwood and Teresi, 2002). پاسخ‌ها بر اساس مقیاس شش درجه‌ای لیکرت محاسبه می‌شوند. این مقیاس در حال حاضر یکی از معتبرترین مقیاس‌های سنجش تجارب معنوی افراد است که در سطح دنیا مقبولیت فراوانی یافته و کشورهای فراوانی از آن استفاده نموده‌اند و نشان داده که در فرهنگ‌های مختلف از ثبات درونی، پایایی و روایی مناسبی برخوردار است.

خصوصیات روان‌سنجی این مقیاس در جامعه ایرانی توسط تقوی و دیگران (۲۰۱۰) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از بررسی پایایی به روش بازآزمایی (۰/۹۹،  $p < ۰/۰۰۱$ ) و تنصیف (۰/۸۸،  $p < ۰/۰۰۱$ )، حاکی از پایایی مطلوب مقیاس است. همچنین برای تعیین روایی از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی استفاده گردیده که سه عامل «احساس حضور خداوند»، «ارتباط با خداوند» و «احساس مسئولیت در قبال دیگران» استخراج شده است. در مجموع، این سه عامل استخراجی ۵۴/۶۱ واریانس کل مقیاس را تبیین می‌کردند. همچنین برای بررسی روایی هم‌زمان مقیاس، همبستگی آن را با مقیاس جهت‌گیری مذهبی آلپورت محاسبه نموده‌اند. مقیاس تجارب معنوی روزانه با جهت‌گیری مذهبی درونی همبستگی قوی‌تری را نشان داده که حکایت از روایی سازه این مقیاس دارد؛ زیرا عامل احساس مسئولیت نسبت به دیگران در اکثر پژوهش‌ها، از جمله پژوهش تقوی و دیگران دارای بار عاملی ضعیفی بوده و تنها شامل دو سؤال است (تقوی و دیگران، ۲۰۱۰)؛ از این رو در این پژوهش، تنها از دو عامل احساس حضور خدا و ارتباط با او استفاده شد. برای بررسی ضریب پایایی مقیاس در این پژوهش، از ضریب پایایی آلفای کرونباخ استفاده گردید که ضریب پایایی ۰/۹۱ به دست آمد.

### روش اجرای پژوهش

#### پروتکل آموزش تاب‌آوری با محوریت صبر

برنامه آموزشی بر اساس مفاهیم صبر در کتاب معراج السعاده ملا احمد نراقی؛ همچنین مقالات احمدی (۲۰۲۰)، خدابخشی کولایی و دیگران (۲۰۱۶) و احمدی و دارابی (۲۰۱۷) برگرفته شده است. پس از بررسی منابع و مقالات در زمینه آموزه‌های اسلامی درباره صبر، برنامه بر اساس متغیرهای وابسته تنظیم شد و ۳ تن از اساتید

گروه معارف اسلامی و مشاوره دانشگاه رفاه خواهران برنامه را بررسی و به لحاظ محتوایی تأیید نمودند. همچنین نظر به اینکه نویسنده اول تحصیلات خود را در حوزه گذرانده است، برای تأیید روایی محتوایی کار آن را به حضور دو تن از اساتید برجسته حوزه آموزه‌های اسلامی و روان‌شناسی در حوزه خواهران تهران رساند. پس از تأیید همه اساتید برنامه اجرا شد. برنامه آموزش گروهی تاب‌آوری با محوریت صبر بر اساس متغیرهای مورد بررسی در پژوهش، یعنی تجارب معنوی روزانه و تحمل پریشانی تنظیم شد. آموزش صبر، حلم و بردباری برای تاب‌آوری و همچنین کنترل خشم که یکی از مؤلفه‌های روان‌شناختی است که برای تحمل پریشانی بسیار مهم است. تحمل پریشانی در تنظیم هیجان و پرخاشگری نقش اساسی دارد (McIntyre, 2013). همچنین برای تجارب روزانه معنوی تمرین‌هایی در زمینه پرورش حس معنویت و ایمان در نظر گرفته شد.

روش پژوهش، روش نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد. محتوای جلسات مداخله در جدول (۱) بیان شده است. جهت رعایت اصول اخلاقی پس از اخذ رضایت آگاهانه از افراد، در مورد محرمانگی نتایج و ترک مداخله در صورت عدم تمایل به همکاری اطمینان داده شد. همچنین پس از انجام پژوهش برای گروه کنترل ۶ جلسه آموزش در نظر گرفته شد.

جدول ۱: محتوای جلسات آموزش گروهی تاب‌آوری با محوریت صبر مبتنی بر هستی‌شناسی اسلامی

جلسات	موضوع	محتوا
جلسه اول (۹۰ دقیقه)	- برقراری ارتباط با مخاطبین و بیان قوانین شرکت در گروه - بیان اهداف - آشنا کردن افراد با تاب‌آوری	۱. کلیه شرکت‌کنندگان خود را معرفی کنند و با رهبر گروه آشنا شوند. ۲. قوانین شرکت در گروه را یاد بگیرند. ۳. شرکت‌کنندگان با اهداف برنامه آشنا شوند. ۴. تعریف ساده‌ای از تاب‌آوری و صبر ارائه شود. ۵. افراد با پیامدهای صبر در تعالیم اسلامی آشنا شوند.
جلسه دوم (۹۰ دقیقه)	- آشنایی با چارچوب کلی بحث - جایگاه تاب‌آوری و شکیبایی در تعالیم اسلامی	۱. آشنایی با انواع صبر مبتنی بر تعالیم اسلامی ۲. استفاده غیرمستقیم از روایات اسلامی در زمینه صبر ۳. استفاده غیرمستقیم از آیات قرآن در زمینه صبر
جلسه سوم (۹۰ دقیقه)	- اثرات صبر بر سختی‌ها و مزایای آن	۱. بررسی اثرات صبر در مقابل سختی‌ها و مزایای آن و رشد صبر در خود ۲. بیان ویژگی صابران
جلسه چهارم (۹۰ دقیقه)	- ارتباط صبر و معنمندی	۱. بیان اهمیت معنمندی و نوع نگاه افراد بر افزایش صبر ۲. بیان اهمیت هدفمندی و تأثیر آن بر افزایش تاب‌آوری

<p>۱. بیان مفهوم خشم ۲. بیان نشانه‌های خشم ۳. یادگیری روش‌های مدیریت خشم</p>	<p>- کنترل هیجانات (مدیریت خشم) - صبر در خشم و گذشت</p>	<p>جلسه پنجم (۹۰ دقیقه)</p>
<p>۱. بیان آرامش روانی و اهمیت آن در زندگی فرد بر اساس تعلیم اسلامی. ۲. از حس معنویت خود به‌عنوان یک عامل انگیزشی استفاده کنند. ۳. به آینده خوشبین و امیدوار باشند. ۴. بیان مفاهیم اسلامی (توکل، دعا، نماز) ۵. شناخت دعا به‌عنوان عامل مکمل صبر و راه‌گشای آرامش روان‌شناختی</p>	<p>- پرورش حس معنویت و ایمان</p>	<p>جلسه ششم (۹۰ دقیقه)</p>
<p>۱. مراحل حل یک مسئله را به‌طور ساده توضیح دهند. ۲. یاد بگیرند تا در مورد یک مسئله تفکر کنند. ۳. بتوانند مشکلات خود را حل کنند و برای آنها راه‌حل ارائه دهند. (از شرکت‌کنندگان درخواست می‌شود مسائلی که با آن روبه‌رو هستند را عنوان کنند و سایر شرکت‌کنندگان در حل آن مشکل به او راه‌حل ارائه دهند).</p>	<p>- آموزش مهارت حل مسئله از منظر تعلیم اسلامی و روان‌شناختی</p>	<p>جلسه هفتم (۹۰ دقیقه)</p>
<p>۱. خلاصه‌سازی ۲. گرفتن پس‌آزمون از شرکت‌کنندگان</p>	<p>- بررسی مباحث گذشته - پاسخ به سوالات مطرح‌شده</p>	<p>جلسه هشتم (۹۰ دقیقه)</p>

همچنین این پژوهش مصوب دانشگاه الزهراء علیها السلام قرار گرفت. این پژوهش مصوب کمیته اخلاق پژوهش دانشگاه الزهراء علیها السلام به شناسه IR.ALZAHRA.REC.1402.005 می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی و استنباطی استفاده شد. در آمار توصیفی شاخص‌های میانگین و انحراف معیار و در آمار استنباطی از آزمون تحلیل کواریانس تک‌متغیره مورد استفاده قرار گرفت؛ همچنین از نرم‌افزار spss نسخه ۲۲ استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

تحصیلات اکثر افراد پاسخ‌دهنده در گروه آزمایش (۴۶/۷ درصد) فوق دیپلم و کمترین آنها (۶/۷ درصد) فوق لیسانس است؛ همچنین سن اکثر افراد پاسخ‌دهنده در گروه کنترل (۴۶/۶ درصد) بود. از ۱۵ نفر افراد پاسخگو در گروه کنترل و آزمایش سن تمام افراد پاسخگو بین ۲۰-۴۰ سال می‌باشد. از ۱۵ نفر افراد پاسخگو در گروه کنترل و آزمایش اشتغال تمام افراد پاسخگو در وضعیت خانه‌دار می‌باشد.

در این قسمت جدول (۲) از یافته‌های پژوهش، میانگین و انحراف معیار نمرات آزمودنی‌ها به تفکیک گروه‌ها، قبل و بعد از آموزش ارائه می‌گردد.

جدول ۲: مقادیر آمار توصیفی متغیرهای پرسش‌نامه تحمل پریشانی

کنترل				آزمایش				متغیر
پس‌آزمون		پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیش‌آزمون		
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۲/۹۸۷	۲۷/۹۳	۴/۵۹۶	۲۸/۵۳	۴/۶۹۷	۵۶/۲۶	۲/۸۸۳	۲۸/۸	تحمل پریشانی
۳/۹۸۲	۳۲	۴/۰۰۸	۳۴/۰۶	۸/۷۳۵	۶۴/۲۰	۳/۱۱۳	۳۱/۵۳	تجارب معنوی

برای انجام تحلیل کوواریانس چندمتغیری ابتدا مفروضه‌های این آزمون از آزمون لون استفاده شد و پس از عدم معناداری ( $P > 0/05$ ) تحلیل اجرا گردید. در مجموع نتایج به‌دست‌آمده نشان از این دارد که توزیع متغیرهای اصلی، انحراف قابل توجهی از توزیع نرمال نداشتند و می‌توان توزیع متغیرهای پژوهش را نرمال دانست و در نتیجه مفروضه آزمون تحلیل کوواریانس برقرار بود. در جدول (۳) نتایج آزمون ام‌باکس برای برابری ماتریس واریانس در بین دو گروه گزارش شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون ام‌باکس برای بررسی فرض همگنی ماتریس کوواریانس

مقدار باکس	مقدار آماره F	df1	df2	سطح معناداری
۱۰/۶۱۳	۱/۲۶۴	۳	۱۴۱۱۲۰	۰/۰۵۲

همان‌طور که در جدول (۳) ملاحظه می‌گردد، بر اساس آزمون باکس برای متغیرها معنی‌دار نیست و شرط همگنی ماتریس‌های واریانس / کوواریانس به‌درستی رعایت شده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری

نام آزمون	مقدار	مقدار آماره F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری، $P = 1/264$	مقدار آماره $BOX = 10/613$
آزمون اثر پیلاپی	۰/۹۵۹	۲۸۹/۶۲	۲	۲۵	۰/۰۰۱	۰/۹۵۹
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۰۴۱	۲۸۹/۶۲	۲	۲۵	۰/۰۰۱	۰/۹۵۹
آزمون اثر هتلینگ	۲۳/۱۷	۲۸۹/۶۲	۲	۲۵	۰/۰۰۱	۰/۹۵۹
بزرگ‌ترین ریشه‌روی	۲۳/۱۷	۲۸۹/۶۲	۲	۲۵	۰/۰۰۱	۰/۹۵۹

همان‌طور که از جدول (۴) مشخص است، یافته‌های حاصل از تحلیل کوواریانس چندمتغیری حاکی از این است که مقدار  $F$  چندمتغیری برای اثربخشی تاب‌آوری با محوریت صبر، در تمامی آزمون‌ها در سطح  $P < 0/05$  از لحاظ آماری معنادار می‌باشد؛ لذا می‌توان گفت که بین دو گروه آزمایش و کنترل حداقل در یکی از شاخص‌ها، تفاوت معناداری وجود دارد. مجذور اتا (که در واقع مجذور ضریب همبستگی بین متغیرهای وابسته و عضویت گروهی است) نشان می‌دهد که تفاوت بین دو گروه با توجه به متغیرهای وابسته در مجموع معنادار است و میزان این تفاوت ۰/۹۵۹ درصد است؛ یعنی ۹۵/۹ درصد واریانس مربوط به اختلاف بین دو گروه ناشی از تأثیر تاب‌آوری با محوریت صبر است.

جدول ۵: نتایج آزمون تحلیل واریانس تک‌متغیری جهت مقایسه بین دو گروه از زنان

مؤلفه	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	مقدار آماره F	سطح معناداری	اندازه اثر
تحمل پریشانی	۵۱۸۲/۱۹۵	۱	۵۱۸۲/۱۹۵	۳۱۲/۰۶۴	۰/۰۰۱	۰/۹۲۳
تجارب معنوی	۶۹۶۶/۵۸۷	۱	۶۹۶۶/۵۸۷	۱۵۹/۵۸۲	۰/۰۰۱	۰/۸۶۰

همان‌طور که از نتایج جدول (۵) مشخص است، سطح معناداری آزمون برای شاخص‌های تحمل پریشانی ( $P < 0/05$ ) و تجارب معنوی ( $P < 0/05$ ) معنادار است. بنابراین فرض یکسان بودن نمرات این مؤلفه‌ها بین دو گروه کنترل و مداخله پذیرفته نمی‌شود. همچنین با توجه به مقادیر اندازه اثر مشخص می‌شود که به ترتیب ۹۲/۳ و ۸۶ درصد از تفاوت نمرات بین مؤلفه‌های تحمل پریشانی و تجارب معنوی، متأثر از آموزش تاب‌آوری با محوریت صبر است. با توجه به مقادیر میانگین نمرات در جداول ۴-۲ و ۴-۳ مشخص می‌شود که آموزش تاب‌آوری با محوریت صبر باعث بهبود در نمرات این شاخص‌ها شده است.

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده در این فرضیه با یافته‌های ملکی‌ها و علیانسنب (۲۰۲۱)، احمدی و دارابی (۲۰۱۷)، Afeck و دیگران (۲۰۲۱) و Riehm و دیگران (۲۰۲۰) مطابقت دارد. یکی از عواملی که می‌تواند تحمل پریشانی را بالا ببرد، صبر است. وقتی انسان‌ها تحت تأثیر عصبانیت قرار می‌گیرند، اکثراً عملکرد هیجانی دارند. در آموزش از افراد خواسته شد که هنگام ناراحتی و عصبانیت آیات را در دل خود مرور کنند؛ همچنین بیان داستان صبر حضرت ایوب علیه السلام که در کتاب *معراج السعاده* آمده و داستان خشم انوشیروان بر بزرگمهر که در یکی از کتاب‌های تاریخی بیان شده، با استقبال فراوان افراد مواجه شد تا به‌عنوان الگویی برای تحمل پریشانی در نظر گرفته شود (فاضل نراقی، ۱۳۸۸). در تبیین نتیجه به‌دست‌آمده می‌توان به تئوری تاب‌آوری روان‌شناختی استناد کرد که بیان می‌کند تاب‌آوری اساساً به معنای پذیرش شرایط موجود، تحمل سختی‌ها و ادامه دادن است. در عین حال تاب‌آوری با محوریت صبر بر شکیبایی افراد هنگام مواجهه با شرایط نامناسب اشاره دارد. نتیجه به‌دست‌آمده اهمیت آموزش

تاب‌آوری را نشان می‌دهد. این یافته‌ها حاکی از آن است که نهاده‌ها شدن تاب‌آوری در انسان به‌خصوص زمانی که با صبر و شکیبایی تقویت شود، باعث افزایش تحمل نسبت به سختی‌ها شده و بدین ترتیب زمینه برای تحمل پریشانی را فراهم می‌آورد. حتی شاید بتوان گفت که آموزش تاب‌آوری از طریق تقویت احساسات مثبت در فرد میزان پریشانی وی را کاهش می‌دهد و بدین ترتیب شرایط لازم برای تداوم یک زندگی مثبت‌نگر را ایجاد می‌کند. مطابق با تعریف انجمن روان‌شناسی آمریکا، تاب‌آوری فرایند و نتیجه‌سازی موفقیت‌آمیز با تجارب دشوار یا چالش‌برانگیز زندگی است؛ به‌ویژه از طریق انعطاف‌پذیری ذهنی، عاطفی و رفتاری و سازگاری با خواسته‌های بیرونی و درونی. با این تعریف و با در نظر گرفتن نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر می‌توان به آموزش تاب‌آوری به‌عنوان یک مداخله‌ی درمانی بسیار مؤثر در افزایش تحمل پریشانی و بهبود تجربه‌ی معنوی زنان امیدوار بود. در روان‌شناسی و در علوم اعصاب‌شناختی، صبر به‌عنوان یک مسئله‌ی تصمیم‌گیری مورد مطالعه قرار می‌گیرد که شامل انتخاب یک پاداش کوچک در کوتاه‌مدت، در مقابل یک پاداش ارزشمندتر در بلندمدت است. تاب‌آوری با محوریت صبر مستلزم آن است که فرد مکرراً احساسات مثبت را در خود بیانگیزد و از این طریق بستر لازم برای تحمل پریشانی را افزایش دهد (ملکی‌ها و علیان‌سب، ۲۰۲۱).

به‌طور کلی می‌توان بیان کرد آموزش تاب‌آوری با محوریت صبر به زنان این امکان را می‌دهد که در مواجهه با تنش‌ها و نارضایتی‌ها در روابط خود، کنترل خود را حفظ کرده و به جای واکنش‌های ناپسند، با صبر و تأمل عمل کنند. این مهارت به آنها کمک می‌کند تا درگیری‌ها را کاهش داده و روابط سالم‌تری را برقرار کنند. نتایج گزارش شده توسط گیفیتز و همکاران (۲۰۱۸) و Demir و همکاران (۲۰۱۹) تا حدی با نتایج به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر مطابقت دارد. در زمینه‌ی آموزش تاب‌آوری از مفاهیم توکل، نماز، دعا، شکرگزاری استفاده شد؛ همچنین طبق آیات و روایات اسلامی مواردی مطرح شد که تأثیر آن بر افزایش تجارب معنوی مشهود است؛ همانند آیه «إلا بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد: ۲۸) و آیه ۱۸۶ سوره بقره که می‌فرماید: «هرگاه بندگانم درباره‌ی من از تو سؤال بپرسند، بگو من نزدیکم و نگاه مرا بخوانند اجابت می‌کنم». درحقیقت باور به خدایی که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و ناظر به عبادت‌هاست، تا حد زیادی اضطراب مرتبط با موقعیت را کاهش می‌دهد. رفتارهایی از قبیل توکل به خدا، دعا، زیارت، شکرگزاری، نماز، قرائت قرآن که در جلسات آموزشی به آن تأکید شد، توانست موجب آرامش درونی افراد و بالا رفتن تجارب معنوی شود (رعد: ۲۸؛ بقره: ۱۸۶).

تاب‌آوری مبتنی بر صبر می‌تواند به زنان کمک کند تا ارتباط عمیق‌تری با خودشان برقرار کنند. با صبر و تاب‌آوری در مواجهه با چالش‌ها، زنان می‌توانند بهتر با احساسات و نیازهای خود آشنا شوند و از طریق ارتباط عمیق با خود، تجربه‌ی معنوی بیشتری را تجربه کنند. علاوه بر این، تاب‌آوری مبتنی بر صبر می‌تواند زنان را در

تقویت و اعتماد به نفسشان یاری کند. زمانی که زنان با مواجهه با مشکلات و چالش‌ها تاب‌آور می‌شوند و صبوری پیشه می‌کنند، تجربه‌ی معنوی بیشتری را تجربه می‌کنند.

لازم به ذکر است، صبر اسلامی یکی از اصول مهم در زندگی مسلمانان است که به تحمل مواقع دشوار و آزمایش‌ها با صبر و بردباری اشاره دارد. در خصوص پیوند مؤلفه‌های صبر از دیدگاه اسلامی و تاب‌آوری بایستی بیان داشت که تقوای دینی و اعتقاد به تدبیر الهی می‌تواند انسان را به تاب‌آوری ترغیب کند و در مواقع سخت، انرژی و انگیزه‌ای برای ادامه مسیر ایجاد کند. تاب‌آوری و صبر اسلامی شامل مفاهیمی می‌شوند که به تقوا، اخلاق، اعتقاد به تدبیر الهی و توانایی مقابله با مشکلات و آزمایش‌ها اشاره دارند. هر دو مفهوم تاب‌آوری و صبر اسلامی در توانایی مقابله با آزمایش‌ها و مشکلات تأکید دارند. زنان جوان باتقوا و اعتقاد به تدبیر الهی، می‌توانند از تجربیات منفی درس گرفته و در مواقع سخت، بهترین تصمیم‌ها را بگیرند. همچنین مؤلفه‌های اسلامی نظیر خودشناسی، تواضع و تلاش برای بهبود روحیه و شخصیت، به زنان جوان کمک می‌کنند تا در مسیر رشد و پیشرفت شخصی خود پایبند باشند. در کل، تأثیرگذاری این مفاهیم بر زنان جوان بسیار اهمیت دارد. این اصول می‌توانند به آنان در مواجهه با فشارها و چالش‌های زندگی کمک کنند و آنها را ترغیب به تحمل و پیشروی در مسیر زندگی کنند؛ از این رو می‌توان تأثیر تاب‌آوری با محوریت صبر بر افزایش تجارب معنوی زنان را توجیه کرد. همچنین شیرزادی و دیگران در پژوهش خود آشکار ساختند که دختران دانشجویی که التزام عملی به نماز داشتند، تجارب معنوی بالاتری را در زندگی‌شان داشتند (شیرزادی و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین در پژوهش دیگری بین هوش معنوی و خودشفقتی در دانشجویان دختر پرستاری رابطه‌ی مثبت، مستقیم و معنی‌داری به‌دست آمد؛ به این معنا هر چقدر هوش معنوی دانشجویان بیشتر باشد به همان اندازه میزان شفقت به خود نیز افزایش می‌یابد (خدابخشی کولایی و دیگران، ۲۰۱۹).

مطالعه‌ی حاضر با هدف اثربخشی آموزش گروهی تاب‌آوری با محوریت صبر بر تحمل‌پریشانی و تجارب معنوی زنان جوان انجام شده است. تاب‌آوری به‌طور کلی به‌عنوان یک «انطباق مثبت» پس از یک موقعیت استرس‌زا یا نامطلوب در نظر گرفته می‌شود. زمانی که فرد تحت فشار استرس روزانه قرار می‌گیرد، احساس تعادل درونی و بیرونی او را مختل می‌کند و این امر، چالش‌ها و همچنین فرصت‌هایی را به وجود می‌آورد. سهم دانش‌افزایی پژوهش حاضر را می‌توان در تلفیق دو مفهوم تاب‌آوری و صبر در نظر گرفت؛ مسئله‌ای که در تحقیقات پیشین کمتر به آن پرداخته شده است. از طرف دیگر نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق بار دیگر اهمیت آموزش گروهی تاب‌آوری را نشان می‌دهد. یافته‌های این تحقیق و همچنین نتایج گزارش‌شده در تحقیقات مشابه حاکی از آن است که آموزش‌ها اگر به‌صورت گروهی انجام شوند احتمالاً اثربخشی بیشتری خواهند داشت

نتایج این پژوهش محدود به زنان جوان ثبت‌نام‌کننده در پایگاه‌های بسیج منطقه ۱۳ تهران در سال ۱۴۰۲ می‌باشند. همچنین اجرای آزمون پیگیری برای اثربخش بودن مانایی روش مداخله صورت نگرفت. نتایج به‌دست‌آمده در این تحقیق علاوه بر اینکه دارای رهنمودهای کاربردی برای مشاوران روان‌درمانی است، پنجره جدیدی برای تحقیقات آتی در حوزه تاب‌آوری روان‌شناسی فراهم می‌آورد.

## منابع

### قرآن کریم.

- داداشی، مهدی و دیگران (۱۴۰۳). مدل مفهومی تاب‌آوری دینی بر اساس آموزه‌های اسلامی: نظریه داده‌بنیاد. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۸(۱)، ۴۸-۳۴.
- فاضل نراقی، ملاحمد (۱۳۸۸). *مراجع السعاده*. قم: جمال.
- قادری، زهره و دیگران (۱۴۰۱). نقش تاب‌آوری روانی در رضایتمندی از منظر آموزه‌های قرآن کریم. *پژوهش‌های ادیبانی*، ۱۰(۱۹)، ۷۱-۵۲.
- قدمپور، عزت‌الله و دیگران (۱۳۹۷) اثربخشی آموزش صبر مبتنی بر آموزه‌های دینی بر تاب‌آوری. *روان‌شناسی و دین*، ۱۱(۱)، ۳۱-۴۶.
- Afek, A., Ben-Avraham, R., Davidov, A., Berezin Cohen, N., Ben Yehuda, A., Gilboa, Y. & Nahum, M. (2021). Psychological resilience, mental health, and inhibitory control among youth and young adults under stress. *Frontiers in Psychiatry*, 11, 588-608.
- Ahmadi, K. (2020). Is the patience the resilience? Applied conceptualization of patience for critical situations. *Studies in Islam and Psychology*, 14(27), 163-187.
- Ahmadi, K. & Darabi, A. (2017). The effectiveness of patience training on reducing grief and facilitating posttraumatic growth. *Cultural Psychology*, 1(1), 114-131.
- Achour, M., Bensaid, B. & Nor, M. R. B. M. (2016). An Islamic perspective on coping with life stressors. *Applied Research in Quality of Life*, 11, 663-685.
- Demir, E. (2019). The evolution of spirituality, religion and health publications: yesterday, today and tomorrow. *Journal of religion and health*, 58(1), 1-13.
- Griffiths, R. R., Johnson, M. W., Richards, W. A., Richards, B. D., Jesse, R., MacLean, K. A. & Klinedinst, M. A. (2018). Psilocybin-occasioned mystical-type experience in combination with meditation and other spiritual practices produces enduring positive changes in psychological functioning and in trait measures of prosocial attitudes and behaviors. *Journal of psychopharmacology*, 32(1), 49-69.
- Holingue, C., Kalb, L. G., Riehm, K. E., Bennett, D., Kapteyn, A., Veldhuis, C. B. & Thrul, J. (2020). Mental distress in the United States at the beginning of the COVID-19 pandemic. *American journal of public health*, 110(11), 1628-1634.
- Kent, B. V., Henderson, W. M., Bradshaw, M., Ellison, C. G. & Wright, B. R. (2021). Do daily spiritual experiences moderate the effect of stressors on psychological well-being? A smartphone-based experience sampling study of depressive symptoms and

- flourishing. *The International Journal for the Psychology of Religion*, 31(2), 57-78.
- Khodabakhshi Koolaee, A., Falsafinejad, M. & Navidian, A. (2016). Evaluation of effectiveness of resilience training on psychological well-being of patients with type II diabetes. *Journal of diabetes nursing*, 4(3), 30-40.
- Khodabakhshi Koolaee, A., Chaeichi Tehrani, N. & Sanagoo, A. (2019). The relationship between spiritual intelligence and emotional intelligence with self-compassion of nursing students. *Iranian Journal of Medical Education*, 19, 44-53.
- Kim Quy, H. T., Tran, M. D. & Dinh, T. M. (2023). How transformational leadership, workplace spirituality and resilience enhance the service recovery performance of FLEs: a theoretical integration of COR theory and SDT. *Journal of Organizational Effectiveness: People and Performance*, 10(4), 644-662.
- Kirkpatrick, L. A. (2005). *Attachment, Evolution, and the Psychology of Religion*. Guilford Press.
- Litalien, M., Atari, D. O. & Obasi, I. (2023). The influence of religiosity and spirituality on health in Canada: A systematic literature review. *Journal of Religion and Health*, 61(1), 373-414.
- Malekiha, M., Olyanasab, S. Z. (2021). The Effect of Teaching Patience Based on the Quran on Resiliency and Self-compassion in Spouses of the Disabled with Spinal Cord Injury in Isfahan. *Journal of Pizhūhish dar dīn va salāmat*, 7(2), 125-137.
- McIntyre, A. W. (2013). *The role of distress tolerance in aggressive behavior*. University of Southern Mississippi
- Morrison, G. Z. (2023). Sustaining culture in modern times: spiritual beliefs and practices among working women of Malaysia. *Gender, Technology and Development*, 27(1), 60-87.
- Osofsky, J. D. & Osofsky, H. J. (2018). Challenges in building child and family resilience after disasters. *Journal of Family Social Work*, 21(2), 115-128.
- Öztürk, F. Ö., Bayraktar, E. P. & Tezel, A. (2023). The effect of laughter yoga on loneliness, psychological resilience, and quality of life in older adults: a pilot randomized controlled trial. *Geriatric Nursing*, 50, 208-214.
- Park, J. & Roh, S. (2013). Daily spiritual experiences, social support, and depression among elderly Korean immigrants. *Aging & mental health*, 17(1), 102-108.

- Riehm, K. E., Brenneke, S. G., Adams, L. B., Gilan, D., Lieb, K., Kunzler, A. M. & Thrul, J. (2020). Association between psychological resilience and changes in mental distress during the COVID-19 pandemic. *Journal of affective disorders*, 282, 381.
- Sandanger, I., Nygård, J. F., Sørensen, T. & Moum, T. (2004). Is women's mental health more susceptible than men's to the influence of surrounding stress? *Social psychiatry and psychiatric epidemiology*, 39, 177-184.
- Schieman, S., Bierman, A. & Ellison, C. G. (2012). *Religion and mental health*. In *Handbook of the sociology of mental health* (p. 457-478). Dordrecht: Springer Netherlands.
- Sheldrake, P. (2012). *Spirituality: A very short introduction*. OUP Oxford.
- Shirzadi, Z., Khodabakhshi-Koolae, A. & Falsafinejad, M. R. (2019). A study of the relationship of outlook and practical pledge to prayers and spiritual experiences with mental health of girl students of University of Tehran. *J Pizhūhish dīn va Salāmat*, 5(4), 99-113.
- Simons, J. S. & Gaher, R. M. (2005). The Distress Tolerance Scale: Development and validation of a self-report measure. *Motivation and emotion*, 29(2), 83-102.
- Singh, R., Sihag, P. & Dhoopar, A. (2022). Role of resilient leadership and psychological capital in employee engagement with special reference to COVID-19. *International Journal of Organizational Analysis*, 31(1), 232-252.
- Taghavi, S. H. R. & Amiri, H. (2010). Psychoanalysis characteristic investigation daily spiritual experience scale (DSES). *Journal of Islamic Education*, 5(10), 149-165.
- Turnbow, R. C. (2008). *Spiritual and Religious intervention: Psychotherapist and client perspective*. Capella University.
- Twenge, J. M. & Joiner, T. E. (2020). Mental distress among US adults during the COVID-19 pandemic. *Journal of clinical psychology*, 76(12), 2170-2182.
- Underwood, L. G. & Teresi, J. A. (2002). The daily spiritual experience scale: Development, theoretical description, reliability, exploratory factor analysis, and preliminary construct validity using health-related data. *Annals of behavioral medicine*, 24(1), 22-33.
- Vella, S. L. C. & Pai, N. B. (2019). A theoretical review of psychological resilience: Defining resilience and resilience research over the decades. *Archives of Medicine and Health Sciences*, 7(2), 233-239.



## Critique of the Theory of the Naturalness of Homosexuality: A Religious-Psychological Analysis

✉ **Mohammad Javad Ramezanipour**  PhD student in Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute [m.jramezanipoor@gmail.com](mailto:m.jramezanipoor@gmail.com)

**Reza Mahkam** / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute [mahkam@iki.ac.ir](mailto:mahkam@iki.ac.ir)

**Mohammad Reza Banyani** / Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic University of Sciences and Education [bonyani@maaref.ac.ir](mailto:bonyani@maaref.ac.ir)

**Received:** 2025/07/14 - **Accepted:** 2025/09/17



### Abstract

Homosexuality, as a sexual orientation, has attempted to gain recognition in recent decades by citing theories such as "naturalness." The theory of "naturalness of homosexuality" claims that this orientation is not the result of deviation or damage, but rather, like heterosexuality, is natural, instinctive, and inevitable. The present study aims to examine and criticize this theory based on scientific, psychological, and religious analysis. The research method is qualitative content analysis of scientific sources in the fields of psychology, biology, moral philosophy, and religious texts. The findings show that the claim that homosexuality is natural faces serious challenges from a scientific, psychological, and religious perspective. From the perspective of psychology and psychiatry, this phenomenon is in many cases the result of traumatic developmental experiences. From the perspective of moral philosophy, naturalness in itself cannot be a criterion of moral correctness; also from a religious perspective, homosexuality is considered a deviation from divine origination and any legitimization of it is in conflict with Islamic teachings.


**Keywords:** homosexuality, naturalness, instinct, psychology, Islamic jurisprudence, Islamic psychology

## نقد و بررسی نظریه طبیعی بودن همجنس گرایی: تحلیلی دینی - روان‌شناختی

m.jramezanipoor@gmail.com

محمدجواد رمضان‌پور  دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 

mahkam@iki.ac.ir

رضا مهکام / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 

bonyani@maaref.ac.ir

محمد رضا بنیانی / استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه علوم و معارف اسلامی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۳ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

### چکیده

همجنس‌گرایی، به‌عنوان گرایشی جنسی، در دهه‌های اخیر با استناد به نظریه‌هایی چون «طبیعی بودن»، تلاش کرده است به رسمیت شناخته شود. نظریه «طبیعی بودن همجنس‌گرایی» مدعی است که این گرایش نه حاصل انحراف یا آسیب، بلکه همانند دگرجنس‌خواهی امری طبیعی، غریزی و اجتناب‌ناپذیر است. پژوهش حاضر با هدف بررسی و نقد این نظریه بر اساس تحلیلی علمی، روان‌شناختی و دینی انجام شده است. روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی منابع علمی در حوزه روان‌شناسی، زیست‌شناسی، فلسفه اخلاق و متون دینی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ادعای طبیعی بودن همجنس‌گرایی از منظر علمی، روان‌شناختی و دینی با چالش‌های جدی مواجه است. از دیدگاه روان‌شناسی و روان‌پزشکی، این پدیده در بسیاری از موارد حاصل تجربه‌های آسیب‌زای رشدی است. از منظر فلسفه اخلاق، طبیعی بودن به‌خودی‌خود نمی‌تواند معیار درستی اخلاقی باشد؛ همچنین از منظر دینی، همجنس‌گرایی یک انحراف از فطرت الهی دانسته شده و هرگونه مشروعیت‌بخشی به آن با آموزه‌های اسلامی در تضاد است.

**کلیدواژه‌ها:** همجنس‌گرایی، طبیعی بودن، گزینه، روان‌شناسی، فقه اسلامی، روان‌شناسی اسلامی.

## مقدمه

در طول تاریخ، گرایش جنسی همجنس‌گرایانه به شکل‌های مختلفی در جوامع انسانی ظهور یافته است. از نگاه بسیاری از ادیان الهی، این پدیده انحراف اخلاقی و گناه کبیره تلقی شده و به شدت نکوهش شده است (سوزنچی، ۱۳۹۹؛ امید، ۱۳۹۳). اما در دهه‌های اخیر، به‌ویژه با گسترش جنبش‌های حقوق بشری در غرب، تلاش‌هایی برای مشروعیت‌بخشی به این گرایش انجام شده است. یکی از استدلال‌های اصلی مدافعان همجنس‌گرایی، استناد به «طبیعی بودن» آن است؛ به این معنا که این گرایش از ابتدا در فرد وجود دارد، اختیاری نیست و نمی‌توان آن را تغییر داد (Drescher, 2015).

طرف‌داران این نظریه معتقدند که طبیعی بودن همجنس‌گرایی، آن را از دایره انحراف، گناه یا بیماری خارج می‌کند، اما در مقابل، منتقدان این نظریه بر این باورند که حتی اگر همجنس‌گرایی در برخی افراد به صورت غریزی بروز یابد، این امر به‌تنهایی نمی‌تواند دلیلی بر مشروعیت اخلاقی یا دینی آن باشد (Satinover, 1996). نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی بر این باور است که همجنس‌گرایی یک نوع گرایش جنسی طبیعی و ذاتی است و مانند گرایش‌های جنسی دیگر، بخشی از تنوع طبیعی انسان‌ها و حیوانات است. به‌عبارت‌دیگر، گرایش جنسی افراد، چه همجنس‌گرا، دگرجنس‌گرا یا دوجنس‌گرا، بخشی ذاتی و طبیعی از تنوع زیستی انسان است و نه انتخابی شخصی یا انحراف. این نظریه از جنبه‌های زیستی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد و به این نتیجه می‌رسد که همجنس‌گرایی پدیده‌ای طبیعی و قابل قبول است.

### ۱. شواهد ژنتیکی

مطالعات دوقلو: برخی تحقیقات مدعی‌اند که اگر یکی از قل‌های همسان همجنس‌گرا باشد، احتمال همجنس‌گرا بودن قل دیگر نیز به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد. این موضوع نشان می‌دهد که ژن‌ها نقشی در تعیین گرایش جنسی افراد دارند (Bailey & Pillard, 1991).

مطالعات ژنوم: دانشمندان با بررسی ژنوم افراد، مدعی شده‌اند چندین ژن مرتبط با گرایش جنسی را شناسایی کرده‌اند. با این حال، این ژن‌ها به‌تنهایی تعیین‌کننده گرایش جنسی نیستند و احتمالاً با عوامل محیطی نیز تعامل دارند (Sanders & et al, 2014).

### ۲. شواهد عصبی

تفاوت‌های ساختاری: مطالعات تصویربرداری مغز مدعی‌اند که در برخی نواحی مغز، مانند هیپوتالاموس و آمیگدالا، بین افراد همجنس‌گرا و دگرجنس‌گرا تفاوت‌هایی وجود دارد. این تفاوت‌ها ممکن است با پردازش احساسات هویت جنسی و رفتار جنسی مرتبط باشد (LeVay, 1991).

تفاوت‌های عملکردی: تحقیقاتی مدعی‌اند که الگوی فعالیت مغز در حین انجام وظایف مرتبط با جنسیت در افراد همجنس‌گرا و دگرجنس‌گرا متفاوت است (LeVay, 1991).

### ۳. شواهد هورمونی

قرار گرفتن در معرض هورمون‌ها در دوران جنینی: سطوح هورمون‌ها، به‌خصوص آندروژن‌ها، در دوران جنینی می‌تواند بر گرایش جنسی افراد تأثیر بگذارد. به‌عنوان مثال، برخی تحقیقات مدعی‌اند قرار گرفتن در معرض سطوح بالای آندروژن در دوران جنینی با افزایش احتمال همجنس‌گرا بودن در پسران مرتبط است (Hines, 2011).  
تأثیرات هورمونی در دوران پس از تولد: هورمون‌ها در دوران پس از تولد نیز می‌توانند بر گرایش جنسی افراد تأثیر بگذارند. به‌عنوان مثال، تغییرات هورمونی در دوران بلوغ ممکن است بر میل جنسی و هویت جنسی افراد تأثیر بگذارد (Hines, 2011).

### ۴. شواهد جانورشناسی

رفتارهای همجنس‌گرایانه در حیوانات: رفتارهای همجنس‌گرایانه در طیف گسترده‌ای از گونه‌های جانوری، از جمله پستانداران، پرندگان، خزندگان، دوزیستان و حتی حشرات مشاهده شده است. آنها مدعی‌اند که این نشان می‌دهد که همجنس‌گرایی یک پدیدهٔ تکاملی باستانی است که در سراسر قلمرو حیوانات وجود دارد (Bagemihl, 1999).  
مکانیسم‌های تکاملی: دانشمندان بر این باورند که همجنس‌گرایی می‌تواند از طریق مکانیسم‌های مختلف تکاملی، مانند انتخاب خویشاوندی یا انتخاب گروهی حفظ شود (Diamond, 2002; Bogaert, 2003).

### ۵. شواهد روان‌شناختی

مطالعات روان‌شناسی مدعی‌اند که هیچ مدرکی مبنی بر اینکه همجنس‌گرایی یک اختلال روانی است وجود ندارد. تحقیقاتی نیز مدعی‌اند که افراد همجنس‌گرا به همان اندازهٔ افراد دگرجنس‌گرا از نظر سلامت روان سالم هستند (Hooker, 1958).  
روان‌کاوان اولیه مانند فروید نظرات مختلفی دربارهٔ ریشه‌های همجنس‌گرایی داشتند. فروید همجنس‌گرایی را بخشی از توسعهٔ طبیعی جنسی انسان می‌دانست (Freud, 1905).

### ۶. شواهد فرهنگی و تاریخی

شواهدی از وجود همجنس‌گرایی در فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف در سراسر تاریخ وجود دارد. این شواهد شامل هنر، ادبیات، اسناد تاریخی و رسوم فرهنگی می‌شود (Boswell, 1980).

### ۷. سیر طبقه‌بندی همجنس‌گرایی در DSM

تغییر نحوهٔ طبقه‌بندی همجنس‌گرایی در DSM یکی از واضح‌ترین نمونه‌های تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی

بر تعریف «بهنجاری» و «نابهنجاری» در روان‌شناسی است. این سیر تکاملی بازتاب‌دهنده پیشرفت علمی و تغییر نگرش‌های جامعه است.

#### ۷-۱. DSM-I (1952) و DSM-II (1968): یک «انحراف جنسی»

در دو نسخه اول DSM، همجنس‌گرایی تحت عنوان «انحراف جنسی» (Sexual Deviation) طبقه‌بندی شد. این طبقه‌بندی بر اساس دیدگاه‌های روان‌تحلیل‌گری آن زمان بود که همجنس‌گرایی را یک بیماری ناشی از تثبیت در مرحله رشد یا روابط ناسالم والدین می‌دانست (Kring & et al, 2018).

#### ۷-۲. DSM-II (1973): اصلاحیه تاریخی

فشار فزاینده از سوی پژوهشگرانی مانند آلفرد کینزی، هوکر و دیگر فعالان حقوق همجنس‌گرایان که شواهد علمی برای غیرپاتولوژیک بودن همجنس‌گرایی ارائه می‌دادند، منجر به یک تغییر بزرگ شد. در سال ۱۹۷۳، انجمن روان‌پزشکی آمریکا (APA) با رأی اعضا، همجنس‌گرایی را از DSM-II حذف کرد.

با این حال، برای حفظ یک جایگاه تشخیصی برای افرادی که از گرایش جنسی خود ناراضی هستند، تشخیص جدیدی به نام «اختلال در جهت‌گیری جنسی» (Sexual Orientation Disturbance) اضافه شد. این تشخیص فقط برای افرادی به کار می‌رفت که تمایلات همجنس‌خواهانه داشتند و به دلیل این تمایلات «ناراحتی مداوم» را تجربه می‌کردند (Kring & et al, 2018).

#### ۷-۳. DSM-III (1980): جایگزینی با «همجنس‌گرایی همساز با خودپنداره» (Homosexuality (ego-dystonic))

در DSM-III، تشخیص «اختلال در جهت‌گیری جنسی» حذف و جای خود را به «همجنس‌گرایی همساز با خودپنداره» داد. ملاک اصلی این اختلال این بود که فرد تمایلات همجنس‌گرایانه دارد، اما آرزو می‌کند که این تمایلات را نداشته باشد و این مسئله باعث پریشانی و اختلال در عملکرد او شود. این تغییر تأکید کرد که خود تمایل جنسی مشکل نیست، بلکه پریشانی ناشی از تعارض بین هویت و تمایل است (Kring & et al, 2018).

#### ۷-۴. حذف نهایی از DSM-III-R (1987) به بعد

حتی تشخیص «همجنس‌گرایی همساز با خودپنداره» نیز مورد انتقاد قرار گرفت؛ زیرا به‌طور نامتناسبی یک جمعیت خاص (همجنس‌گرایان) را هدف قرار می‌داد و این سؤال را ایجاد می‌کرد که آیا این «اختلال» واقعی است یا صرفاً نتیجه فشارهای اجتماعی همجنس‌گراستیزانه (Homophobia) است؟ در نتیجه، در بازبینی (DSM-III DSM-III-R) در سال ۱۹۸۷، این تشخیص نیز به‌طور کامل حذف شد. از آن زمان به بعد، هیچ‌یک از ویرایش‌های بعدی DSM شامل (DSM-IV, DSM-IV-TR, DSM-5) همجنس‌گرایی را به‌عنوان یک اختلال روانی طبقه‌بندی نکرده‌اند (Kring & et al, 2018).

## ۷-۵. جایگزین امروزی: پریشانی مرتبط با گرایش جنسی

در DSM-5، اگر فردی به دلیل تمایل، رفتار یا جهت‌گیری جنسی خود دچار پریشانی بالینی معنادار شود، ممکن است معیارهای تشخیصی دیگری مانند «پریشانی جنسیتی» یا «اختلال استرس پس از سانحه» ناشی از تروما و فشار اجتماعی را داشته باشد، اما خود جهت‌گیری جنسی دیگر هرگز مبنای یک تشخیص نیست (Kring & et al, 2018).  
 بالین حال، شواهدی از منظر روان‌شناسی، فلسفه اخلاق و دین وجود دارد که این ادعا را با چالش مواجه می‌سازد. آیا صرف طبیعی بودن یک گرایش، می‌تواند مشروعیت اخلاقی و دینی آن را تضمین کند؟ این سؤال محوری، مسئله اصلی این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

با افزایش فشارهای رسانه‌ای، فرهنگی و بین‌المللی برای پذیرش همجنس‌گرایی به‌عنوان یک حق طبیعی و غیر قابل نقد، ضرورت دارد ادعاهای نظریه‌های پشتیبان این گرایش مورد بررسی انتقادی قرار گیرد. یکی از خطرناک‌ترین این ادعاها، تکیه بر مفهوم «طبیعی بودن» است؛ مفهومی که در نگاه اول مثبت و بی‌طرف جلوه می‌کند، اما ممکن است حاوی پیش‌فرض‌های نادرستی باشد که اخلاق، روان‌شناسی و دین را دچار چالش می‌سازد (سوزنچی، ۱۳۹۹).

پژوهش حاضر با هدف شفاف‌سازی این ادعا، و بررسی علمی و انتقادی آن، می‌کوشد مانع از پذیرش شتاب‌زده و غیرنقدا نه آن در جامعه علمی و عمومی گردد.

## هدف پژوهش

این پژوهش با هدف:

- تحلیل و نقد نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی.
- بررسی آن از منظر روان‌شناسی، فلسفه اخلاق و فقه اسلامی.
- بررسی آثار پذیرش این نظریه بر سلامت روان، اخلاق عمومی و انسجام اجتماعی، انجام شده است.

## روش پژوهش

روش این پژوهش، کیفی و مبتنی بر تحلیل محتوای منابع اسنادی است. داده‌ها از طریق بررسی نظام‌مند مقالات علمی، کتب روان‌شناسی، متون فلسفه اخلاق و آموزه‌های دینی استخراج شده‌اند. تحلیل داده‌ها به شیوه استقرایی انجام شده و از تکنیک مثلث‌سازی نظری برای اطمینان از اعتبار یافته‌ها استفاده شده است. در این پژوهش، تلاش شده است با رویکردی بین‌رشته‌ای، مسئله از زوایای گوناگون بررسی گردد.

## یافته‌های پژوهش

### ۱. تعریف همجنس‌گرایی از منظر نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی

همجنس‌گرایی در این نظریه به‌عنوان بخشی ذاتی و طبیعی از تنوع زیستی در نظر گرفته می‌شود که بر پایه شواهد زیست‌شناختی، ژنتیکی و رفتاری استوار است. این دیدگاه همجنس‌گرایی را یک پدیده تکاملی و زیستی می‌داند که در انسان و سایر گونه‌های جانوری دیده می‌شود. در این تعریف، همجنس‌گرایی نه یک انتخاب، نه یک بیماری و نه یک انحراف است، بلکه بازتابی از تنوع طبیعی رفتارهای جنسی در گونه‌های مختلف است (Bailey, 1999).

### ۲. پدیدآورندگان نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی

نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی توسط یک فرد خاص یا گروهی خاص ابداع نشده است، بلکه این نظریه بر پایه مجموعه‌ای از یافته‌های علمی از رشته‌های مختلف مانند ژنتیک، عصب‌شناسی، هورمون‌شناسی، جانورشناسی و روان‌شناسی بنا شده است. در طول تاریخ، دانشمندان و محققان مختلفی در زمینه‌های مختلف به جمع‌آوری و تفسیر شواهد مربوط به گرایش جنسی انسان تلاش کرده‌اند. برخی از مهم‌ترین افراد که در این زمینه فعالیت داشته‌اند عبارت‌اند از:

#### ۱-۲. آلفرد کینزی

کینزی یکی از پیشگامان مطالعه علمی بر روی رفتارهای جنسی انسان‌ها در اواسط قرن بیستم بود. کتاب‌های او با عناوین رفتار جنسی در مردان (۱۹۴۸) و رفتار جنسی در زنان (۱۹۵۳) نشان دادند که همجنس‌گرایی در جامعه بسیار شایع‌تر از آن است که پیش‌تر تصور می‌شد و این گرایش‌ها بخشی از طیف گسترده‌ای از رفتارهای جنسی طبیعی انسان‌ها هستند. کینزی را به دلیل شهرتش در این زمینه می‌توان نماینده اصلی نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی دانست.

#### ۲-۲. ایولین هوکر

هوکر روان‌شناس آمریکایی که در دهه ۱۹۵۰ تحقیقاتی را انجام داد که نشان می‌داد افراد همجنس‌گرا به همان اندازه افراد دگرجنس‌گرا از نظر سلامت روان سالم هستند. در اثر تلاش‌های هوکر و نفوذی که در انجمن روان‌پزشکی آمریکا داشت، توانست همجنس‌گرایی را از لیست بیماری‌های روانی خارج کند.

#### ۳-۲. سایمون لوی

سایمون لوی عصب‌شناس آمریکایی که در دهه ۱۹۹۰ مدعی شد که تفاوت‌هایی را در ساختار مغز افراد همجنس‌گرا و دگرجنس‌گرا کشف کرده است. بر پایه تحقیقات وی، سایر عصب‌شناسان کار بر این پدیده را گسترش دادند و تحقیقات بیشتری در این زمینه صورت گرفت. این تحقیقات به شدت به نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی کمک کرد.

**۲-۴. دین هامر**

هامر ژنتیک‌دان امریکایی، در سال ۱۹۹۳ با انتشار یک مطالعه پیش‌گامانه، یکی از اولین پژوهش‌های ژنتیکی را درباره‌ی گرایش جنسی انسان انجام داد. این مطالعه به‌طور خاص بر روی کروموزوم X در مردان تمرکز داشت و به بررسی این موضوع پرداخت که آیا ژن‌هایی بر روی این کروموزوم می‌توانند با گرایش جنسی همجنس‌گرایانه در ارتباط باشند یا خیر؟ مطالعه‌ی هامر به‌طور خاص روی ۷۶ جفت برادر همجنس‌گرا متمرکز بود و نشان داد که در بیش از ۸۰ درصد از این موارد، آنها نشانگرهای ژنتیکی مشترکی در ناحیه‌ای از کروموزوم X ناحیه (Xq28) داشتند. این یافته به این معنا بود که ممکن است ژنی در این ناحیه از کروموزوم X وجود داشته باشد که به گرایش جنسی مرتبط است (Hamer, 1993).

این یافته‌ها باعث ایجاد بحث‌های گسترده‌ای شدند؛ زیرا اولین باری بود که ژنتیک به‌طور مستقیم به‌عنوان یک عامل در گرایش جنسی مطرح می‌شد. هامر در این پژوهش هیچ‌گاه ادعا نکرد که یک «ژن همجنس‌گرایی» وجود دارد، بلکه بیشتر به این اشاره داشت که این ناحیه از کروموزوم X می‌تواند یک عامل مؤثر در تعیین گرایش جنسی باشد؛ هرچند محیط و عوامل دیگری نیز نقش دارند.

محققان دیگری سعی کردند که در راستای تکرار و تأیید یافته‌ی هامر تلاش کنند و بتوانند ادله‌ای برای اثبات این مطلب بیابند، اما به نتایج متناقضی دست یافتند. برخی از مطالعات بعدی توانستند نتایج مشابهی به‌دست آورند، اما برخی دیگر نتوانستند همان ارتباط ژنتیکی را پیدا کنند (Sanders & et al, 2014).

**۲-۵. بروس بگمپهل**

بروس بگمپهل در کتاب خود با عنوان *زیست‌شناسی سرشار: همجنس‌گرایی حیوانات و تنوع طبیعی (ytisreviD larutaN dna ytilauxesomoH lamina :ecnarebuxE lacigoloiB)* به بررسی رفتارهای همجنس‌گرایانه در دنیای حیوانات پرداخته است. تحقیقات او نشان می‌دهد که همجنس‌گرایی یک پدیده‌ی طبیعی و گسترده در دنیای حیوانات نیز هست. بگمپهل در کتابش نشان می‌دهد که رفتارهای همجنس‌گرایانه نه‌تنها در میان انسان‌ها، بلکه در میان بیش از ۴۵۰ گونه‌ی جانوری مختلف نیز مشاهده می‌شود. این رفتارها شامل تعاملات جنسی و عاطفی بین حیوانات همجنس است. او این رفتارها را در انواع مختلف پستانداران، پرندگان، خزندگان و حتی حشرات مستند کرده است.

بگمپهل بیان می‌کند که رفتارهای جنسی و اجتماعی در حیوانات بسیار متنوع است و رفتارهای همجنس‌گرایانه یک جزء طبیعی از این تنوع است. به اعتقاد او، این رفتارها می‌توانند عملکردهای مختلفی داشته باشند، از جمله تقویت پیوندهای اجتماعی، کاهش تنش‌های گروهی، یا حتی به‌عنوان یک رفتار کاملاً طبیعی و غریزی.

بگمپهل همچنین به این نکته اشاره می‌کند که وجود رفتارهای همجنس‌گرایانه در حیوانات به نوعی نظریه‌های سنتی داروینیسیم را به چالش می‌کشد. نظریه‌های کلاسیک داروینی معمولاً رفتارهایی را که به تولیدمثل مستقیم منجر نمی‌شوند، به‌عنوان ناکارآمد یا غیرطبیعی می‌دانند، اما بگمپهل نشان می‌دهد که این رفتارها به‌طور گسترده و در گونه‌های مختلف وجود دارند و نباید آنها را غیرطبیعی یا نادر تلقی کرد (Bagemihl, 1999). علاوه بر این افراد، دانشمندان و محققان بی‌شماری در سراسر جهان در زمینه‌های مختلف مرتبط با گرایش جنسی طبیعی انسان تحقیق و مطالعه کرده‌اند.

### ۳. سیر پدیدایی نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی

نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی ریشه در تاریخ طولانی دارد و از طریق مجموعه‌ای از یافته‌های علمی در طول زمان تکامل یافته است.

#### ۳-۱. اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم؛ آغاز مطالعات علمی

کینزی متخصص جنسی امریکایی، در اواسط قرن بیستم مطالعات پیش‌گامانه‌ای را انجام داد که نشان می‌داد گرایش جنسی یک طیف پیوسته است و نه فقط دو دسته مجزا (همجنس‌گرا و دگرجنس‌گرا). در دهه ۱۹۵۰ روان‌شناسان شروع به بررسی سلامت روان افراد همجنس‌گرا کردند. مطالعاتی مانند تحقیقات هوکر نشان داد که افراد همجنس‌گرا به همان اندازه افراد دگرجنس‌گرا از نظر سلامت روان سالم هستند. در دهه ۱۹۹۰ پیشرفت‌های تکنولوژیکی به دانشمندان اجازه داد تا به‌طور مستقیم مغز و ژن‌های انسان را مطالعه کنند. لوی عصب‌شناس امریکایی، تفاوت‌هایی را در ساختار مغز افراد همجنس‌گرا و دگرجنس‌گرا کشف کرد، و هامر ژنتیک‌دان امریکایی، اولین مطالعه ژنتیکی در مورد گرایش جنسی انسان را منتشر کرد. در همین قرن بود که انجمن روان‌شناسی امریکا (APA) در سال ۱۹۷۳، و همچنین به‌تبع آن سازمان بهداشت جهانی (WHO) در سال ۱۹۹۰ همجنس‌گرایی را از فهرست اختلالات روانی خارج کردند.

#### ۳-۲. قرن ۲۱؛ به رسمیت شناختن علمی همجنس‌گرایی

در این قرن، تحقیقات در مورد گرایش جنسی انسان به‌طور فزاینده‌ای پیچیده و جامع شده است، و بسیاری از مراکز علمی، سیاسی، حقوقی و... همجنس‌گرایی را به‌عنوان یک گرایش طبیعی پذیرفتند.

#### ۴. اصول نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی

اصول نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی بر مبنای تحقیقات علمی، شواهد تجربی و مشاهدات رفتارشناسی قرار دارد. این اصول به تبیین و توضیح دلایل طبیعی و زیستی همجنس‌گرایی پرداخته و نشان می‌دهد که این گرایش جنسی بخشی از تنوع طبیعی انسان‌ها و حیوانات است. برخی از اصول اساسی این نظریه عبارت‌اند از:

#### ۴-۱. گرایش جنسی یک صفت ذاتی و طبیعی انسان

تنوع در رفتارهای جنسی و گرایش‌های مختلف به‌عنوان بخشی از طبیعت انسان و حیوانات در نظر گرفته می‌شود. این اصل نشان می‌دهد که تنوع جنسی، اعم از همجنس‌گرایی، دگرجنس‌گرایی یا دوجنس‌گرایی پدیده‌ای طبیعی است که در چارچوب گسترده‌تر زیست‌شناسی و رفتارهای اجتماعی می‌گنجد. تنوع در رفتارهای جنسی و گرایش‌های مختلف به‌عنوان یک اصل زیستی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که نشان‌دهنده پیچیدگی طبیعت انسان و حیوانات است. درک این تنوع در چارچوب زیست‌شناسی و رفتارهای اجتماعی، به ما کمک می‌کند که بفهمیم این رفتارها نه تنها غیرعادی یا استثنایی نیستند، بلکه بخش طبیعی و معمولی از زندگی جانوران و انسان‌ها محسوب می‌شوند (Bagemihl, 1999).

#### ۴-۲. زیست‌شناسی و ژنتیک

##### ۴-۲-۱. عوامل ژنتیکی

یکی از اصول اساسی نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی این است که عوامل ژنتیکی می‌توانند در شکل‌گیری گرایش‌های جنسی نقش داشته باشند. برخی مطالعات در تلاش‌اند تا نشان دهند که برخی ژن‌ها می‌توانند با همجنس‌گرایی مرتبط باشند؛ اگرچه هیچ ژن واحدی به‌عنوان عامل اصلی شناخته نشده است (Bailey & Pillard, 1991).

##### ۴-۲-۲. تفاوت‌های ساختاری در مغز

برخی محققان در تلاش‌اند که نشان دهند تفاوت‌های ساختاری و عملکردی در مغز بین افراد همجنس‌گرا و غیرهمجنس‌گرا وجود دارد. این تفاوت‌ها می‌تواند نشان‌دهنده تأثیر عوامل زیستی در شکل‌گیری گرایش‌های جنسی باشد (LeVay, 1991).

#### ۴-۳. روان‌شناختی

##### ۴-۳-۱. پذیرش همجنس‌گرایی به‌عنوان یک گرایش سالم

انجمن روان‌شناسی آمریکا و دیگر سازمان‌های معتبر روان‌شناسی، همجنس‌گرایی را به‌عنوان یک گرایش جنسی طبیعی و سالم به رسمیت شناخته‌اند. این پذیرش بر اساس شواهد علمی و مطالعات روان‌شناختی صورت گرفته است (APA, 1973).

##### ۴-۳-۲. سلامت روان افراد همجنس‌گرا

برخی مطالعات درصددند تا نشان دهند که استرس و مشکلات روانی افراد همجنس‌گرا بیشتر به دلیل تبعیض و برچسب‌زنی منفی در جامعه است، نه به خاطر گرایش جنسی آنها. زمانی که افراد در محیط‌های حمایت‌گرایانه زندگی می‌کنند، سلامت روان آنها به مراتب بهتر است (Mirkin, 1996).

#### ۴-۴. رفتارشناسی حیوانات؛ وجود همجنس‌گرایی در حیوانات

برخی تحقیقات مدعی‌اند که رفتارهای همجنس‌گرایانه در بیش از ۱۵۰۰ گونه حیوانی مشاهده شده است. این مشاهدات نشان می‌دهند که همجنس‌گرایی یک پدیده طبیعی و گسترده در دنیای حیوانات است. برای مثال، رفتارهای همجنس‌گرایانه در پستانداران، پرندگان، ماهی‌ها و حتی حشرات گزارش شده است. این رفتارها ممکن است شامل تعاملات جنسی، جفت‌گیری و حتی تشکیل پیوندهای اجتماعی پایدار میان افراد همجنس باشد. چنین تنوعی نشان می‌دهد که رفتارهای جنسی، از جمله همجنس‌گرایی و دوجنس‌گرایی، بخشی از ساختار اجتماعی و زیستی این گونه‌هاست. این رفتارها می‌توانند به تقویت همبستگی گروهی، کاهش تنش‌های درون‌گروهی، یا حتی به‌عنوان استراتژی‌هایی برای افزایش شانس بقا عمل کنند (Bagemihl, 1999).

#### ۴-۵. تاریخی و فرهنگی؛ وجود همجنس‌گرایی در تاریخ

همجنس‌گرایی در طول تاریخ و در فرهنگ‌های مختلف وجود داشته است. شواهدی از روابط همجنس‌گرایانه در تمدن‌های باستانی مانند یونان و روم وجود دارد که نشان می‌دهد همجنس‌گرایی یک پدیده قدیمی و طبیعی است (Foucault, 1976).

#### ۵. نقد نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی

در این بخش به نقد این اصول از دیدگاه‌های مطرح‌شده پرداخته می‌شود.

#### ۵-۱. نقد روان‌شناختی

##### ۵-۱-۱. نقد از منظر روان‌شناسی

الف) نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی بر این باور است که گرایش جنسی، از جمله همجنس‌گرایی، بخشی از تنوع طبیعی انسان‌هاست و به‌طور ذاتی و طبیعی به وجود می‌آید. حامیان این نظریه به شواهد زیستی مانند مطالعات ژنتیکی و عصب‌شناختی استناد می‌کنند که نشان می‌دهند ممکن است عواملی زیستی در شکل‌گیری گرایش‌های جنسی نقش داشته باشند. در نتیجه مدعی‌اند برخی داده‌های علم ژنتیک وجود ژن همجنس‌گرایی را تأیید می‌کند، اما در پاسخ باید گفت شواهد علمی برای تأیید این فرضیه به‌هیچ‌وجه کامل نیستند. بسیاری از مطالعات روان‌شناسی که مورد استناد نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی قرار گرفته، تنها به تحلیل‌های متنی و فرهنگی محدود می‌شوند و نتایج آنها نمی‌توانند به‌طور قطعی ثابت کنند که گرایش جنسی همجنس‌خواهانه کاملاً ذاتی و طبیعی است و از عوامل محیطی و اجتماعی تأثیر نمی‌پذیرد (Fausto, 2000).

مطالعاتی که به بررسی عوامل زیستی، مانند ژنتیک و تفاوت‌های مغزی پرداخته‌اند، تلاش کرده‌اند ژن‌های مرتبط با گرایش جنسی مخصوصاً ژن همجنس‌گرایی را شناسایی کنند، اما نتوانستند به‌طور قطعی تعیین کنند که آیا همجنس‌گرایی به‌طور کامل نتیجه عوامل ذاتی و زیستی است؛ زیرا تحقیقاتشان نتایج متناقضی داشته و

هیچ ژن خاصی به‌عنوان عامل اصلی شناسایی نشده است (Bailey, 1999). به‌عنوان نمونه هامر در سال ۱۹۹۰ در طی برخی مطالعات مدعی بود که مناطق خاصی از کروموزوم X مانند (Xq28) با همجنس‌گرایی مردان مرتبط است، اما نتایج این مطالعات در تحقیقات بعدی تکرارپذیر نبودند، و هیچ ژن خاصی به‌طور قطعی به‌عنوان عامل اصلی همجنس‌گرایی شناسایی نشد. یکی از دلایل اصلی نتایج متناقض در این مطالعات این است که گرایش جنسی احتمالاً تحت تأثیر ترکیبی از عوامل ژنتیکی، محیطی و اجتماعی است. برخی مطالعات نشان داده‌اند که عوامل اجتماعی مانند تربیت، محیط فرهنگی و تجربیات فرد در طول زندگی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری گرایش‌های جنسی ایفا کنند (Brückner, 2002 & Bearman).

از جهت دیگر، از جنبهٔ روش‌شناختی تعیین عوامل زیستی مرتبط با گرایش جنسی بسیار پیچیده است و نیاز به نمونه‌برداری‌های بزرگ، دقیق و قابل تکرار دارد؛ درحالی‌که بسیاری از این مطالعات فقط با تک نمونه و یا نمونه‌های خیلی محدود مطالعه نموده‌اند، اما نتایج آن را بدون رعایت اصول روش‌شناختی به کل جامعه و مردم تعمیم داده‌اند. مثال زدن از نوعی مگس یا پرنده و یا انجام آزمایش بر روی دوقلوهای همجنس‌باز نمی‌تواند دلیل موجهی برای تعمیم این یافته‌ها باشد. در جواب نقضی دیگری باید گفت چرا این مطالعات بر روی دوقلوهای دگرجنس‌خواه انجام نشده است و نتایج آن تعمیم داده نشده است؟ آیا جوابی غیر از این دارد که دگرجنس‌خواهی موافق فطرت و طبیعت انسان بوده و نیاز به دلیل ندارد و در مقابل این همجنس‌خواهی است که انحراف از طبیعت و سنت‌های اجتماعی است و طرف‌داران آن درصدد توجیه کردن آن هستند؟!

ب) نظریهٔ طبیعی بودن همجنس‌گرایی همچنین ادعا می‌کند که همجنس‌گرایی به‌عنوان یک گرایش سالم، به‌ویژه از سوی سازمان‌هایی مانند انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA) نشان‌دهندهٔ طبیعی بودن و هنجار بودن آن است. همچنین افراد همجنس‌گرا همانند دگرجنس‌گراها از سلامت روان برخوردارند، اما در پاسخ باید گفت **استانداردهای دوگانهٔ هنجار:** انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA) بر اساس برخی ملاک‌ها هنجار بودن یا نبودن یک پدیده را مشخص می‌نماید. این ملاک‌ها به‌طور اجمال عبارت‌اند از: ۱. ملاک آماری؛ ۲. ملاک اجتماعی؛ ۳. ملاک فردی **ملاک آماری:** از جمله ملاک‌های تشخیص رفتار نابهنجار، روش توزیع فراوانی ویژگی‌های متوسط است که انحراف از آن، غیرعادی بودن را نشان می‌دهد. کسانی که بیرون از چارچوب وسط قرار دارند، افراد نابهنجار هستند و رفتار آنان رفتاری غیرنرمال و انحرافی است. برای نمونه، از نظر آماری وقتی گفته می‌شود لباسی مُد شده، یعنی بیشتر افراد جامعه آن را می‌پوشند؛ بنابراین صفتی را که بیشتر افراد جامعه نپذیرند، خارج از هنجار و غیرطبیعی و نابهنجار است (انجمن روان‌شناسی آمریکا).

**ملاک اجتماعی:** به این معنا که تا چه حد رفتار فرد با هنجارها، سنت‌ها و انتظارات جامعه یا نهاد و سازمان

خاصی مغایرت دارد و جامعه چگونه درباره آن قضاوت می‌کند، معیار دیگری برای تشخیص رفتار نابهنجار و بهنجار است؛ یعنی رفتاری که افراد نپذیرند و مثلاً با پوشیدن لباس خاصی واکنش نشان دهند، رفتار نابهنجار است (انجمن روان‌شناسی آمریکا).

**ملاک فردی:** از جمله ملاک‌های تشخیص رفتار نابهنجار، میزان و شدت ناراحتی است که فرد احساس می‌کند؛ یعنی اگر رفتار خاصی، با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی سازمان خاصی مثلاً فرهنگیان یا کل افراد جامعه ناسازگار باشد، یعنی به سازگاری فرد آسیب بزند و افراد آن جامعه یا آن نهاد واکنش نشان دهند، چنین رفتاری نابهنجار است (انجمن روان‌شناسی آمریکا).

ضمن اینکه این ملاک‌ها منجر به پیدایش نسبت در تعیین رفتار بهنجار از نابهنجار می‌شود، باید گفت APA از ملاک‌های خود نیز تبعیت نموده است. همجنس‌گرایان طبق آمار مؤسسه نظرسنجی گالوپ (Gallup) در بهترین حالت حدود ۴ تا ۶ درصد از جمعیت‌های مختلف در کشورهای جهان را به‌عنوان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا یا دیگر هویت‌های جنسی غیردگرجنس‌گرا شناسایی و معرفی کرده است. این آمار بر فرض درست بودن نشان‌دهنده در اقلیت بودن جمعیت همجنس‌گرایان است. سؤالی که باید از APA پرسید این است که چگونه یک جمعیت ۴ تا ۶ درصدی توانسته‌اند تبدیل به نُرْم و هنجار شوند؟ و بر اساس کدام ملاک؟ تنها پاسخی که می‌توان از این دوگانگی استانداردها دریافت نمود این است که APA تحت تأثیر قدرت‌های سیاسی و فشارهای فرهنگی، رأی به طبیعی بودن همجنس‌گرایی داده است.

**عدم توافق در نتایج پژوهش‌ها:** حامیان همجنس‌گرایی مدعی‌اند که بر اساس تحقیقات افراد همجنس‌گرا در مقایسه با دگرجنس‌گراها از نظر سلامت روانی مشابه هستند، به‌ویژه زمانی که تحت فشارها و تبعیض‌های اجتماعی کمتری قرار داشته باشند (Meyer, 2003)، اما با بررسی همه پژوهش‌ها درمی‌یابیم نتایج پژوهش در زمینه سلامت روان افراد همجنس‌گرا در برابر دگرجنس‌گرایان بسیار متناقض است. برخی تحقیقات آمار بالای خودکشی را در افراد همجنس‌گرا و سایر طیف‌های LGBT را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال، بر اساس آمار و برخی تحقیقات برای برخی افراد، تغییر هویت جنسی یا همجنس‌گرایی ممکن است باعث بروز مشکلات روانی شود، به‌ویژه اگر فرد به دلایل اجتماعی، پزشکی یا روانی نتواند به‌طور کامل با هویت جدید خود سازگار شود (Dhejne, Öberg, Arver & Landén, 2011)؛

ج) نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی بر این باور است که رفتارهای همجنس‌گرایانه در حیوانات نشان‌دهنده طبیعی بودن این پدیده است و همجنس‌گرایی می‌تواند یک پدیده تکاملی باستانی باشد، اما در پاسخ باید گفت **عدم امکان تعمیم:** رفتارهای همجنس‌گرایانه در حیوانات ممکن است به دلیل ویژگی‌های زیستی، اجتماعی

و محیطی خاص هرگونه ایجاد شده باشد و به همین دلیل نمی‌توان به سادگی این رفتارها را به انسان‌ها تعمیم داد. بگمپیل پژوهشگر و یکی از نظریه‌پردازان نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی که تحقیقات متمرکزی در زمینه همجنس‌گرایی در حیوانات داشته، ضمن بیان نمونه‌ای از حیوانات همجنس‌باز، بیان می‌کند که: «در دنیای حیوانات، رفتارهای همجنس‌گرایانه می‌تواند به دلیل نیازهای بقا، انتخاب جنسی، یا ساختار اجتماعی خاص هرگونه ایجاد شود» (Bagemihl, 1999). در انسان‌ها بر اساس آنچه که تا کنون بیان شد این رفتارها تحت تأثیر پیچیدگی‌های روانی و سیاسی است. در انسان‌ها، گرایش‌های جنسی نه تنها تابع عوامل زیستی و ژنتیکی هستند، بلکه در چارچوب پیچیده‌ای از روابط روانی، اجتماعی و فرهنگی نیز قرار دارند. این پیچیدگی‌ها شامل مواردی مانند هویت جنسی، روابط عاطفی و حتی نقش‌های اجتماعی و سیاسی است؛ درحالی‌که در حیوانات، رفتارهای جنسی به‌طور کلی تابع الگوهای ساده‌تری از تعاملات اجتماعی یا زیستی هستند. حیوانات به دلایل مختلفی مانند انتخاب جنسی، تقویت روابط اجتماعی، نمایش قدرت و رقابت این رفتارها را نشان می‌دهند.

**شواهد نادر در گونه‌های مختلف:** علاوه بر دلیل قبل، شواهد درباره رفتارهای همجنس‌گرایانه در حیوانات هنوز در بسیاری از گونه‌ها محدود است و این شواهد به‌طور عمده به نمونه‌های خاص و شرایط خاص محدود می‌شود. به همین دلیل، نمی‌توان به سادگی فرض کرد که این رفتارها نمایانگر یک اصل جهانی و طبیعی در تمام گونه‌ها، به‌ویژه در انسان‌ها هستند. به‌عنوان مثال، در مورد برخی حشرات، شواهد موجود درباره رفتارهای همجنس‌گرایانه ممکن است تحت تأثیر شرایط آزمایشگاهی خاص قرار گرفته باشند و نمی‌توان آن را به تمام گونه‌ها تعمیم داد (همان)؛

(د) نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی اشاره دارد به وجود شواهد همجنس‌گرایی در تاریخ و فرهنگ‌های مختلف که نشان‌دهنده طبیعی بودن این پدیده است، اما در پاسخ به این ادعا باید گفت شواهد تاریخی و فرهنگی ممکن است نشان‌دهنده وجود رفتار همجنس‌گرایی در گذشته باشند، اما نمی‌توانند به‌طور قطعی نشان‌دهنده طبیعی بودن آن باشند. پذیرش و درک همجنس‌گرایی در فرهنگ‌های مختلف می‌تواند تحت تأثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی و حتی موقعیت زمانی قرار گرفته باشد. برای مثال، در یونان باستان روابط همجنس‌گرایانه بین مردان جوان و بزرگ‌ترها مورد احترام بود؛ درحالی‌که همین عمل در دیگر فرهنگ‌ها، مورد محکومیت قرار می‌گرفت (Foucault, 1976). بنابراین صرف وجود برخی از رفتارهای همجنس‌گرایانه به‌تنهایی نمی‌تواند به‌طور کامل طبیعت زیستی و روان‌شناختی این پدیده را توضیح دهد (Greenberg, 1988).

#### کیتنز رظنم زا دقن ۵-۱-۲

بسیاری از مطالعات ژنومی تلاش کرده‌اند تا ژن‌های خاصی را که ممکن است با گرایش جنسی مرتبط باشند شناسایی کنند. به‌عنوان مثال، مطالعه‌ای که توسط سندرز و دیگران (۲۰۱۷) منتشر شد، تلاش کرد تا ارتباطات ژنتیکی با گرایش

جنسی را بررسی کند. با این حال، هیچ ژن خاصی به‌طور قاطع و منحصر به فرد برای تعیین همجنس‌گرایی شناسایی نشده، بلکه تحقیقات نشان دادند که گرایش جنسی به تحت تأثیر مجموعه‌ای از ژن‌ها و تعاملات میان آنها قرار دارد. این بدان معناست که هیچ ژن واحدی نمی‌تواند به‌تنهایی گرایش جنسی را توضیح دهد، بلکه مجموعه‌ای از ژن‌ها به همراه تعاملات پیچیده آنها با یکدیگر می‌تواند نقش داشته باشد (Küfner, Dudenhöffer & Hofmann, 2020).

علاوه بر تأثیرات ژنتیکی، عوامل محیطی نیز می‌توانند بر گرایش جنسی تأثیر بگذارند. به عبارت دیگر، تأثیرات ژنتیکی ممکن است با عوامل محیطی مانند تجربه‌های زندگی، فرهنگ و شرایط اجتماعی تعامل داشته باشد. این تعاملات پیچیده باعث می‌شود که شناسایی ژن‌های خاصی که به‌طور منحصر به فرد و مستقیم بر همجنس‌گرایی تأثیر بگذارند، دشوار باشد (Dumenil, & Lanfranco, 2018).

## ۵-۲. نقد از جنبه سایر علوم

### ۱-۲-۵. نقد از منظر فلسفه غرب

**نقد از دیدگاه فلسفه طبیعی:** یکی از نقدهای اصلی علیه نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی از منظر فلسفه طبیعی مطرح می‌شود. در این دیدگاه که توسط فیلسوفانی مانند ارسطو و توماس آکوئیناس بیان شده، طبیعت هدفمند و دارای غایبات خاص در نظر گرفته می‌شود. در این نظریه، رفتارهای جنسی انسان‌ها با هدف تولیدمثل و ادامه نسل توجیه می‌شوند (Aquinas, 1974). از این منظر، همجنس‌گرایی غیرطبیعی تلقی می‌شود؛ زیرا این نوع از رابطه جنسی به زایش منجر نمی‌شود. بنابراین همجنس‌گرایی بر اساس تعریف این فیلسوفان از «طبیعت» و «هدف» زندگی انسان نمی‌تواند طبیعی محسوب شود.

**نقد از دیدگاه اخلاق کانتی:** از دیدگاه اخلاق کانتی که بر مبنای اصل وظیفه‌گرایی استوار است، رفتارهای اخلاقی باید بر اساس اصول عام و جهان‌شمول انجام شوند. کانت بر این باور بود که رفتارهای جنسی نباید افراد را به وسایل و ابزارهایی برای ارضای امیال تقلیل دهد (Kant, 1785). از دیدگاه کانت چنین نتیجه می‌توان گرفت که روابط همجنس‌گرایانه به ابزاری کردن افراد در جهت امیال جنسی می‌انجامد؛ زیرا هدف از آن صرفاً ارضای نیاز جنسی از مسیر نادرست است. بنابراین همجنس‌گرایی نمی‌تواند با اصول اخلاق کانتی همخوانی داشته باشد.

### ۲-۲-۵. نقد سیاسی

برخی بر این باورند که حمایت از همجنس‌گرایی در سیاست، بیشتر نتیجه فشارهای گروه‌های لابی و کمپین‌های سیاسی است تا نتیجه‌ای از تحقیقات علمی بی‌طرف. این موضوع نشان‌دهنده ضعف در ارزیابی‌های علمی و سیاسی است.

**نفوذ لابی‌های LGBTQ (دگرباشان جنسی) در سیاست:** گروه‌های لابی که از حقوق همجنس‌گرایان حمایت می‌کنند، در بسیاری از کشورها نفوذ قابل توجهی در سیاست دارند. این گروه‌ها که معمولاً تحت عنوان

لابی‌های LGBTQ شناخته می‌شوند، از طریق کمپین‌های تبلیغاتی، حمایت‌های مالی به سیاستمداران و فشارهای سیاسی، تلاش می‌کنند تا تغییرات قانونی و اجتماعی به نفع خود ایجاد کنند. به‌عنوان مثال، در ایالات متحده، لابی‌های LGBTQ در امریکا نقش مهمی در تصویب قوانین مربوط به ازدواج همجنس‌گرایان و جلوگیری از تبعیض علیه افراد همجنس‌گرا داشته‌اند. سازمان‌هایی مانند «Human Rights Campaign» و «GLAAD» از طریق لابی‌های گسترده در کنگره و حمایت مالی از کاندیداهای سیاسی، به ترویج حقوق همجنس‌گرایان کمک کرده‌اند (Fetner, 2008): همچنین قانون دفاع از ازدواج (DOMA) در ایالات متحده که در سال ۱۹۹۶ تصویب شد، ازدواج همجنس‌گرایان را در سطح فدرال به رسمیت نمی‌شناخت، اما در سال ۲۰۱۳، این قانون در دادگاه عالی ایالات متحده لغو شد که بسیاری این تغییر را نتیجه فشارهای شدید لابی‌های LGBTQ دانستند (Herek, 2014). در اتحادیه اروپا، گروه‌های لابی LGBTQ فشار زیادی برای تصویب قوانین حامی حقوق همجنس‌گرایان وارد کرده‌اند؛ مثلاً در سال ۲۰۱۳، فشارهای لابی‌ها منجر به تصویب قوانینی در بریتانیا شد که ازدواج همجنس‌گرایان را قانونی کرد (Kollman, 2009).

تأثیر بر تحقیقات علمی: بررسی‌ها نشان داده‌اند که تحقیقات علمی مربوط به مسائل همجنس‌گرایی تحت تأثیر فشارهای سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرند. در برخی از پژوهش‌ها نتایجی که به نفع دیدگاه‌های سیاسی خاص نیستند، ممکن است منتشر نشوند یا کمتر مورد توجه قرار گیرند (Redding, 2001). در برخی از پژوهش‌ها نمونه‌های مورد به‌گونه‌ای انتخاب می‌شوند که نتایج خاصی به‌دست آید. برای مثال، پژوهش‌هایی که هدف آنها نشان دادن همجنس‌گرایی به‌عنوان یک رفتار طبیعی است، به‌جای استفاده از نمونه‌های متنوع، تنها به نمونه‌هایی از افرادی تکیه کرده‌اند که در محیط‌های اجتماعی و فرهنگی خاصی زندگی می‌کنند که در آنها همجنس‌گرایی به‌طور گسترده پذیرفته شده است. در ادامه به چند نمونه از مطالعات علمی مؤثر که تحت تأثیر فشارهای سیاسی نادیده گرفته شدند می‌پردازیم:

۱. مطالعه بالانشارد و دیگران (۲۰۰۲): در این مطالعه، پژوهشگران به بررسی ارتباط میان همجنس‌گرایی و اختلالات روانی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که افراد همجنس‌گرا دارای نرخ بالاتری از اختلالات روانی هستند. این نتایج با واکنش‌های شدید از سوی برخی گروه‌های سیاسی و اجتماعی مواجه شد و انتشار آنها به‌طور گسترده با مخالفت روبه‌رو شد که نشان‌دهنده تأثیر فشارهای سیاسی بر انتشار نتایج علمی بود.

۲. مطالعه اسپیتزر (۲۰۰۳): این مطالعه در مورد افرادی بود که به دنبال تغییر جهت‌گیری جنسی خود بودند. اسپیتزر به این نتیجه رسید که برخی از افراد توانسته‌اند جهت‌گیری جنسی خود را از همجنس‌گرایی به دگرجنس‌گرایی تغییر دهند. این پژوهش نیز با واکنش‌های شدید روبه‌رو شد و بسیاری از مجلات علمی از انتشار آن خودداری کردند

یا بعداً به دنبال بازنگری در نتایج آن بودند. فشارهای سیاسی و اجتماعی به حدی بود که اسپیتزر در سال ۲۰۱۲ مجبور شد از این پژوهش عذرخواهی کند و ادعا کند که نتایج آن به دلیل مشکلات روش‌شناختی معتبر نیست.

**۳. مطالعه مارک ریجنوس (۲۰۱۲):** مارک ریجنوس، جامعه‌شناس امریکایی، تحقیقی درباره تأثیرات بزرگ شدن در خانواده‌های همجنس‌گرا بر کودکان انجام داد. این مطالعه به این نتیجه رسید که کودکانی که در خانواده‌های همجنس‌گرا بزرگ می‌شوند، در مقایسه با کودکانی که در خانواده‌های دگرجنس‌گرا بزرگ شده‌اند، با چالش‌های بیشتری مواجه هستند. این پژوهش نیز با واکنش‌های بسیار شدید از سوی جامعه علمی و رسانه‌ها روبه‌رو شد. ریجنوس به شدت مورد انتقاد قرار گرفت و برخی حتی اعتبار علمی او را زیر سؤال بردند. برخی مجلات علمی و کنفرانس‌ها نیز از انتشار نتایج این تحقیق یا ارائه آن در رویدادهای علمی خودداری کردند.

**۴. مطالعه جورج ریکرز (۲۰۰۴):** جورج ریکرز، روان‌شناس و استاد دانشگاه، پژوهش‌هایی در مورد تغییر جهت‌گیری جنسی و درمان‌های موسوم به «تبدیل» برای همجنس‌گرایان انجام داد. این مطالعات بر اساس این فرضیه بود که همجنس‌گرایی یک اختلال روانی است که می‌تواند درمان شود. این پژوهش‌ها نیز با واکنش‌های بسیار منفی از سوی جامعه علمی و رسانه‌ها مواجه شد. بسیاری از نهادهای علمی و حرفه‌ای، نظیر انجمن روان‌شناسی امریکا، این مطالعات را به دلیل خطرات احتمالی برای بیماران و عدم پشتوانه علمی قوی، مورد انتقاد قرار دادند و توصیه کردند که چنین روش‌هایی مورد استفاده قرار نگیرد. فشارهای سیاسی و اجتماعی به این موضوع دامن زد و بسیاری از تحقیقات ریکرز در این زمینه به حاشیه رانده شد.

**۵. مطالعه پاول کامرون (۱۹۸۳):** پاول کامرون، روان‌شناس امریکایی، تحقیقاتی انجام داد که در آن ادعا می‌کرد همجنس‌گرایی می‌تواند تأثیرات منفی بر سلامت روانی و اجتماعی افراد داشته باشد. او همچنین ارتباطی میان همجنس‌گرایی و سوءاستفاده‌های جنسی و مشکلات روانی در افراد همجنس‌گرا ادعا کرد. تحقیقات کامرون به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. بسیاری از منتقدان روش‌های او را غیراخلاقی و نتایج او را نادرست و مغرضانه توصیف کردند. نهادهای حرفه‌ای نظیر انجمن روان‌شناسی امریکا و انجمن جامعه‌شناسی امریکا تحقیقات او را رد کردند و کامرون به حاشیه رانده شد. نتایج تحقیقات او در بسیاری از مجامع علمی نادیده گرفته شدند.

**۶. مطالعه زوکر و بیلی (۱۹۹۵):** در این مطالعه، جی. مایکل بیلی و کنت زوکر، روان‌شناسان مطرح امریکایی، به بررسی رابطه میان همجنس‌گرایی و مشکلات روان‌شناختی پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که افراد همجنس‌گرا در مقایسه با افراد دگرجنس‌گرا بیشتر با اختلالات روانی مواجه هستند. این مطالعه نیز با واکنش‌های زیادی روبه‌رو شد. منتقدان ادعا کردند که این تحقیق می‌تواند به تقویت استیگما و تبعیض علیه همجنس‌گرایان منجر شود. انجمن روان‌شناسی امریکا و دیگر نهادهای علمی برخی از نتایج این تحقیق را زیر

سؤال بردند و کار به حدی رسید که زوکر که یکی از اعضای گروه ویژه انجمن روان‌شناسی امریکا در زمینه هویت جنسیتی، تنوع جنسیتی و شرایط بین جنسیتی بود و در سال ۲۰۰۸ به‌عنوان رئیس گروه کاری انجمن روان‌پزشکی امریکا در مورد «اختلالات هویت جنسی و جنسیتی» انتخاب شده بود، برای مدتی اخراج گرد و کلینیک درمانی، محافل علمی و سخنرانی‌های او نیز تعطیل شود (Smith Cross, 2015). فشارها به حدی بود که در نهایت زوکر را مجبور به عقب‌نشینی و عذرخواهی از مواضع خود کردند.

**۷. مطالعات و فعالیت‌های ژوزف نیکولوسی:** ژوزف نیکولوسی یک روان‌شناس امریکایی بود که به‌عنوان یکی از چهره‌های برجسته در زمینه درمان‌های تغییر‌گرایی (reparative therapy) یا همان درمان تبدیل برای همجنس‌گرایان شناخته می‌شود. او در سال ۱۹۴۷ متولد شد و در سال ۲۰۱۷ درگذشت. نیکولوسی همراه با همسرش در سال ۱۹۹۲ «انجمن ملی تحقیقات و درمان همجنس‌گرایی (NARTH)» را تأسیس کرد. NARTH یک سازمان حرفه‌ای بود که به ترویج و ارائه درمان‌های تغییر‌گرایی برای افرادی که تمایل به تغییر گرایش جنسی خود از همجنس‌گرایی به دگرجنس‌گرایی داشتند، می‌پرداخت. نیکولوسی و دیگران معتقد بودند که همجنس‌گرایی یک شرایط روان‌شناختی است که می‌تواند از طریق درمان تغییر داده شود. برخی از اصول و دیدگاه‌های او نسبت به همجنس‌گرایی عبارت‌اند از:

**۱. همجنس‌گرایی به‌عنوان نتیجه‌ای از تجربه‌های کودکی و رابطه‌های خانوادگی:** نیکولوسی معتقد بود که همجنس‌گرایی به دلیل آسیب‌های روانی و تجربیات نامناسب در دوران کودکی، به‌ویژه ارتباطات ناقص یا اختلال در روابط با والدین به وجود می‌آید. او به‌ویژه بر نقش روابط ضعیف با پدر در پسران تأکید داشت (Nicolosi, 1991).

**۲. همجنس‌گرایی به‌عنوان یک «شرط روان‌شناختی» و نه یک هویت ذاتی:** نیکولوسی همجنس‌گرایی را به‌عنوان یک «شرط روان‌شناختی» تلقی می‌کرد که می‌تواند تحت شرایط مناسب تغییر یابد. او باور داشت که همجنس‌گرایی یک هویت ذاتی نیست، بلکه یک واکنش به نیازهای روانی و نارضایتی‌های عاطفی است؛ از این‌رو نیکولوسی استدلال می‌کرد که با درمان مناسب، می‌توان این رفتارها را تغییر داد (Nicolosi, 1993).

**۳. رد تئوری‌های ژنتیکی درباره همجنس‌گرایی:** نیکولوسی در آثار خود به شدت تئوری‌های ژنتیکی را که همجنس‌گرایی را به‌عنوان یک ویژگی ذاتی و بیولوژیکی می‌دانستند، رد می‌کرد. او باور داشت که هیچ شواهد قاطعی برای حمایت از این ادعاها وجود ندارد و بر این اساس، استدلال می‌کرد که همجنس‌گرایی بیشتر به عوامل محیطی و تربیتی مرتبط است (Nicolosi & Nicolosi, 2002).

نیکولوسی و روش‌های او با نقدهای شدید از سوی جامعه علمی، فعالان حقوق بشر و سازمان‌های حمایت از حقوق همجنس‌گرایان مواجه شد. تحقیقات او به‌طور گسترده غیرعلمی و بدون پشتوانه تجربی قوی معرفی

شد. انجمن روان‌شناسی امریکا و بسیاری دیگر از سازمان‌های حرفه‌ای، درمان‌های تغییرگرایی را به‌عنوان رویکردهای بی‌اثر و حتی مضر محکوم کرده‌اند. بسیاری از منتقدان معتقد همجنس‌گرایان ادعا کردند که روش درمانی او می‌تواند به سلامت روانی افراد آسیب برساند. در بسیاری از کشورها و ایالت‌ها درمان وی را ممنوع اعلام کردند و علناً عرصه عمل را برای نیکولووسی و همکارانش بسیار محدود نمودند.

### ۵-۳. نقد اسلامی

#### ۵-۳-۱. نقد از منظر آیات و روایات

در قرآن همجنس‌گرایی به‌عنوان یک عمل غیرطبیعی و انحرافی توصیف شده است. به‌طور خاص در آیات ۸۰-۸۴ سوره اعراف آمده است: «وَلَوْ لَطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ \* ... وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ». در این آیات، قوم لوط که به ارتکاب عمل همجنس‌گرایی معروف بودند، به دلیل رفتارشان به عذاب الهی دچار شدند. آیات قرآن به وضوح بیان می‌کنند که رفتار قوم لوط شامل همجنس‌گرایی، یک عمل نادر و غیرطبیعی بود که در آن زمان‌ها، به‌ویژه در نظر قرآن به‌عنوان عمل شنیع و خلاف فطرت شناخته می‌شد. در آیه ۸۰ به‌طور خاص اشاره می‌شود که قوم لوط عملی انجام دادند که «تا پیش از شما هیچ‌یک از مردم جهان آن را انجام نداده‌اند». این جمله تأکید می‌کند که عمل آنها از نظر قرآن به‌عنوان انحرافی از رفتارهای رایج و طبیعی و مخالف فطرت در نظر گرفته شده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۱). داستان قوم لوط در سوره‌های دیگری مانند هود، حجر، انبیاء، نمل، عنکبوت، صافات، قمر و تحریم نیز تکرار شده است. این تکرار نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه این داستان در نگاه قرآن به رفتارهای انحرافی است. عذاب قوم لوط به خاطر طغیان علیه سنت الهی در خلقت، اشاعه فحشا و نادیده گرفتن فرمان پیامبر خدا بود. این عمل، نماد طغیان علیه نظم غایی و هدفمند عالم، یعنی انحراف از مسیر اصلی خلقت بود.

قرآن کریم در آیه ۳۰ سوره روم به‌صراحت می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ». این آیه «فطرت الهی» را معیار می‌داند. فطرت، یک تمایل بیولوژیک صرف نیست، بلکه یک جهت‌دهی الهی به‌سوی توحید و قوانین الهی است. بنابراین حتی اگر تمایلی ذاتی باشد، اگر با این فطرت الهی (که هدف آن تعالی و تقرب به خداست) در تضاد باشد، «انحراف از فطرت» محسوب می‌شود. رابطه زن و مرد در آیه ۲۱ سوره روم در راستای این فطرت و برای ایجاد «سکونت» و «رحمت» طراحی شده است.

در آیه ۲۱ سوره روم خداوند به یکی از اصول بنیادین خود که تأکیدی بر فطرت الهی انسان است اشاره می‌کند. بر اساس این آیه، خداوند انسان‌ها را با تمایل طبیعی به جنس مخالف آفریده است. ازدواج میان زن و

مرد به‌عنوان بخشی از نظام خلقت و فطرت طبیعی انسان مطرح شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً». این آیه به روشنی نشان می‌دهد که خداوند از جنس خود انسان‌ها همسرانی آفریده تا با یکدیگر آرامش یابند. این اهداف با همجنس‌گرایی به‌دست نمی‌آید؛ چراکه در نگاه اسلامی، اساس مؤدت و رحمت، تمایل طبیعی و ذاتی به جنس مخالف است؛ از این‌رو همجنس‌گرایی به‌عنوان یک رفتار طبیعی شناخته نمی‌شود؛ زیرا با فطرت اولیه و خلقت الهی انسان‌ها در تضاد است.

در روایات نیز به غیرطبیعی بودن و انحراف از فطرت بودن برخی از اعمال جنسی اشاره گردیده است. یکی از این موارد عمل لواط (همجنس‌گرایی مردانه) است. در کتاب *الکافی* که یکی از معتبرترین و درواقع کهن‌ترین کتاب روایی شیعه است، بابی به نام «باب اللواط» وجود دارد که به تفصیل به گناه بودن، انحرافی و غیرطبیعی بودن و همچنین مورد عذاب قرار گرفتن انجام‌دهنده آن، اشاره شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «حُرْمَةُ الدُّبْرِ أَعْظَمُ مِنْ حُرْمَةِ الْفَرْجِ إِنَّ اللَّهَ أَهْلَكَ أُمَّةً بِحُرْمَةِ الدُّبْرِ وَلَمْ يُهْلِكْ أَحَدًا بِحُرْمَةِ الْفَرْجِ» (کلینی، ۱۳۴۷ ق، ج ۵، ص ۵۴۳)؛ همچنین روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام از جناب زراره نقل شده که حضرت فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَلَّ النِّكَاحَ بَيْنَ الرَّجُلِ وَالْمَرْأَةِ، وَجَعَلَ كُلَّ مَا سِوَى ذَلِكَ مِنْ سَعِيهِ غَيْرَ مَقْبُولٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۵۴۹).

## ۲-۳-۵. نقد از منظر علم کلام

**نظریه فطرت:** علم کلام اسلامی به فطرت انسان به‌عنوان پایه‌ای برای فهم درست و نادرست تأکید دارد. فطرت انسان بر اساس طبیعت طبیعی و ذاتی انسان‌ها بنا شده است. از دیدگاه اسلامی، رفتارهایی که با فطرت انسان در تضاد هستند، غیرطبیعی و غیر قابل پذیرش تلقی می‌شوند (تفتازانی، ۱۳۸۷ ق، ص ۱۵۰-۱۶۰). بر این اساس فطرت تنها به‌معنای تمایل درونی نیست، بلکه شناخت و گرایش ذاتی انسان به‌سوی خدا و حقایق عالم است. بنابراین مخالفت با فطرت، تنها مخالفت با یک گزینه نیست، بلکه مخالفت با مسیر هدایت عمومی عالم است. همجنس‌گرایی به دلیل نقض غایت خلقت (تکثیر نسل و تشکیل خانواده) و ایجاد مانع در مسیر کمال اخلاقی و روحی انسان، یک انحراف از فطرت محسوب می‌شود.

**نظریه هدف‌مندی خلقت:** در کلام اسلامی، خلقت خداوند عبث و بیهوده نیست و هر موجودی برای هدفی خلق شده است. وظیفه انسان، کشف این هدف و حرکت به‌سوی آن است. در مورد روابط جنسی، هدف اصلی آن علاوه بر آرامش روانی و تسکین غریزه، تولید نسل و بقا است. همجنس‌گرایی به دلیل عدم امکان تولید نسل، با این هدف بنیادین خلقت در تضاد است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص ۲۳۱).

**تفاوت غریزه حیوانی با فطرت انسانی:** درحالی‌که حیوانات به‌طور عمده بر اساس غرایز خود عمل می‌کنند، انسان دارای فطرت الهی است که او را به‌سوی کمال و رفتارهای معقول و اخلاقی هدایت می‌کند. رفتارهای

مشاهده‌شده در حیوانات، مانند همجنس‌گرایی نمی‌تواند به‌عنوان دلیلی بر طبیعی بودن این رفتار در انسان قلمداد شود؛ زیرا انسان موجودی مکلف و مسئول در قبال اعمال خود است. آنچه در دنیای حیوانات «طبیعی» به نظر می‌رسد، لزوماً برای انسان نیز «اخلاقی» و «فطری» نیست (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۷۰).

### ۳-۳-۵. نقد از منظر فلسفه اسلامی

فلسفه اسلامی، به‌ویژه در آثار فلاسفه اسلامی مانند ابن‌سینا و غزالی، بر این باور است که هدف نهایی زندگی انسانی دستیابی به کمال و رشد کامل است. کمال انسانی به‌معنای تحقق ویژگی‌ها و فضائل عالی انسانی است که شامل عقلانیت، اخلاق‌مداری و رعایت اصول دینی و طبیعی می‌شود. در فلسفه اسلامی، رشد و کمال انسانی به‌معنای تحقق کامل ویژگی‌های انسانی در تعاملات اجتماعی و فردی است. از این دیدگاه، رابطه جنسی و ازدواج بین مرد و زن به‌عنوان یکی از مسیرهای طبیعی و مشروع برای تحقق کمال انسانی و رشد اخلاقی در نظر گرفته می‌شود. این نوع ارتباط در فلسفه اسلامی نه‌تنها از نظر طبیعی، بلکه از نظر اخلاقی و اجتماعی نیز تأیید شده است (راسل، ۱۹۴۵). بر اساس فلسفه اسلامی، همجنس‌گرایی به‌عنوان یک رفتار غیرطبیعی و مخالف فطرت انسانی تلقی می‌شود. فلسفه اسلامی معتقد است که کمال انسانی از طریق تعامل و ارتباط بین جنس مخالف حاصل می‌شود و رفتارهایی که این اصل را نقض کنند، به‌عنوان انحراف از مسیر طبیعی و کمال انسانی در نظر گرفته می‌شوند.

**ریشه جنسیت از نگاه فلسفه اسلامی:** در فلسفه اسلامی، به‌ویژه با رویکرد حکمت متعالیه ملاحظه‌شده، جنسیت صرفاً یک پدیده بیولوژیکی یا فیزیکی نیست که تنها ریشه در بدن داشته باشد، بلکه امری است که ریشه در نفس (روح) انسان دارد.

اصالت نفس: از دیدگاه ملاحظه‌شده، نفس انسان یک واقعیت مجرد و غیرمادی است که از طریق حرکت جوهری، در مراحل اولیه به بدن تعلق می‌گیرد. بدن درحقیقت ابزاری برای نفس است و جنسیت (مذکر یا مؤنث بودن) نیز از ابتدا در نفس انسان به‌صورت بالقوه وجود دارد و در طول حیات به فعلیت می‌رسد.

**جنسیت به‌عنوان یک کمال وجودی:** جنسیت، نه صرفاً یک ویژگی بیولوژیکی، بلکه یک کمال وجودی است که به دو نیمه مکمل برای رسیدن به کمال نهایی وجودی خود کمک می‌کند. از این دیدگاه، زن و مرد دو بخش از یک حقیقت واحد هستند که تنها در صورت ترکیب با یکدیگر به کمال می‌رسند.

**تفاوت جسم و روح:** تفاوت‌های جنسیتی نه فقط در جسم، بلکه در قوای نفسانی و روانی نیز وجود دارد. این تفاوت‌ها منجر به تقسیم وظایف و نقش‌ها می‌شود که لازمه رسیدن به کمال وجودی است (صادقی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵-۱۲۵).

### ۳-۳-۴. نقد از منظر اخلاق اسلامی

اخلاق اسلامی بر حفظ و تقویت نهاد خانواده به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین واحدهای اجتماعی تأکید دارد. این

تأکید بر اساس اصولی است که در متون دینی و فلسفی اسلامی آمده و به صورت مستقیم به ایجاد و حفظ روابط صحیح خانوادگی و تولید نسل مرتبط می‌شود. نهاد خانواده در اخلاق اسلامی به عنوان پایه‌گذار و حامی ارزش‌های اجتماعی و دینی شناخته می‌شود. خانواده به عنوان واحدی که در آن اصول اخلاقی و تربیتی به نسل‌های جدید منتقل می‌شود، دارای اهمیت ویژه‌ای است. قرآن و سنت پیامبر اسلام ﷺ به وضوح به اهمیت نهاد خانواده پرداخته‌اند. در حدیثی از پیامبر اسلام ﷺ آمده است: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ» (مجلسی، ۱۳۸۴، ج ۷۲، ص ۲۷۰)، که به اهمیت توجه به خانواده و رفتار صحیح با اعضای آن اشاره دارد. روابط صحیح خانوادگی و تولید نسل از اهداف اساسی ازدواج در اسلام هستند. ازدواج میان مرد و زن به عنوان راهی برای تأمین این اهداف و حفظ تعالیم اسلامی در نظر گرفته شده است. ازدواج زن و مرد، تنها راه برای تشکیل «خانواده سالم» و «بستر رشد اخلاقی» است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۶۲). همجنس‌گرایی به دلیل عدم امکان تولید نسل و مغایرت با اصول بنیادین نهاد خانواده، و همچنین به عنوان یکی از عوامل ازهم‌گسیختگی خانواده در اخلاق اسلامی به عنوان رفتار ناپسند و غیرطبیعی شناخته می‌شود.

**نقش اخلاق در کنترل غریزه:** اسلام، اخلاق را فراتر از صرف قراردادهای اجتماعی می‌داند و آن را بر مبنای عقل، وحی و فطرت بنا می‌کند. فلسفه اخلاق اسلامی بر این اصل استوار است که انسان برای رسیدن به کمال باید غرایز خود را مدیریت و کنترل کند و اجازه ندهد که شهوت بر عقل او غلبه کند. از این منظر، اگر یک رفتار جنسی؛ هرچند دارای ریشه‌های بیولوژیکی باشد، اما با اصول اخلاقی و فطری انسان ناسازگار باشد، باید کنترل شود (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۷۰).

### ۵-۳-۵. گرایش‌های جنسی از نگاه تربیتی

گرایش‌های جنسی نه صرفاً یک پدیده ذاتی و بیولوژیکی، بلکه نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل فطری، زیستی و تربیتی است. برخلاف نظریه‌هایی که همجنس‌گرایی را کاملاً ذاتی می‌دانند، نقش محیط، تربیت و اختیار در شکل‌گیری گرایش جنسی مورد تأکید اسلام است. گرایش به جنس مخالف یک پدیده فطری و طبیعی است که خداوند در نهاد انسان قرار داده است تا از این طریق نسل انسان بقا یابد و آرامش روانی محقق شود. انحراف از این فطرت، مانند همجنس‌گرایی، دلایل مختلفی دارد. هرچند ممکن است زمینه‌های زیستی یا ژنتیکی نیز در برخی افراد وجود داشته باشد، اما این زمینه‌ها به تنهایی تعیین‌کننده نیستند و عوامل تربیتی، محیطی و اجتماعی (مانند آسیب‌های دوران کودکی، تجربه سوءاستفاده جنسی، یا تأثیرات محیطی) می‌توانند در شکل‌گیری این گرایش‌ها نقش اساسی ایفا کنند. به عبارت دیگر، گرایش‌های جنسی به طور کامل در اختیار انسان نیستند، اما می‌توان آنها را با توجه به اصول فطری و تربیتی مدیریت کرد. خانواده و جامعه نقش مهمی در تربیت صحیح

جنسی دارند. آموزش‌های صحیح و فراهم کردن یک محیط سالم، می‌تواند به فرد کمک کند تا گرایش‌های جنسی خود را در مسیر فطری و طبیعی هدایت کند (مهکام، ۱۳۹۵، ص ۲۱۲).

### نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نظریه «طبیعی بودن همجنس‌گرایی» با چالش‌های جدی علمی، روان‌شناختی، اخلاقی و دینی مواجه است. درحالی‌که این نظریه تلاش دارد با تکیه بر غریزی و درونی بودن این گرایش، مشروعیت اجتماعی و حقوقی برای آن ایجاد کند، اما شواهد تجربی و تحلیلی نشان می‌دهد که: - بسیاری از همجنس‌گرایان، تجربه آسیب‌های رشد روانی و تربیتی را پشت سر گذاشته‌اند و همجنس‌گرایی در آنها واکنشی ناخودآگاه به این آسیب‌هاست.

- استناد به «طبیعت» به‌عنوان معیار اخلاقی، در فلسفه اخلاق مدرن مردود شمرده می‌شود؛ چراکه رفتار طبیعی الزاماً اخلاقی نیست.

- آموزه‌های اسلامی، همجنس‌گرایی را انحرافی جدی از فطرت الهی دانسته و آن را ممنوع اعلام کرده‌اند. در نتیجه، نظریه طبیعی بودن همجنس‌گرایی، اگرچه در ظاهر رویکردی همدلانه و بی‌طرفانه دارد، اما در عمق خود، موجب تضعیف بنیان‌های روانی، اخلاقی و دینی انسان می‌گردد و پذیرش آن در سطح عمومی می‌تواند منجر به بحران‌های هویتی و فروپاشی ارزش‌های خانواده شود.

### محدودیت‌ها و پیشنهادها

#### محدودیت‌ها

- محدود بودن منابع علمی بی‌طرف درباره ماهیت گرایش‌های جنسی؛
- فقدان پژوهش‌های میدانی در جوامع اسلامی.

#### پیشنهادها

- انجام پژوهش‌های تجربی درباره منشأ روان‌شناختی گرایش‌های همجنس‌خواهانه؛
- تحلیل تطبیقی نظریه طبیعی بودن در سنت‌های دینی مختلف؛
- گسترش گفت‌وگوی بین‌رشته‌ای میان روان‌شناسی، فلسفه اخلاق و فقه اسلامی.

## منابع

قرآن کریم.

- امیدی، هادی (۱۳۹۳). بررسی همجنس‌گرایی از نگاه دین و روان‌شناسی. قم: دانشگاه اصول‌الدین.
- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر (۱۳۸۷ق.). شرح المقاصد. ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تفسیر تسنیم: تفسیر قرآن کریم، ج ۲۴، تحقیق و ویرایش علی اسلامی. قم: اسراء.
- راسل، برتراند (۱۹۴۵). تاریخ فلسفه غرب (جلد ۱: فلسفه قدیم و قرون وسطی). ترجمه نجف دریابندی. تهران: پرواز.
- سوزنچی، حسین. همجنس‌گرایی: اختلال یا امر طبیعی. معرفت فرهنگی اجتماعی، ۴۱، ۵۹-۷۴.
- صادقی، هادی (۱۳۹۱). جنسیت و نفس. قم: هاجر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیرالقرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۷ق.). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴). بحارالانوار. بیروت: اسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). فطرت. تهران: صدرا.
- مهاکم، رضا (۱۳۹۵). شناسایی عوامل و تدوین مدلی برای تبیین اختلال هویت جنسی در ایران و موضوع‌شناسی فقهی آن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- میرکین، بری (۱۹۹۶). اثرات استیگما بر سلامت روان افراد همجنس‌گرا. بی‌جا: بی‌نا.

Aquinas, T. (1947). *Summa Theologica*. Benziger Brothers.

Bailey, J. M. (1999). Heritable factors influence sexual orientation in women. *Archives of Sexual Behavior*, 28(6), 553-569.

Bailey, J. M. (1995). Childhood sex-typed behavior and sexual orientation: A conceptual analysis and quantitative review. *Developmental Psychology*, 31(1), 43-55.

Bailey, J. M. & Pillard, R. C. (1991). *A Genetic Study of Male Sexual Orientation*. General Psychiatry.

Bagemihl, B. (1999). *Biological Exuberance: Animal Homosexuality and Natural Diversity*. St. Martin's Press.

Bearman, P. S. & Brückner, H. (2002). Opposite-sex twins and adolescent same-sex attraction. *American Journal of Sociology*, 107(5), 1179-1205.

Blanchard, R. (2002). The relation of closed-head injury to pedophilia and homosexuality. *Archives of Sexual Behavior*, 31(6), 551-556.

Bogaert, A. F. (2003). The prevalence of male homosexuality: The effect of fraternal birth order and variation in family size. *Journal of Theoretical Biology*, 222(1), 33-37.

Boswell, J. (1980). *Christianity, Social Tolerance, and Homosexuality: Gay People in*

Western Europe from the Beginning of the Christian Era to the Fourteenth Century. Chicago: the university of Chicago Press.

Dhejne, C., Lichtenstein, P., Boman, M., Johansson, A. L., Långström, N., & Landén, M. (2011). Long-term follow-up of transsexual persons undergoing sex reassignment surgery: cohort study in Sweden. *Journal of Psychiatric Research*, 45(4), 434-440.

Diamond, J. (2002). *Sex and Gender in the Human Experience*. United States: Psychology Press.

Drescher, Jack. (2015). *Out of DSM: Depathologizing Homosexuality*. Behavioral Sciences.

Dumenil, A. & Lanfranco, A. (2018). Gene–environment interactions in sexual orientation research: A review. *Human Genetics*, 137(4), 239-252.

Cameron, P. (1983). Homosexual molestation of children/same-sex parenting: Does it matter? *Psychological Reports*, 53(3, Pt. 2), 1094-1095.

Fausto-Sterling, A. (2000). *Sexing the body: Gender politics and the construction of sexuality*. Basic Books.

Fetner, T. (2008). *How the Religious Right Shaped Lesbian and Gay Activism*. Minnesota: University of Minnesota Press.

Foucault, M. (1976). *The History of Sexuality, Volume 1: An Introduction*. Translated by Robert Hurley, New York: Pantheon Books

Freud, S. (1905). *Three Essays on the Theory of Sexuality*. Revelation Press.

Gary R. VandenBos (2015). *American Psychological Association – APA, Second Edition*.

Greenberg, D. F. (1988). *The Construction of Homosexuality*. Chicago: University of Chicago Press.

Hamer, D. H. (1993). *The science of desire: the search for the gay gene and the biology of behaviour*. New York.

Herek, G. M. (2014). Sexual orientation differences as definitional issues: The DOMA case. *Journal of Social Issues*, 70(2), 201-221.

Hines, M. (2011). Prenatal Testosterone and Gender-Related Behaviour. *European Journal of Endocrinology*.

Hooker, E. (1958). *Male homosexuality*. New York: W. W. Norton & Company.

Kinsey, A. C., Pomeroy, W. B. & Martin, C. E. (1948). *Sexual Behavior in the Human Male*. W.B. Saunders.

Kring, A. M., Johnson, S. L., Davison, G. C. & Neale, J. M. (2018). *Abnormal psychology*

(14th ed.). Wiley.

Kollman, K. (2009). Same-sex unions: The globalization of an idea. *International Studies Quarterly*, 53(2), 259-281.

Küfner, A. C., Dudenhöffer, J. & Hofmann, W. (2020). The role of genetics in sexual orientation: a review of current research. *Behavior Genetics*, 50(1), 10-25.

LeVay, S. (1991). A Difference in Hypothalamic Structure Between Heterosexual and Homosexual. science.

Meyer, I. H. (2003). Prejudice, social stress, and mental health in lesbian, gay, and bisexual populations: Conceptual issues and research evidence. *Psychological Bulletin*, 129(5), 674-697.

Mirkin, B. M. (1996). Handbook of family therapy. New York, NY: Brunner/Mazel

Nicolosi, J. (1993). Healing Homosexuality: Case Stories of Reparative Therapy. United States: Jason Aronson.

Nicolosi, Joseph (1991). Reparative Therapy of Male Homosexuality: A New Clinical Approach. United States: Jason Aronson.

Nicolosi, Joseph, Nicolosi, Linda Ames. (2002). A Parent's Guide to Preventing Homosexuality. United States: InterVarsity Press.

Redding, R. E. (2001). Bias on campus? A look at the evidence for liberal ideological bias in social science research and education. *Academic Questions*, 14(2), 40-52.

Regnerus, M. (2012). How different are the adult children of parents who have same-sex relationships? Findings from the New Family Structures Study. *Social Science Research*, 41(4), 752-770.

Rekers, G. A. (2004). Sexual orientation conversion therapy for gay men and lesbians: A scientific examination. *Journal of Psychology and Human Sexuality*, 16(2/3), 185-216.

Sanders, A. R., Beecham, G. W., Guo, S., et al. (2014). Genome-wide scan demonstrates significant linkage for male sexual orientation. *Scientific Reports*.

Satinover, J. (1996). Homosexuality and the Politics of Truth.

Smith Cross, J. (2015). Outcry prompts CAMH to review its controversial treatment of trans youth. metr.

Spitzer, R. L. (2003). Can some gay men and lesbians change their sexual orientation? 200 participants reporting a change from homosexual to heterosexual orientation. *Archives of Sexual Behavior*, 32(5), 403-417.

## Identifying, analyzing, and explaining effective factors in achieving mental peace from the perspective of the Holy Quran

**Mokhtar Zakeri**  / Associate Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran  
mokhtarzakeri365@cfu.ac.ir

Received: 2025/05/21 - Accepted: 2025/10/15


### Abstract

One of the areas in which the concept of mental peace is discussed is the field of religion. The author's attempt is to identify and analyze the effective factors in achieving mental peace from the perspective of the Quran. This research is a qualitative research form and was conducted using the inductive content analysis method with a data coding system. The research findings indicate that 10 components including remembrance of God, being guided to true path, piety, faith-based actions, righteous deeds, acceptance of divine guardianship, submission to God, benefaction, and being interested in the status of martyrdom constitute the effective factors in achieving mental peace from the perspective of the Holy Quran. The methods of remembering God include fulfilling the service of God and doing prayer. The ways to follow the path of guidance include accepting the divine call, holding fast to God, acting on the command of jihad, acting on divine advice, holding on to the divine book, keeping oneself on the divine path, following the divine prophets, treating diseases of the heart, and taking lessons. The ways to attain divine piety include contemplating the enlightening divine verses, paying attention to the signs of divine creation, acting on divine verses and commands, fasting, and following the straight path.

**Keywords:** mental peace, freedom from fear and sadness, heartfelt happiness, inner growth

## شناسایی، تحلیل و تبیین عوامل اثربخش در دستیابی به آرامش روانی از منظر قرآن کریم

mokhtarzakeri365@cfu.ac.ir

مختار ذاکری  دانشیار گروه آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

### چکیده

یکی از عرصه‌هایی که مفهوم آرامش روانی در آن مطرح است، حوزه دین است. تلاش نگارنده بر این است که عوامل اثربخش در دستیابی به آرامش روانی از منظر قرآن را شناسایی و تحلیل کند. این پژوهش از اشکال پژوهش‌های کیفی و با روش تحلیل محتوای استقرایی با نظام کدگذاری داده‌ها انجام شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که ۱۰ مؤلفه شامل یاد خدا، هدایت‌یابی، پرهیزگاری، ایمان‌مداری، عمل صالح، ولایت‌پذیری الهی، تسلیم‌پذیری الهی، نیکوکاری، انفاق و مقام شهادت تشکیل‌دهنده عوامل اثربخش در دستیابی به آرامش روانی از منظر قرآن کریم هستند. روش‌های به یاد خدا بودن شامل به‌جا آوردن بندگی خدا و نماز خواندن است. راه‌های پیمودن مسیر هدایت‌یابی شامل مواردی از جمله پذیرش دعوت الهی، تمسک به خداوند، عمل به دستور جهاد، عمل به اندرزهای الهی، چنگ زدن به کتاب الهی، حفظ خود در مسیر الهی، پیروی از انبیای الهی، درمان امراض دل و عبرت‌پذیری است. روش‌های رسیدن به تقوای الهی شامل مواردی از جمله تدبر در آیات روشنگر الهی، توجه به نشانه‌های خلقت الهی، عمل به آیات و دستورات الهی، روزه‌گرفتن و پیروی از راه مستقیم است.

**کلیدواژه‌ها:** آرامش روانی، رهایی از ترس و غم، شادمانی قلبی، رشد درونی.

## مقدمه

آرامش، گمشدهٔ دیروز و امروز انسان است. در متون دینی، به‌ویژه قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام این امر جایگاه مهمی دارد؛ به‌گونه‌ای که شاه‌بیت دین، یعنی ایمان، از ریشهٔ امن به معنای آرامش گرفته شده است. بشر امروز با خلأ معنویت و فقدان آرامش دست‌وپنجه نرم می‌کند و برای رسیدن به این گمشده، به هر وسیله‌ای دست می‌زند. رشد عرفان‌های کاذب و نوظهور، مصرف روز افزون مواد مخدر و قرص‌های آرام‌بخش، تولید و تکثیر کتاب‌ها و نرم‌افزارهای روان‌شناختی، همگی دلیل روشنی بر این سرگستگی و احساس فقر و نیاز است (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۴). نگرانی و تشویش در زندگی بشر، حضوری چشمگیر دارد. زمانی نیست که بشر در حالتی از تشویش و اضطراب نباشد؛ به‌گونه‌ای که برخی آن را ذاتی دنیا و بشر دانسته‌اند. در اشعار فرزندانگان فارسی سخن از همراهی نیش و نوش، گل و خار و تلخ و شیرین شده است. هرکس به‌طور طبیعی در طول زندگی با نگرانی و تشویش بسیاری روبه‌رو شده است. فراوانی این موضوع آن‌چنان بالاست که به‌عنوان یکی از مسائل دائمی بشر در آمده است؛ از این‌رو نه‌تنها روان‌شناسان، بلکه دانشمندان علوم و رشته‌های دیگر همواره برای آن اهمیت خاصی قائل شده‌اند؛ زیرا تأثیرات منفی و مخرب این حالت در همهٔ ابعاد فردی و اجتماعی بشر ظهور می‌کند و امنیت اجتماعی و سیاسی دولت‌ها و جوامع را به خطر می‌افکند. گاه مسئلهٔ فقدان آرامش فردی در جوامع به‌عنوان یک پدیدهٔ اجتماعی گسترده خودنمایی می‌کند و بحران شدیدی را می‌آفریند (منصوری، ۱۳۹۶).

آرامش، اسم مصدر از آرمیدن است که در لغت به معنی حالتی نفسانی همراه با آسودگی و ثبات است و در اصطلاح در برابر اضطراب و دلهره به‌کار می‌رود؛ همچنین به صفت قلبی خاص نیز (آسودگی خاطر، ثبات و طمأنینه) گفته می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۹۸). در فرهنگ فارسی معین، آرامش به معنای آرامیدن، وقار و سنگینی، فراغت و آسایش، صلح و آشتی، ایمنی و امنیت، خواب اندک و سبک آمده است که تقریباً هرکدام از اینها را می‌توان مصادیقی از آرامش دانست. در کتاب *مفردات*، واژهٔ «امن» و «امنیت» در اصل به معنی آرامش نفس و از بین رفتن ترس آمده است و مفهوم آرامش در آیات از واژگانی مثل امن (انعام: ۸۲)، اطمینان (رعد: ۲۸)، سکینه (فتح: ۴)، سکن (توبه: ۱۰۳) و جملاتی مانند ربط قلوب (کهف: ۱۴)، نفی خوف و حزن (فصلت: ۳۰) و تثبیت فؤاد (هود: ۱۲۰) قابل استفاده است. اگرچه مسئلهٔ اضطراب و فشار روانی در همهٔ زمان‌ها وجود داشته، اما در دوران کنونی به خاطر پیشرفت‌هایی که از لحاظ مادی در زندگی بشر اتفاق افتاده و عواطف انسان‌ها را غالباً تحت تأثیر خود قرار داده، نمایان‌تر است. تلاش و فعالیت شبانه‌روزی انسان‌ها در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی در طول تاریخ، متوجه همین نکته بوده است که چه باید کرد تا اضطراب و نگرانی از قلمرو حیات و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها رخت بر

بند. بدین جهت نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی ارائه گشته است. در این میان دیدگاه قرآن از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا قرآن کریم تمام آنچه را که بشر برای هدایت و سعادت و رسیدن به آرامش نیاز داشته دربر دارد و شامل کامل‌ترین نسخه‌ها برای آرامش روح و روان انسان است. برای مثال در آیه ۳۰ سوره فصلت، خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ»؛ بی‌تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند]: مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می‌دادند، بشارت باد. لذا در این مقاله نظر و دیدگاه قرآن کریم پیرامون عوامل تسکین و آرامش روان بیان می‌گردد. قرآن کریم بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اکرم ﷺ است که برای هدایت بشریت آمده است. این کتاب آسمانی، کامل‌ترین نسخه برای آرامش روح و روان انسان‌هاست؛ از این‌رو این تحقیق با هدف شناسایی و تبیین عوامل مؤثر در دستیابی به آرامش درونی از منظر قرآن کریم انجام شده است. ما در این تحقیق برآنیم تا با نگاهی دقیق، دیدگاه قرآن را نسبت به آرامش درونی مورد بررسی قرار دهیم؛ بنابراین در این تحقیق به دنبال پاسخ‌دهی به دو پرسش به شرح ذیل هستیم:

۱. عوامل آرامش روانی از منظر قرآن کریم چیست؟

۲. مصداق‌ها، ابعاد تأثیرگذار و روش‌های تحقق هر یک از عوامل آرامش روانی از منظر قرآن چیست؟

### پیشینه

طاهری خرامه (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «توکل و خودمراقبتی معنوی: راهنمایی برای بهزیستی»، بیان می‌دارد توکل به خداوند از مفاهیم کلیدی در ادیان الهی، تأثیری قابل توجه بر سلامت روانی و معنوی انسان دارد. این مفهوم که بر اعتماد کامل به اراده الهی و واگذاری امور به خداوند تأکید دارد، می‌تواند عاملی مؤثر در ایجاد آرامش درونی و تقویت توانایی فرد برای مواجهه با مشکلات زندگی باشد. توکل، افزون بر اینکه پایه‌ای برای ایمان و امید است، با کاهش استرس، اضطراب، افسردگی و افزایش تاب‌آوری عاطفی و آرامش معنوی، نقشی مؤثر را در ارتقای کیفیت زندگی ایفا می‌کند. این نگرش معنوی، نه تنها به‌عنوان یک ابزار در خودمراقبتی معنوی، بلکه به‌عنوان راهکاری برای بهزیستی قابل استفاده است.

عزیزپناه و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «راهکارهای ارتقای سلامت روان از منظر قرآن و روایات»، به این نتیجه رسیدند که تمسک به قرآن و دین‌باوری به زندگی انسان‌ها معنا داده و از این طریق انسان به آرامش روانی دست می‌یابد. ایمان، خودشناسی، تقوا، صبر، استقامت و... از مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای سلامت روانی هستند که همگی آنها توسط خداوند متعال در قرآن کریم سفارش شده‌اند.

دانش‌نهاد و وکیلی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی روایی قرآنی نقش سکوت و حوزه‌های سه‌گانه آن در نفی اضطراب و تحصیل آرامش»، به این نتیجه رسیدند که بسیاری از اضطراب‌ها و آشفتگی‌ها نتیجه کثرت ارتباط با بیرون است که تکنیک سکوت می‌تواند چنین ارتباطات از هم گسیخته را کنترل نماید و مقدمات آرامش را فراهم آورد. همچنین تکنیک سکوت علاوه بر نقش سلبی، نقش ایجابی نیز دارد و می‌تواند انسان را با رهنمون کردن به درون خود و ارتباط یافتن با خداوند از مسیر عبودیت به آرامش حقیقی دست یابد. علاوه بر این، حوزه‌های سه‌گانه تکنیک سکوت در برابر اموری همچون گناهان، امور لغو و بی‌فایده و امور بافایده قرار می‌گیرد. بر اساس آیات و روایات، سکوت علاوه بر اینکه با رفع عوامل بیرونی اضطراب و ناآرامی را از میان برمی‌دارد، نقشی بسزا در دستیابی به آرامش درون نیز دارد.

اصیل و تابان (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «جایگاه و عوامل آرامش در قرآن کریم و عرفان اسلامی»، به این نتیجه رسیدند که ایمان، تقوا و پرهیزگاری عامل اصلی آرامش و زمینه‌ساز آرامش فردی و اجتماعی و همچنین آرامش روح و روان فرد و جامعه می‌باشد. از سوی دیگر، «عرفان» طریقی است که با طی آن می‌توان به شناختی شهودی و حضوری از حقیقت و معرفت ناب به‌صورت بی‌واسطه ناآل آمد و به پاسخی قطعی به نیازهای اساسی و پرسش‌های آدمی و آرامش و نشاط جاودانی حاصل از آن دست یافت.

فرجی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «راه‌های افزایش آرامش در قرآن و سبک زندگی اسلامی و تأثیر آن بر تربیت فرزندان»، بیان داشتند آرامش و طمأنینه از اساسی‌ترین نیازهای انسان است و تأکید ویژه‌ای در دین اسلام بر آن شده، و عوامل استرس‌زا و اضطراب از مسائل و مشکلات اساسی و جدانشدنی جوامع بشری است و تبعات ناشی از آن باعث از بین رفتن آرامش بوده و از عوامل اصلی بیماری‌های جسمی می‌باشد. امروز بشر از پدیده‌های مختلف خانوادگی و ناکامی‌ها در عذاب است و این در صورتی است که آسایش به‌دست‌آمده از پیشرفت تکنولوژی و فناوری، موجب کاهش ظرفیت و از بین رفتن عوامل آرامش انسان شده است. در چنین حالتی بهره‌مندی از خصوصیتی که سبب افزایش آرامش می‌شود از التزامات افزایش آرامش، دارا بودن و عامل بودن به چنین خصوصیتی می‌باشد که دارندگان آن از آرامش بیشتری برخوردارند. در قرآن هم به داشتن چنین صفاتی جهت رسیدن به آرامش سفارش شده است؛ پس پرداختن به چنین موضوعی در جهت رسیدن به آرامش اهمیت بسزایی دارد

شاهنده (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «نقش تربیتی ذکر و یاد خدا جهت دستیابی انسان به آرامش در قرآن و حدیث»، به این نتیجه رسید که یکی از دغدغه‌هایی که معمولاً در بین انسان‌ها وجود داشته و از نیازهای اساسی آنها محسوب می‌شود، کسب آرامش است. در دین اسلام مسائل اساسی درباره انسان و آرامش او، مفهوم آرامش، مصادیق آرامش حقیقی، عوامل و راه‌های تحصیل آن و به تبع آنها تأثیر تربیتی ذکر خدا در کسب آرامش

انسان طرح و تبیین شده است. آرامش حقیقی در پناه ذکر و یاد خداوند و به تبع آن در لوای توجه به مصادیق ذکر خدا به دست می‌آید. کسانی که از یاد خدا فاصله گرفته و ارتباط کمتری با خداوند دارند، معمولاً در زندگی خود مضطرب و نگران بوده و مشوش به نظر می‌آیند. پژوهش پیش رو با روش تحلیلی - توصیفی درصدد بررسی نقش تربیتی ذکر و یاد خداوند در دستیابی انسان به آرامش حقیقی از منظر قرآن و حدیث است. چند موضوع مهم درباره آرامش اعم از چیستی، چگونگی و مفهوم‌شناسی آرامش، مصادیق ذکر خداوند و راه‌های رسیدن به آرامش از منظر آیات و روایات و نقش تربیتی آنها در رسیدن به آرامش در این مقاله؛ از جمله تلاوت قرآن، اقامه نماز، ارتباط با اذکار و ادعیه، تسبیح و تنزیه الهی و ازدواج مورد واکاوی و بررسی قرار گرفته است. حواسی ابدالانی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «آرامش درونی در پرتو تربیت نفس و ارتباط با خالق از دیدگاه قرآن»، به این نتیجه رسید که رسیدن به آرامش درونی یکی از مهم‌ترین دلایل اعمال و رفتار شخص و ارتباط او با خدا، خود، جامعه و طبیعت و اشیاست که بنا بر میزان آگاهی و شناختش از علت این نیاز و منشأ دریافت آن، دست به دامان روش‌های مختلفی می‌شود. دلیل ناآرامی روح انسان جدایی او از اصل خویش، یعنی خداوند است و تا این رابطه مخلوق با خالق برقرار و اصلاح نشود، آرامش درونی حاصل نمی‌شود. بزرگ‌ترین و اصلی‌ترین مانع برای رسیدن به اصل وجودی خود، یعنی خداوند، نفس انسان است و تنها با تربیت صحیح آن می‌توان به آرامش واقعی رسید. در این تحقیق به روش‌های صحیح تربیت نفس: ۱. تشویق و هدایت نفس (دین‌داری، دعا، ذکر)، قرآن و نماز (روزه، توکل، زکات، صبر)؛ ۲. تنبیه و اصلاح نفس (توبه، تقوا، استعاذه، مراقبه و مدیریت زمان، فرو بردن خشم) از منظر آیات قرآن پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش هوشیاری و طیب‌حسینی (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی تطبیقی «اطمینان و سکینه» در قرآن با «آرامش روانی و بهزیستی» در روان‌شناسی» نشان داد: الف) واژه سکینه بهترین معادل برای آرامش روانی و اطمینان گویاترین معادل بهزیستی روانی تشخیص داده شد؛ ب) همچنان که در روان‌شناسی، بهزیستی روانی نتیجه آرامش روانی و لازمه شکوفایی کامل انسان است، در فرهنگ قرآن نیز ذکر و یاد خدا مقدمه اطمینان است و اطمینان فراتر از سکینه و زمینه تکامل و بروز تمام استعدادهای الهی است؛ ج) اطمینان در فرهنگ قرآن اگرچه واژه‌های عام و متعالی است، اما نزدیک‌ترین واژه قرآنی به اصطلاح روان‌شناختی بهزیستی روانی می‌باشد عیسی‌زاده (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «راهکارهای رفتاری برای دستیابی به آرامش از منظر قرآن»، بیان می‌دارد ناآرامی‌ها و نگرانی‌های انسان یا منشأ درونی دارند، مانند نوع نگرش، سستی ایمان، سرزنش وجدان، یا منشأ بیرونی دارند، نظیر عوامل رفتاری، حوادث طبیعی، فقر و محرومیت که مهم‌ترین توصیه‌های قرآن در دستیابی به آرامش و رفع آن نگرانی‌ها، راهکارهای رفتاری مانند عفو و گذشت، یاری نمودن محرومان و صبر و بردباری است

از مجموعه پژوهش‌های فوق که پیرامون مقوله آرامش درونی از منظر قرآن کریم صورت گرفته شده است، چنین برمی‌آید که در حال حاضر مفهوم‌پردازی جامعی از این مقوله وجود ندارد که در این پژوهش، این مهم را دنبال می‌کنیم

## روش پژوهش

در این نوشتار، پژوهشگر برای شناسایی و تبیین عوامل مؤثر در دستیابی به آرامش روانی از منظر قرآن کریم از روش تحلیل محتوای استقرایی با بهره‌گیری از نظام کدگذاری داده‌ها بهره برده است. در ادامه به تشریح این روش می‌پردازیم این پژوهش در قالب پارادایم کیفی و از نوع تحلیل محتوای استقرایی انجام شده است. طرح پژوهش، طرحی پدیدایشی است؛ زیرا مؤلفه‌ها در حین انجام پژوهش مشخص می‌شود. جامعه و نمونه پژوهشی مصحف شریف قرآن کریم (ترجمه محسن قرائتی، ۱۳۹۶) است. رویکرد تجزیه و تحلیل داده‌ها، رویکرد توصیفی - تفسیری است. در این پژوهش به منظور اعتبارسنجی از روش مسیر ممیزی استفاده شده است؛ به این صورت که پژوهشگر، مسیری را که طی کرده در اختیار خوانندگان پژوهش قرار می‌دهد. روایی پژوهشی با استفاده از روش بازبینی به وسیله اساتید علوم قرآنی انجام شد. در بازبینی صورت گرفته، درباره جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تبادل نظر شد. پایایی پژوهش نیز با استفاده از کدگذاری متن توسط ۳ نفر ناشناس انجام شد. بر این اساس با توافق ۹۰ درصد بین کدگذاران، ثبات نسبی تأیید گردید. روش جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، اسنادی بوده است. در پژوهش کیفی، پژوهشگر هم به‌عنوان گردآورنده داده‌ها و هم به‌عنوان گوینده معنای داده‌ها ایفای نقش می‌کند (Maykut and Morehouse, 1994). روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، روش تحلیل استقرایی بوده است. در روش استقرایی پژوهشگر با مقایسه مستمر داده‌ها به ساخت مفاهیم اقدام می‌کند؛ به این صورت که با نگاه اجمالی به داده‌ها (در این پژوهش، آیاتی از قرآن مدنظر است که به نوعی به مفهوم آرامش و مشتقات آن اشاره دارد) زمینه سازواری داده‌ها، بررسی و به ساخت مفاهیم اقدام گردیده و هم‌زمان با ساخت مفاهیم نکات کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش از متن به شیوه کدگذاری باز استخراج و کدهای مربوط به هر نکته مشخص می‌شوند. در مرحله بعد با کنار هم قرار دادن نکات کلیدی و مقایسه مستمر داده مفاهیم اولیه و به‌طور هم‌زمان مقوله‌های اولیه شکل گرفتند؛ سپس با استفاده از روش کدگذاری محوری مقوله‌های گزینشی مشخص می‌شوند. در مرحله نهایی پژوهشگر با استفاده از شیوه کدگذاری گزینشی به استخراج مقوله‌های اصلی و مفهوم‌پردازی اقدام می‌کند.

## یافته‌های پژوهش

در خصوص پرسش اول مبنی بر اینکه مهم‌ترین عوامل اثربخش در دستیابی به آرامش درونی از منظر قرآن کریم کدام‌اند؟ پس از سه مرحله کدگذاری بر روی آیات منتخب، یافته‌های ذیل حاصل گردید:

جدول ۱: عوامل اثربخش در آرامش درونی

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز
یاد خدا	آرامش دل	«الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸)؛ آنها که به خدا ایمان آورده و دل‌هاشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرامبخش دل‌هاست.
هدایت‌بابی	خروج از بیم و غمگینی	«فَلَمَّا أَهْبَطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۳۸)؛ گفتیم: همگی از آن [مرتب و مقام] فرود آید؛ چنانچه از سوی من هدایتی برای شما آمد، پس کسانی که از هدایت‌م پیروی کنند نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.
پرهیزگاری	رهایی از غم و ترس	«يَا بَنِي آدَمَ إِذَا يَأْتَيْتَكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَخُوفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (اعراف: ۳۵)؛ ای فرزندان آدم! چون پیامبرانی از جنس خودتان به سویتان آیند که آیاتم را بر شما بخوانند [به آنان ایمان آورید و آیاتم را عمل کنید]؛ پس کسانی که [از مخالفت با آنان] بپرهیزند و [مفاسد خود را] اصلاح کنند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.
ایمان‌مداری	رهایی از ترس و غم	«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۷)؛ مسلمانان کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، و نماز را به پا داشتند، و زکات پرداختند، برای آنان نزد پروردگارش پاداشی [شایسته و مناسب] است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.
عمل صالح	رهایی از هر نوع ترس و غم	«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۷)؛ مسلمانان کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، و نماز را به پا داشتند، و زکات پرداختند، برای آنان نزد پروردگارش پاداشی [شایسته و مناسب] است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.
ولایت‌پذیری الهی	رهایی از ترس و اندوه	«أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (یونس: ۶۳)؛ آگاه باشید! یقیناً اولیای الهی نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.
تسلیم‌پذیری الهی	رهایی از ترس و غم	«بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۱۱۲)؛ آری، کسانی که همه وجود خود را تسلیم خدا کنند درحالی که نیکوکارند، برای آنان نزد پروردگارش پاداشی شایسته و مناسب است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

<p>«بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۱۷۲)؛</p> <p>آری، کسانی که همه وجود خود را تسلیم خدا کنند درحالی که نیکوکارند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.</p>	<p>رهایی از ترس و غم</p>	<p>نیکوکاری</p>
<p>«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ دَلَّيْمٌ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۶۲)؛</p> <p>کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس منت و آزاری به دنبال انفاقشان نمی‌آورند، برای آنان نزد پروردگارشان پاداشی شایسته و مناسب است، و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.</p>	<p>ترسیدن و غمگین نشدن</p>	<p>انفاق</p>
<p>«فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (آل عمران: ۱۷۰)؛</p> <p>درحالی که خدا به آنچه از بخشش و احسان خود به آنان عطا کرده شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند [و سرانجام به شرف شهادت نایل می‌شوند] شادی می‌کنند، که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.</p>	<p>رهایی از غم و ترس و دستیابی به شادمانی قلبی</p>	<p>مقام شهادت</p>

همان‌طور که در جدول فوق مشخص گردید، ۱۰ مقوله شامل یاد خدا، هدایت‌یابی، پرهیزگاری، ایمان‌مداری، عمل صالح، ولایت‌پذیری الهی، تسلیم‌پذیری الهی، نیکوکاری، انفاق و مقام شهادت تشکیل‌دهنده عوامل اثربخش در دستیابی به آرامش روانی از منظر قرآن کریم هستند.

پیرو یافته‌های پرسش اول پژوهش، در خصوص پرسش دوم مبنی بر اینکه روش‌های محقق‌سازی هر کدام از عوامل اثربخش در دستیابی به آرامش روانی در وجود آدمی از منظر قرآن کریم چیست؟ پس از سه مرحله کدگذاری بر روی آیات منتخب، یافته‌های ذیل حاصل گردید:

جدول ۲: روش‌های تحقق عوامل اثربخش در آرامش درونی

کدهای گزینشی	کدهای محوری	کدهای باز
<p>یاد خدا</p>	<p>روش‌های یاد خدا بودن</p>	<p>بعجا آوردن بندگی خدا (طه: ۱۴) نماز خواندن (طه: ۱۴)</p>
<p>بهترین زمان‌های یاد خدا بودن</p>		<p>شب هنگام (آل عمران: ۴۱) صبحگاهان (آل عمران: ۴۱) بعد از انجام مناسک حج (بقره: ۲۰۰) هنگام رویارویی با دشمن (انفال: ۴۵) بعد از نماز (نساء: ۱۰۳)</p>

<p>پذیرش دعوت الهی (بقره: ۱۸۶) ایمان به خدا (بقره: ۱۸۶؛ اعراف: ۱۵۸) تمسک به خداوند (آل عمران: ۱۰۱) عمل به دستور جهاد (نساء: ۶۸) عمل به اندرزهای الهی (نساء: ۶۸) چنگ زدن به کتاب الهی (نساء: ۱۷۵) حفظ خود در مسیر الهی (مائده: ۱۰۵) پذیرش قلبی اسلام (انعام: ۱۲۵) پیروی از انبیای الهی (اعراف: ۱۵۸) پیروی از خدا و پیامبر (اعراف: ۱۵۸) انجام کارهای شایسته یا عمل صالح (یونس: ۹) درمان امراض دل و روح (یونس: ۵۷؛ فصلت: ۴۴) عبرت از نابودی ملت‌های پیشین (طه: ۱۲۸) یاد خدا (نور: ۳۶) تسبیح خدا (نور: ۳۶) اطاعت از فرامین خدا و پیامبر (نور: ۵۴) انتخاب عقلانی سخن درست و حق (زمر: ۱۸)</p>	<p>راه‌های پیمودن مسیر هدایت‌یابی</p>	<p>هدایت‌یابی</p>
<p>قرآن (بقره: ۲ و ۹۷؛ آل عمران: ۱۳۸؛ اعراف: ۵۲) تورات (بقره: ۵۳؛ مائده: ۴۴ و ۴۶) انجیل (آل عمران: ۴؛ مائده: ۴۶) آیات الهی (آل عمران: ۱۰۳) انبیای الهی (انبیا: ۷۳؛ قصص: ۴۵) نور الهی (نور: ۳۵؛ شوری: ۵۲) دلایل روشنی که از جانب پروردگار به بشر رسیده است (انعام: ۱۵۷) آیین ابراهیمی (انعام: ۱۶۱)</p>	<p>وسیله‌ هدایت‌یابی</p>	

<p>آوردن مثال‌هایی از جانب پروردگار در قرآن (بقره: ۲۶)  دعوت به انجام فرایض الهی (بقره: ۱۸۵)  بصیرت‌آفرینی (اعراف: ۲۰۳؛ قصص: ۴۳)  فراخوانده شدن از سوی خدا برای دستیابی با سعادت و سلامت (یونس: ۲۵)  دادن پند و اندرز از سوی خدا به مردم (یونس: ۵۷)  روشنگری پدیده‌ها و مسائل انسانی به وسیله آیات روشنگر (یوسف: ۱۱۱؛ حج: ۱۶)  یاری انسان از سوی خدا (اسرا: ۹۷)  رهنمون‌های الهی (طه: ۱۲۳)  دادن حکمت از سوی خدا به بندگان در قالب کتاب الهی (لقمان: ۲ و ۳)  اعطای علم الهی به بندگان از سوی خداوند متعال (سبا: ۶)  تبیین آنچه انسان بایستی از آن پرهیز کند (توبه: ۵۱)</p>	<p>روش هدایت‌بخشی</p>	
<p>درک پیام الهی (بقره: ۱۷۰)  طلب خشنودی خدا (مائده: ۱۶)  ترس از پروردگار (اعراف: ۱۵۴)  روی آوردن به خدا (شوری: ۱۳؛ رعد: ۲۷)  توبه به درگاه الهی (رعد: ۲۷)  شکرگزاری از خداوند (نحل: ۱۲۱)  پذیرش هدایت از سوی انسان به شکل داوطلبانه (مریم: ۷۶)  اختیار انسان در هدایت‌پذیری (سجده: ۱۳)  صبوری‌ورزی (سجده: ۲۴)  تسلیم شدن در مقابل خدا (جن: ۱۴)</p>	<p>لوازم و پیش‌نیازهای  هدایت‌پذیری</p>	
<p>پرستش خداوند (بقره: ۲۱)  تدبر در آیات روشنگر الهی (بقره: ۱۸۷)  توجه به نشانه‌های خلقت الهی از جمله شب‌وروز (یونس: ۶)  عمل به آیات و دستورات الهی (بقره: ۶۳)  روزه گرفتن (بقره: ۱۸۳)  پیروی از راه مستقیم (انعام: ۱۵۳)  پیروی از احکام و دستورات و فرامین الهی (اعراف: ۱۷۱)  پاک شدن از گناهان (توبه: ۱۰۸)  صبوری (هود: ۴۹)  پندگیری از مجازات الهی (بقره: ۶۶)  هدایت و پندپذیری از قرآن (آل عمران: ۱۳۸)</p>	<p>روش‌های رسیدن به تقوای  الهی</p>	<p>پرهیزگاری</p>

ایمان به خدا (بقره: ۱۰۳) خردورزی (مائده: ۱۰۰)	پیش‌نیازهای پرهیزگاری	
تقوای الهی پیشه کردن (بقره: ۲۷۸)، رهاسازی ربا (بقره: ۲۷۸)، ترس از خدا (آل عمران: ۱۷۵)، تلاوت و شنیدن آیات خدا (انفال: ۲) جهاد در راه خدا (حجرات: ۱۵)	عوامل تقویت ایمان	ایمان‌مداری
امر به معروف و نهی از منکر (آل عمران: ۱۱۴) کارهای خیر (آل عمران: ۱۱۴) عمل به اندرزهای الهی (نساء: ۶۶) صدقه (نساء: ۱۱۴) اصلاح و آشتی میان مردم (نساء: ۱۱۴)	انواع عمل صالح	عمل صالح
ولایت خداوند بر انسان مکفی است (نساء: ۴۵)	پذیرش ولایت الهی	ولایت‌پذیری الهی
خداوند (بقره: ۱۳۲؛ یوسف: ۱۰۱؛ آل عمران: ۱۰۲)	تنها کسی که بایستی در مقابلش تسلیم شد	تسلیم‌پذیری الهی
نماز خواندن (بقره: ۱۷۷) ایمان (بقره: ۱۷۷) انفاق (آل عمران: ۹۲) پرداخت زکات (بقره: ۱۷۷) وفا به عهد (بقره: ۱۷۷) صبری (بقره: ۱۷۷) راستگویی (بقره: ۱۷۷) پرهیزگاری (بقره: ۱۷۷) عمل طبق فرامین الهی (بقره: ۲۳۹) بخشش و گذشت (مائده: ۱۳)	مصادیق نیکی و نیکوکاری	نیکوکاری
در راه خدا انفاق کردن (بقره: ۱۹۵، حدید: ۱۰) طلب رضایت خداوند متعال (بقره: ۲۶۵ و ۲۳۳) استوار ساختن روح (بقره: ۲۶۵)	شیوه صحیح انفاق	انفاق
کشته شدن در راه خدا (بقره: ۱۵۴؛ آل عمران: ۱۶۹)	شهادت‌طلبی	مقام شهادت

به‌منظور پایایی و اعتباریابی یافته‌ها و نتایج نوشتار، ضریب توافق نمره‌گذاران برای واحدهای تحلیل تخصیص داده شده به مؤلفه‌ها، با بهره‌گیری از پنج تن از صاحب‌نظران صورت گرفت؛ به این صورت که مؤلفه‌های مندرج

در جدول فوق به صاحب‌نظران ارائه و دیدگاه ایشان در مورد هر یک از مقوله‌ها، اخذ و لحاظ گردید. برای تحقق این مهم، پرسش‌نامهٔ دوگویه مبنی بر موافق و مخالف بودن صاحب‌نظران حوزهٔ علوم قرآن و حدیث با مؤلفه‌های حاصل آمده در این پژوهش تنظیم و در اختیار پنج تن از متخصصان قرار داده شد. همچنین در پرسش‌نامهٔ مذکور، مقابل هر مؤلفه، یک ستون مبنی بر ارائهٔ نظرات اصلاحی و پیشنهادی به صورت بازپاسخ طراحی شد. نتایج پرسش‌نامه‌ها گویای توافق حداکثری (۹۸٪) متخصصان با مؤلفه‌های مورد نظر پژوهشگران بود و همچنین پیشنهادها و نکات اصلاحی ایشان در ترمیم و تقویت مؤلفه‌های پژوهش لحاظ گردید.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی و تبیین عوامل اثربخش در دستیابی به آرامش درونی، با تحلیل آیات قرآن کریم به‌عنوان مهم‌ترین منبع زمینه‌ساز تعلیم و تربیت اسلامی، با روش کدگذاری استقرایی داده‌ها بود. در پاسخ به این پرسش اصلی که مؤلفه‌های هویت‌ساز از منظر قرآن کریم کدام‌اند؟ تحلیل و کدگذاری استقرایی داده‌ها نشان داد، مطابق با جدول شماره (۱)، ۱۰ مؤلفه شامل یاد خدا، هدایت‌یابی، پرهیزگاری، ایمان‌مداری، عمل صالح، ولایت‌پذیری الهی، تسلیم‌پذیری الهی، نیکوکاری، انفاق و مقام شهادت تشکیل‌دهندهٔ عوامل اثربخش در دستیابی به آرامش درونی از منظر قرآن کریم هستند که بر اساس مقایسه و تجمیع کد بازها (آیات قرآنی) و کدهای محوری احصا گردید.

چنانچه فراگیران در نظام تعلیم و تربیت و به‌طور کلی هر انسانی در یک جامعهٔ اسلامی بخواهد به آرامش درونی دست یابد، لازم است مؤلفه‌های فوق در وجودشان رشد و تکوین یابد. در ادامه، به بسط و تبیین مؤلفه‌های فوق پرداخته می‌شود.

در خصوص مؤلفهٔ یاد خدا، فرد یاد خدا را از صبحگاهان تا شامگاهان، در مصائب و شادی‌ها و همهٔ امور روزمره از کوچک گرفته تا بزرگ، سرلوحهٔ تمام اعمال خود قرار داده و در مقاطع مختلف از طول شبانه روز، زمانی را به تسبیح و عبادت الهی اختصاص داده و در این کار مداومت به خرج دهند. دایرهٔ بندگی خدا از انجام عبادات روزانه مثل نماز تا خدمت به خلق خدا، پرهیزگاری، نیکوکاری و تقویت بنیان‌های ایمان فردی امتداد دارد که لازم است فرد در این مسیر از هیچ کوششی دریغ نرزد. در این خصوص، خداوند در آیهٔ ۴۱ سورهٔ آل عمران می‌فرماید: «وَأَذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ»؛ پروردگارت را بسیار یاد کن و [او را] شامگاه و بامداد تسبیح گوی.

در تبیین مؤلفهٔ هدایت‌یابی می‌توان اظهار داشت، در خصوص راه‌های پیمودن مسیر هویت‌یابی، شایسته است فرد به تقویت ایمان قلبی و عمیق به خدا اقدام نماید؛ چراکه پذیرش دعوت الهی و ایمان به خدا، راه ورود به مسیر حیات طیبه و پیش‌نیاز سبک زندگی اسلامی است. همهٔ لحظات زندگی همواره به خداوند و کتاب آسمانی متمسک و متوسل گردد و تمام تلاشش را بر نگهداشت خود در مدار الهی در همهٔ شرایط به کار گیرد.

لیستی از پند و اندرزهای الهی برآمده از قرآن و روایات تهیه شده و توسط فرد به کار گرفته شود. داستان‌های عبرت‌آموز مربوط به انبیا و سرگذشت پیشینیان تهیه و مطالعه گردد. فرد بر مدار عمل‌گرایی رفتار نماید؛ بدین معنی که آموزه‌های دینی و قرآنی تنها در حد حرف باقی نمانده و در رفتار و کردار خود نیز نشان دهد؛ به طوری که آنچه از فرد بروز داده می‌شود، مصداق عمل صالح باشد. همچنین حالات ناپسند روحی از جمله تکبر، حسد، ریا، حيله، استهزا و حرص را از خود دور ساخته و مقابل آنها ایستادگی کنند. عامل اوج‌گیری و ارتقای فرد در مسیر انسانیت، پیروی و عمل به فرامین الهی بوده و برعکس عامل سقوط و افول فرد در مسیر انسانیت، عدم پرهیز از نافرمانی الهی است؛ چنان‌که داستان آدم و حوا گویای همین موضوع است که نافرمانی ایشان سبب سقوط و عمل مجدد به فرامین الهی سبب بازگشت به نقطه ابتدایی انسانیت یا همان فطرت پاک برای ایشان گردید. در این خصوص، خداوند در آیه ۲۰ سوره طه می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى»؛ و هرکس از هدایت من [که سبب یاد نمودن از من در همه امور است] روی بگرداند، برای او زندگی تنگ [و سختی] خواهد بود، و روز قیامت او را نابینا محسور می‌کنیم.

در ارتباط با تبیین مؤلفه‌های مربوط به مقوله پرهیزگاری می‌توان گفت از دیدگاه قرآن کریم، یکی از مواردی که بایستی از روی پاکی و اخلاص بدان روی آورد، دین‌داری (اعراف: ۲۹؛ زمر: ۱۱؛ غافر: ۱۴) و خداپرستی (زمر: ۸۹؛ انعام: ۷۹) است. قرآن کریم نشانه‌های دینی که برای خدا خالص شده است را شامل تسلیم خدا بودن (آل عمران: ۸۳ و ۸۵)، حق‌گرایی (نساء: ۱۲۵ و ۱۷۱)، دین‌داری تهی‌شده از هر نوع شرک (یونس: ۱۰۵)، یکپارچه برای خداوند دین‌داری کردن (انفال: ۳۹) و حرکت در صراط مستقیم الهی (انعام: ۱۶۱) می‌داند. منظور از صراط مستقیم در قرآن، مسیر امن، روشن و محکم الهی است که جزئیات آن از طریق پیامبران و کتب الهی در قالب دین به مردم ارائه شده است. راه رسیدن به صراط مستقیم از منظر قرآن شامل پرستش خداوند (آل عمران: ۵۱؛ مریم: ۳۶)، چنگ زدن به کتاب آسمانی (نساء: ۱۷۵)، قرار گرفتن در مدار الهی (انعام: ۱۲۶)، پند گرفتن از آیات الهی (انعام: ۱۲۶)، عدالت‌ورزی (انعام: ۱۵۳)، حق‌گرایی (انعام: ۵۳)، پیروزی از آیین ابراهیمی (انعام: ۱۶۱) و پذیرش دعوت الهی (مؤمنون: ۷۳ و ۷۴)، و مهم‌ترین مانع قرار گرفتن انسان در صراط مستقیم، شیطان (اعراف: ۱۶) می‌باشد. لذا برای در امان ماندن از شر توطئه شیطان در خروج از صراط مستقیم و به تبع آن دستیابی به تقوای الهی، بایستی انسان به خداوند و کتاب آسمانی تمسک جسته، دستورات و فرامین الهی را بدون کم و کاست اجرا نموده، حق‌گرا بوده و همواره رضایت و خواست الهی در انجام امور را ملاک عمل خود قرار داده و از افکار و انجام اموری که منتج به کفر، خشم الهی، استهزاگری بندگان خدا و گمراهی می‌شود، دوری جوید. در این ارتباط پروردگار در آیه ۶ سوره یونس می‌فرماید: «إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ»؛ به یقین در رفت و آمد شب و روز و آنچه را خدا در آسمان‌ها و زمین پدید آورد، برای گروهی که همواره تقوا پیشه‌اند، نشانه‌هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] است.

در خصوص مقوله پیش‌نیازهای پرهیزگاری و مؤلفه تفکر، قرآن کریم مواردی که تفکر در آنها به فرد بصیرت و اندرز می‌دهد را شامل تأمل در آیات و نشانه‌های الهی (بقره: ۷۳؛ آل عمران: ۱۱۸)، نحوه آفرینش آسمان و زمین و چرخش شب و روز (بقره: ۱۶۴؛ آل عمران: ۹۰)، فلسفه هستی (آل عمران: ۱۹۱)، شنوایی و بینایی انسان و سایر نعمات (انعام: ۴۶) و تدبر در قرآن (نساء: ۸۲؛ اسرا: ۱۰۶) می‌داند. همچنین قرآن کریم مواردی که انسان‌ها نسبت بدان جهل دارند و نیاز است با عقل‌ورزی (اعراف: ۱۹۹) جهل خود را نسبت به آنها از بین برده، شامل جهل نسبت به علم (بقره: ۷۷)، توانمندی (بقره: ۱۱۸) و تدبیر الهی (بقره: ۱۴۲) می‌داند. لذا تأمل در مورد خالق هستی یک گذرگاه کلیدی برای دستیابی به تقوای است که بسبار در قرآن کریم بدان اشاره رفته است؛ چنان‌که خداوند در آیه ۱۹۱ سوره آل عمران می‌فرماید: «وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»؛ پیوسته در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند، [و از عمق قلب همراه با زبان می‌گویند: پروردگارا! این [جهان با عظمت] را بیپوده نیافریدی، تو از هر عیب و نقصی منزّه و پاک؛ پس ما را از عذاب آتش نگاهدار.

در خصوص مقوله ابعاد پرهیزگاری و مؤلفه پرهیز از محرّمات، قرآن راه بخشیده شدن فسق و گناهان فرد را شامل پیروی از فرامین الهی (آل عمران: ۳۱)، بر پا داشتن نماز (مائده: ۱۲)، پرداخت زکات (مائده: ۱۲)، پرهیزگاری (مائده: ۶۵)، توبه کردن (اعراف: ۱۵۳) و ایمان به خدا و پیامبران (مائده: ۶۵؛ مائده: ۱۲) می‌داند. لذا در جهت تقویت تقوای الهی، لازم است فرد ابتدا دست از فسق و گناه کشیده و با عمل به فرامین الهی به تقویت ایمان قلبی و پرهیزگاری در خود بپردازد؛ همان‌گونه که خداوند در آیه ۳۱ سوره آل عمران می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد و خداوند آمرزندهٔ مهربان است.

در ارتباط با تبیین مؤلفه‌های مربوط به مقوله مشخصه‌های پرهیزگاران می‌توان گفت قرآن کریم لوازم برپایی نماز خوب را شامل مواظبت بر نماز (بقره: ۲۳۸)، خاشعانه نماز خواندن (بقره: ۲۳۸)، ادای نماز در اوقات مشخص شده (نساء: ۱۰۳) و برای رضای خدا نماز خواندن (انعام: ۱۶۲) می‌داند؛ از این رو برای تقویت تقوای الهی در وجود آدمی، لازم است نماز با مشخصه‌های فوق ادا گردد. در جهت تقویت پرهیزگاری، بایستی فرد صفاتی از جمله صبوری، اهتمام به عمل، عزتمندی، ایمان قلبی را در خود پرورش دهد. در خصوص مؤلفه مغفرت‌طلبی، قرآن کریم از جمله مشمولین آمرزش الهی را مؤمنان (آل عمران: ۱۷) و پرهیزگاران (آل عمران: ۱۳۳) و روش طلب آمرزش را توبه کردن (اعراف: ۱۵۳)، ایمان آوردن به خدا (اعراف: ۱۵۳) و انجام عمل صالح (طه: ۸۲)

می‌داند. زمان مناسب استغفار نیز سحرگاهان (آل عمران: ۱۷) دانسته شده است. خداوند در آیه ۱۶۲ سوره انعام می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ بگو مسلماً نماز و عبادتم و زندگی کردن و مرگم برای خدای پروردگار جهانیان است.

در تبیین مؤلفه ایمان‌مداری، می‌توان گفت بایستی انسان همواره در مدار خواست و اراده و فرامین الهی گام برداشته، به خدا و قیامت ایمان قلبی و درونی داشته، شک و تردید به خدا که ریشه‌اش پندارهای بی‌اساس (نساء: ۱۵۷)، علم ناکافی (نساء: ۱۵۷) و بهانه‌جویی (مائده: ۱۱۳) است را از خود دور نموده و از روی یقین خدا را یاد کند. ترس و تقوای الهی را ملاک عملش قرار داده، از منکراتی مثل خودنمایی و ربا، خود را رها ساخته و از کافران و هر آنچه غیرخداست دوری جوید؛ از این‌رو تمرکز برنامه‌ریزان آموزش دینی بایستی بر ایجاد و تقویت ایمان قلبی در فراگیران باشد. در آیه ۱۵۷ سوره نساء آمده است: «وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا»؛ و کسانی که درباره او اختلاف کردند، نسبت به وضع و حال او در شک هستند، و جز پیروی از گمان و وهم، هیچ آگاهی و علمی به آن ندارند، و یقیناً او را نکشتند.

در تبیین مؤلفه عمل‌گرایی به شیوه الهی، باید گفت عمل انسان نمودی از تشخیص و هویت وی است. درحقیقت تکیه‌گاه تعلیم‌وتربیت اسلامی، عمل است. اسلام انسان را متوجه می‌کند که سرنوشت او را عمل تعیین خواهد کرد. هر عمل نیز در فرایند انجام آن، سه ویژگی دارد: خوب بودن عمل، نیت خالص داشتن و مراقبت از کیفیت عمل؛ یعنی عمل بیش از آنکه به اندازه و مقدار آن مربوط باشد، به کیفیت و چگونگی آن ارتباط دارد (دین‌پرور و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴). انجام اصولی و دقیق امور نشان از قدرت طراحی و برنامه‌ریزی فرد و توان وی در اجرایی کردن و عملیاتی نمودن برنامه‌های طراحی شده است. عمل متفکرانه نیز مؤید این حقیقت است که عمل و کنش انسان مبتنی بر اهداف، معیارها و اصول خاصی است و بدون هدف و بی‌برنامه نیست. بنابراین در تعلیم‌وتربیت اسلامی، عمل‌گرایی با این مشخصات یکی از مؤلفه‌های اساسی هویت است. این مؤلفه هویت با تعریف هویت از منظر مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، از این جهت که هویت حاصل تلاش و توفیق شخص است و آدمی با ایمان و تکوین اراده و تصمیم معطوف به عمل، به تدریج هویتش شکل می‌گیرد، هم‌معناست.

در خصوص مؤلفه انفاق‌گری، قرآن کریم افرادی که انفاق ایشان پذیرفته نمی‌شود را شامل منافقان (توبه: ۵۴) و فاسقان (توبه: ۵۳) برمی‌شمرد. دلیل این امر را نیز آفاتی می‌داند که انفاق را باطل می‌سازد که عبارت‌اند از: منت گذاشتن بر سر انفاق شونده (بقره: ۲۶۲-۲۶۴)، آزار رساندن به انفاق شونده (بقره: ۲۶۲-۲۶۴)، خودنمایی کردن (بقره: ۲۶۴)، انفاق از روی بی‌ایمانی (بقره: ۲۶۴)، انفاق از چیزهای ناپاک (بقره: ۲۶۷)، بخل ورزیدن

(آل عمران: ۱۸۰)، کافر بودن به خدا و پیامبر (توبه: ۵۴)، انفاق از روی کراهت و بی‌میلی (توبه: ۵۴) و ضرر حساب کردن آنچه فرد انفاق می‌کند (توبه: ۹۸). همچنین موانع انفاق کردن را شامل وسوسه شیطان و ترس از فقر و تهیدستی (بقره: ۲۶۸) بیان می‌دارد. از طرفی نیت انفاق به شیوه الهی را در راه خدا انفاق کردن (بقره: ۱۹۵؛ حدید: ۱۰)، طلب رضایت خداوند متعال (بقره: ۲۶۵ و ۲۷۳) و استوار ساختن روح (بقره: ۲۶۵) می‌داند. از این رو در جهت دستیابی به آرامش درونی، لازم است فرد در زمان انفاق کردن، انفاق را یک امر نیک که خداوند آن را مقرر ساخته (بقره: ۱۷۷؛ آل عمران: ۹۲) قلمداد نموده، آفات فوق را از خود دور ساخته، شیطان را از خود رانده و صرفاً با نیت الهی و کسب رضای باری تعالی عمل نماید. خداوند در آیه ۱۰ سوره حدید می‌فرماید:

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَنْفُقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحَسَنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛ و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی‌کنید؟ درحالی که میراث آسمان‌ها و زمین مخصوص خداست [و کسی مالک حقیقی چیزی نیست]. کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق کردند و جهاد نمودند [با دیگران] یکسان نیستند، آنان از جهت درجه از کسانی که پس از فتح [مکه] انفاق کردند و جهاد نمودند، بلندپایه‌ترند، و خدا به هر یک وعده نیکو داده است و خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

وجه شاخص و ممیزه نظام اخلاق دینی بر دین‌مداری، ولایت‌پذیری و خدامحوری استوار است (محمدی، ۱۳۹۰، ص ۷۷-۹۷). انسان موحد با باورمندی به خدای قادر و حکیم و خضوع در برابر فرامین او شکل‌دهنده تشخیص و هویتی خدامحورانه در خود است.

در خصوص مؤلفه تسلیم‌شدگی، قرآن کریم نشانه‌های دینی که برای خدا خالص شده است را شامل تسلیم خدا بودن (آل عمران: ۸۳ و ۸۵)، حق‌گرایی (نساء: ۱۲۵ و ۱۷۱)، دین‌داری تهی‌شده از هر نوع شرک (یونس: ۱۰۵)، یکپارچه برای خداوند دین‌داری کردن (انفال: ۳۹) و حرکت در صراط مستقیم الهی (انعام: ۱۶۱) می‌داند. لذا انسان خود را تمام و کمال به خدا واگذار کرده و با توکل به خدا و از سر اخلاص، هر آنچه در توان دارد در راه رضایت خدا کوشیده و نتیجه را به خدا واگذار نماید تا به آرامش درونی دست یابد. در آیه ۸۳ سوره آل عمران آمده است: «أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»؛ آیا [اهل کتاب پس از این همه دلایل روشن] غیر دین خدا را خواستارند؟ درحالی که هر که در آسمان‌ها و زمین است از روی رغبت یا کراهت در برابر او [و اراده و فرمانش] تسلیم است، و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند.

## منابع

- اصیل، خدیجه و تابان، جعفر (۱۴۰۰). جایگاه و عوامل آرامش در قرآن کریم و عرفان اسلامی. *عرفان اسلامی*، ۱۷(۶۸)، ۳۴۸-۳۲۷.
- حواسی ابدلانی، زهراسادات (۱۳۹۹). آرامش درونی در پرتو تربیت نفس و ارتباط با خالق از دیدگاه قرآن. *اولین همایش قرآن و روان‌شناسی*. دانش‌نهاد، محمد و وکیلی، محمدحسن (۱۴۰۲). بررسی روایی قرآنی نقش سکوت و حوزه‌های سه‌گانه آن در نفی اضطراب و تحصیل آرامش. *اسلام و سلامت*، ۸(۱)، ۳۸-۲۸.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: روزنه.
- دین‌پرور، سیدجمال‌الدین و جمعی از نویسندگان (۱۳۹۴). *دانشنامه نهج البلاغه*. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- شاهنده، آمنه (۱۴۰۰). نقش تربیتی ذکر و یاد خدا جهت دستیابی انسان به آرامش در قرآن و حدیث. *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ۴(۱۴)، ۱۶۵-۱۸۳.
- طاهری خرامه، زهرا (۱۴۰۳). توکل و خودمراقبتی معنوی: راهنمایی برای بهزیستی. *دانش سلامت و دین*، ۱۹(۷۶)، ۸۷.
- عزیزپناه و همکاران (۱۴۰۳). راهکارهای ارتقای سلامت روان از منظر قرآن و روایات. *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، ۱۷(۶۸)، ۴۰۸-۳۹۵.
- عیسی‌زاده، عیسی (۱۳۹۷). راهکارهای رفتاری برای دستیابی به آرامش از منظر قرآن. *قرآن و طب*، ۴(۱)، ۱۲-۵.
- فرجی، یوسف، صادق یوسفی، جعفر و حسین‌زاده، نارنج (۱۴۰۰). راه‌های افزایش آرامش در قرآن و سبک زندگی اسلامی و تأثیر آن بر تربیت فرزندان. *مطالعات قرآنی*، ۱۲(۴۶)، ۴۴۸-۴۲۹.
- محمدی، مسلم (۱۳۹۰). ابعاد هویت‌یابی نظام اخلاقی دین با تأکید بر جنبه‌های کارکردگرایی. *اندیشه نوین دینی*، ۷(۲۷)، ۹۸-۷۷.
- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*. تهران: سپهر.
- منصوری، خلیل (۱۳۹۶). عوامل و موانع آرامش در نگره قرآنی. ۲۳ فروردین مندرج در: [www.samamos.com/?P=1168](http://www.samamos.com/?P=1168).
- هاشمی‌علی‌آبادی، سیداحمد (۱۳۹۴). عوامل آرامش از نگاه قرآن. سایت معارف قرآنی. شماره مطلب: ۳۵۰۲.
- هوشیاری، جعفر و طیب‌حسینی، سیدحمود (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی «اطمینان و سکینه» در قرآن با «آرامش روانی و بهزیستی» در روان‌شناسی. *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۴(۹)، ۱۱۷-۱۳۸.

Maykut. P. and Morehouse, R. (1994). *Beginning Qualitative Research*. London: The Falmer press.

## The Mediating Role of Gratitude in Relation Between Meaning in Life and Psychological Well-Being of Adolescents

Mobina Salimian  / Master of Family Counseling, Alzahra University

M.Salimian7750@gmail.com

Marziye Bahar Rostami / Master of Family Counseling, Alzahra University

Marziye\_bahar@yahoo.com

Simin Hosseinian / Professor, Counseling Department, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Alzahra University

Hosseinian@Alzahra.ac.ir

Received: 2025/07/20 - Accepted: 2025/09/17

### Abstract

This study aimed to investigate the mediating role of gratitude in relation between meaning in life and psychological well-being in adolescents. The research method was descriptive correlational using structural equation modeling and the statistical population was adolescents in Tehran in 1403. The sample size was determined to be 236 people and to collect data, questionnaires of meaning in life, psychological well-being and gratitude were used. The data of this study were analyzed using SPSS and AMOS software. The results showed that gratitude plays a partial mediating role in the relationship between meaning in life and psychological well-being. The structural model also showed that the coefficient of determination was 0.78, which means that meaning in life and gratitude explain 78% of well-being. These findings can also be explained from the perspective of Islamic teachings, because the meaningfulness of life from an Islamic perspective is associated with understanding the purpose of creation and the place of man in the system of existence, and this understanding can provide the basis for deeper gratitude and, as a result, higher psychological well-being.





**Keywords:** Psychological well-being, gratitude, meaning in life, adolescents

## نقش میانجیگری شکرگزاری در رابطه بین معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان

M.Salimian7750@gmail.com

Marziye\_bahar@yahoo.com

Hosseinian@Alzahra.ac.ir

میناسلیمیان  کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه الزهرا مرضیه بهاررستمی / کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه الزهرا سیمین حسینیان / استاد گروه مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهرا 

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش میانجیگری شکرگزاری در رابطه بین معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی در نوجوانان انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی به کمک مدل‌یابی معادلات ساختاری بوده و جامعه آماری، نوجوانان شهر تهران در سال ۱۴۰۳ می‌باشد. حجم نمونه ۲۳۶ نفر تعیین گردید و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌های معنا در زندگی، بهزیستی روان‌شناختی و شکرگزاری استفاده شد. داده‌های این پژوهش از طریق نرم‌افزار SPSS و نرم‌افزار AMOS تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که شکرگزاری نقش میانجی جزئی در رابطه بین معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی دارد. همچنین مدل ساختاری نشان داد که ضریب تعیین  $0/78$  به دست آمده است که بدین معنا است که معنا در زندگی و شکرگزاری ۷۸ درصد بهزیستی را تبیین می‌کنند. این یافته‌ها از منظر آموزه‌های اسلامی نیز قابل تبیین است؛ چراکه معناداری زندگی از منظر اسلامی، با درک هدف خلقت و جایگاه انسان در نظام هستی همراه است و این درک می‌تواند زمینه را برای شکرگزاری عمیق‌تر و در نتیجه بهزیستی روان‌شناختی بالاتر فراهم نماید.

کلیدواژه‌ها: بهزیستی روان‌شناختی، شکرگزاری، معنا در زندگی، نوجوانان.

## مقدمه

دوره نوجوانی یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین مراحل رشد انسان است که با تغییرات گسترده جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی همراه است. این دوره با بحران‌های هویتی، تغییرات خلق‌وخو، تلاش برای استقلال، تغییر در روابط با همسالان و والدین و مواجهه با فشارهای تحصیلی مشخص می‌شود (Steinberg, 2017). پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که نوجوانان در این دوره با مشکلات روان‌شناختی متعددی مانند افسردگی، اضطراب، استرس و احساس بی‌معنایی مواجه می‌شوند (Blakemore & Mills, 2014). آمارها نشان می‌دهد که شیوع اختلالات روانی در دوره نوجوانی حدود ۲۰ درصد است و این اختلالات می‌توانند تأثیرات منفی طولانی مدتی بر زندگی فرد داشته باشند (Kessler & et al, 2012). بنابراین جهت پایه‌گذاری رشد سالم عاطفی، شناختی و اجتماعی افراد در بزرگسالی نیازمند توجه ویژه به سلامت روان آنان در دوران نوجوانی هستیم (Kapadia, 2024). در فرهنگ اسلامی نیز توجه ویژه‌ای به دوره نوجوانی و جوانی شده است. امام علی علیه السلام ضمن نامه مفصلی، نظر و روش عالمانه خود را در طرز تربیت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام جوان نواخته (نوجوان) خویش می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ جز این نیست که دل نوجوان همچون زمین میان تهی است؛ هر چه در آن افشاندن شود، همان را می‌پذیرد. این روایت نشان می‌دهد که دوره نوجوانی، فرصت مهمی برای شکل‌گیری نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های فرد است. بنابراین تقویت معنای زندگی در این دوره می‌تواند تأثیر عمیق و ماندگاری بر سلامت روان فرد داشته باشد.

با توجه به چالش‌های روانی نوجوانان، مفهوم بهزیستی روان‌شناختی به‌عنوان یکی از شاخص‌های مهم سلامت روان، همواره مورد توجه پژوهشگران حوزه روان‌شناسی بوده است. بهزیستی روان‌شناختی یکی از مفاهیم محوری در روان‌شناسی مثبت‌نگر است که بر جنبه‌های مثبت تجربه انسان تمرکز دارد (Margraf & et al, 2024). بهزیستی روان‌شناختی الگویی چندبعدی است که شامل شش بُعد پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و رشد شخصی می‌باشد (Zhang & et al, 2025). به‌عبارت‌دیگر، بهزیستی روان‌شناختی به معنای تلاش برای کمال در جهت تحقق توانایی‌های بالقوه واقعی فرد است (Ryff & Singer, 2008). بهزیستی روان‌شناختی با شاخص‌های مختلف سلامت روان ارتباط دارد. همچنین بهزیستی روان‌شناختی با کاهش نشانه‌های افسردگی و اضطراب و افزایش رضایت از زندگی همراه است (Keyes & Ryff, 2002). از منظر اسلامی، بهزیستی روان‌شناختی نتیجه زندگی منطبق با فطرت الهی انسان و پیروی از دستورات الهی است. قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷)؛ هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم. این «حیات طيبة»

را می‌توان معادل بهزیستی و سلامت روان در نظر گرفت (Joshanloo, 2017). در مطالعه‌ای با عنوان «مفاهیم اسلامی بهزیستی» نشان داده شد که بهزیستی در اسلام مفهومی چندبعدی است که شامل ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی می‌شود (ژیان و ملکی‌ها، ۱۴۰۰). از دیدگاه اسلام، بهزیستی واقعی زمانی حاصل می‌شود که انسان در تمام ابعاد زندگی خود به تعادل برسد و این تعادل را در جهت رضای خداوند و خدمت به خلق او به کار گیرد. پژوهش‌های داخلی نیز ارتباط بین دین‌داری و بهزیستی روان‌شناختی را تأیید کرده‌اند. برای مثال، غباری‌بناب و دیگران (۱۳۸۸) در پژوهشی نشان دادند که بین جهت‌گیری مذهبی درونی و بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین حسینی‌زاده آرانی و کلانتری (۱۳۹۴) در مطالعه خود دریافت که افراد با سطح بالای دین‌داری، از سلامت روان بالاتری برخوردارند. در سال‌های اخیر، نقش عوامل معنوی و مذهبی در ارتقای بهزیستی روان‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است. در این میان، معناداری زندگی و شکرگزاری به‌عنوان دو سازه مهم در روان‌شناسی مثبت‌نگر و آموزه‌های اسلامی شناخته شده‌اند (Khalil, 2016).

مطالعات نشان داده‌اند که معناداری زندگی نقش مهمی در سلامت روان نوجوانان دارد. کروک (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان داد که هدف نهفته در مفهوم معنا در زندگی، در شکل‌گیری بهزیستی نوجوانان نقش اساسی دارد. در ایران نیز، پژوهش هلاکویی و دیگران (۱۳۹۶) نشان داد که معناداری زندگی با بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان رابطه مثبت و با نشانه‌های افسردگی رابطه منفی دارد. معنا در زندگی به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در روان‌شناسی وجودی، به احساس هدفمندی، ارزشمندی و معناداری زندگی اشاره دارد. فرانکل (۱۹۸۴)، بنیان‌گذار لوگوتراپی (معنادرمانی)، معتقد است که جست‌وجوی معنا، نیروی اولیه در زندگی انسان است و افراد زمانی به بهزیستی روان‌شناختی دست می‌یابند که زندگی خود را معنادار بدانند. استگر (۲۰۱۲) معنا در زندگی را به دو بُعد وجود معنا (درک و تجربه معنا در زندگی) و جست‌وجوی معنا (تلاش برای یافتن معنا در زندگی) تقسیم می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که وجود معنا با شاخص‌های مختلف بهزیستی روان‌شناختی مانند رضایت از زندگی، شادکامی و عاطفه مثبت همبستگی مثبت دارد؛ درحالی‌که جست‌وجوی معنا می‌تواند با اضطراب و افسردگی همراه باشد (Park & et al, 2010). معناداری زندگی از مفاهیم محوری در آموزه‌های اسلامی نیز می‌باشد. قرآن کریم هدف خلقت انسان را عبادت و بندگی خداوند معرفی می‌کند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا بپرستند. این هدفمندی زندگی، منبع مهمی برای معناداری زندگی مسلمانان است. در فرهنگ اسلامی، معناداری زندگی با مفاهیمی چون توحید، معاد، نبوت، امامت و عدل (اصول دین) پیوند خورده است. باور به خداوند به‌عنوان خالق هستی، اعتقاد به زندگی پس از مرگ و پاسخگویی به اعمال، پیروی از الگوهای انسانی کامل (پیامبران و امامان) و باور به عدالت الهی،

چارچوبی معنادار برای زندگی فراهم می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۸). امام صادق علیه السلام در تبیین معنای زندگی می‌فرماید: «خَلَقَكُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۲۴۹)؛ خداوند شما را برای بقا آفریده است، نه برای فنا. این روایت اشاره به هدفمندی و جاودانگی انسان دارد که از عناصر اصلی معناداری زندگی است. همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَا خُلِقْتُمْ عَبَثًا وَلَا تَتْرَكُونَ سُدىً» (نهج البلاغه، خطبه ۸۶)؛ شما بی‌هوده آفریده نشده‌اید و به حال خود رها نمی‌شوید. این بیان حضرت، تأکیدی بر هدفمندی خلقت انسان و مسئولیت‌پذیری او در قبال زندگی است. پژوهش‌های داخلی نیز ارتباط بین معناداری زندگی و باورهای دینی را نشان داده‌اند. برای مثال، اکبری و دیگران (۱۴۰۱) در پژوهشی دریافتند که بین جهت‌گیری مذهبی درونی و معنا در زندگی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین ملکی گلندوز و دیگران (۱۴۰۰) در مطالعه خود نشان دادند که آموزش روان‌شناسی مثبت‌گرا با تأکید بر آموزه‌های دینی می‌تواند به افزایش معناداری زندگی منجر شود.

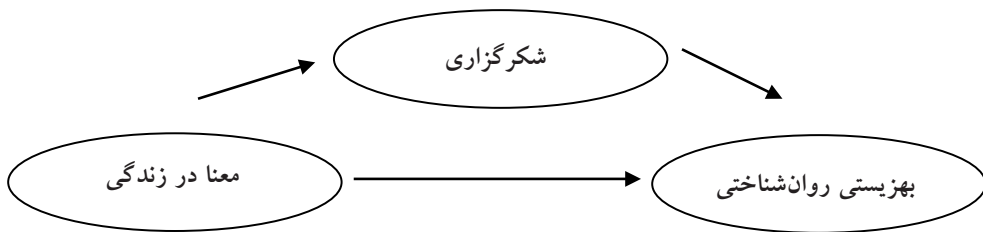
از سوی دیگر، شکرگزاری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم روان‌شناسی مثبت‌نگر، می‌تواند نقش مهمی در کاهش مشکلات روان‌شناختی و ارتقای سطح سلامت روان نوجوانان داشته باشد (Webb & et al, 2024). در روان‌شناسی مثبت‌نگر، شکرگزاری به‌عنوان یک هیجان مثبت، یک ویژگی شخصیتی و یک فضیلت اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است که می‌تواند به افزایش کیفیت زندگی و سلامت روانی افراد کمک کند (Man & Jing, 2025). امونس و مک‌کالو (۲۰۰۴) شکرگزاری را به‌عنوان «یک حالت شناختی - عاطفی مثبت که با درک این مسئله همراه است که فرد منفعتی دریافت کرده است و این منفعت، به‌طور کامل یا جزئی، به دلیل اقدامات فرد دیگری است»، تعریف می‌کنند. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که شکرگزاری با شاخص‌های مختلف بهزیستی روان‌شناختی مانند شادکامی، رضایت از زندگی، امیدواری، عاطفه مثبت، معناداری زندگی و کیفیت روابط بین‌فردی همبستگی مثبت دارد (Wood & et al, 2010). همچنین شکرگزاری با کاهش نشانه‌های افسردگی، اضطراب و استرس همراه است (Lambert & et al, 2012). همچنین در مطالعه‌ای تجربی نشان داده شد که مداخلات مبتنی بر شکرگزاری می‌تواند به بهبود خلق، افزایش خوش‌بینی و کاهش استرس در نوجوانان کمک کند (Watkins & et al, 2015). شکرگزاری (شکر) در فرهنگ اسلامی، مفهومی فراتر از تشکر لفظی است و به معنای قدردانی قلبی، زبانی و عملی از نعمت‌های الهی است (قدردان قراملکی، ۱۴۰۴). راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن، شکر را به معنای «تصور نعمت و اظهار آن» دانسته است. علامه طباطبائی نیز در تفسیر المیزان، شکر را به معنای «به‌کار بردن نعمت در جایی که به خاطر آن، نعمت داده شده است»، تعریف می‌کند. بنابراین شکرگزاری در اسلام دارای سه بُعد قلبی (شناخت و تصدیق نعمت)، زبانی (ذکر و ستایش معمم) و عملی (به‌کارگیری نعمت در مسیر درست) است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱). قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به شکرگزاری دعوت می‌کند:

«وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنتُمْ لِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» (نحل: ۱۱۴)؛ و نعمت خدا را شکر گذارید اگر تنها او را می‌پرستید. همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم: ۷)؛ اگر سپاسگزاری کنید، [نعمت خود را] بر شما خواهم افزود. ایزوتسو، اسلام‌شناس برجسته ژاپنی، در تحلیل مفهوم شکر در قرآن کریم می‌نویسد: «یکی از ویژگی‌های اصلی ایمان در اسلام، شکرگزاری است و کفر (به معنای ناسپاسی) در مقابل شکر (سپاسگزاری) قرار می‌گیرد». او معتقد است که «قرآن کریم همواره بر عمل خالصانه و رایگان خداوند در اعطای نعمت‌ها به انسان تأکید می‌کند و در مقابل، انسان وظیفه دارد برای این فضل و نیکی شکرگزار باشد» (Lombard, 2021). در آموزه‌های اسلامی، شکرگزاری با سلامت روان و آرامش درونی ارتباط نزدیکی دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى وَالصَّبْرُ زِينَةُ الْفَقْرِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۱۸۷۵)؛ شکرگزاری، زینت توانگری و صبر، زینت تنگدستی است. این حدیث شریف نشان می‌دهد که شکرگزاری نه تنها یک وظیفه اخلاقی، بلکه عاملی برای زیبایی و معناداری زندگی است. در آموزه‌های اسلامی، بین شکرگزاری و معناداری زندگی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجاده می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنَّ أَحَدًا لَا يَبْلُغُ مِنْ شُكْرِكَ غَايَةً إِلَّا حَصَلَ عَلَيْهِ مِنْ إِحْسَانِكَ مَا يَلْزِمُهُ شُكْرًا» (صحیفه سجاده، دعای ۳۷)؛ خدایا! هیچ‌کس به نهایت شکرگزاری تو نمی‌رسد، مگر اینکه از احسان تو چیزی به او می‌رسد که او را به شکر دیگری وامی‌دارد. این روایت نشان می‌دهد که شکرگزاری، فرایندی مداوم و پویا در زندگی مؤمن است که به زندگی او معنا و جهت می‌بخشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْكَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۵۵۸۱)؛ شکر هر نعمتی، پرهیز از آن چیزی است که خداوند بر تو حرام کرده است. این حدیث شریف نشان می‌دهد که شکرگزاری واقعی با عمل به دستورات الهی و زندگی هدفمند و معنادار همراه است. پژوهش‌های داخلی نیز ارتباط بین شکرگزاری و شاخص‌های سلامت روان را تأیید کرده‌اند. برای مثال، هوشمند کنگ سلفی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی نشان دادند که بین شکرگزاری و بهزیستی روان‌شناختی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین اصفهانیان و دیگران (۱۳۹۵) در مطالعه خود دریافتند که آموزش شکرگزاری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌تواند به کاهش نشانه‌های افسردگی و افزایش رضایت از زندگی منجر شود.

به‌طور کلی پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که هم معناداری زندگی و هم شکرگزاری با بهزیستی روان‌شناختی ارتباط مثبت دارند. استگر و فرازیر (۲۰۰۵) در مطالعه خود دریافتند که معناداری زندگی با شاخص‌های مختلف بهزیستی روان‌شناختی مانند رضایت از زندگی، شادکامی و عاطفه مثبت همبستگی مثبت دارد. همچنین وود و دیگران (۲۰۱۰) در فراتحلیلی نشان دادند که شکرگزاری با طیف گسترده‌ای از شاخص‌های بهزیستی روان‌شناختی همبستگی مثبت دارد. در پژوهش‌های داخلی، قاسمی جوبنه و دیگران (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای نشان دادند که

شکرگزاری می‌تواند نقش میانجی در رابطه بین دین‌داری و شادکامی داشته باشد. اما آنچه کمتر مورد بررسی قرار گرفته، نقش میانجی‌گری شکرگزاری در رابطه بین معناداری زندگی و بهزیستی روان‌شناختی است، به‌ویژه از منظر آموزه‌های اسلامی. مطالعه کاشدان و دیگران (۲۰۰۶) نشان داد که شکرگزاری می‌تواند به‌عنوان یک متغیر میانجی در رابطه بین برخی ویژگی‌های شخصیتی و بهزیستی روان‌شناختی عمل کند. همچنین لامبرت و دیگران (۲۰۰۹) در پژوهشی دریافتند که شکرگزاری می‌تواند رابطه بین معنویت و بهزیستی روان‌شناختی را میانجی‌گری کند. با توجه به اهمیت این موضوع در فرهنگ اسلامی و کمبود پژوهش‌های تجربی در این زمینه و در قشر نوجوان جامعه، این مطالعه به بررسی نقش میانجی‌گری شکرگزاری در رابطه بین معناداری زندگی و بهزیستی روان‌شناختی می‌پردازد. فرضیه اصلی پژوهش این است که شکرگزاری رابطه بین معناداری زندگی و بهزیستی روان‌شناختی را میانجی‌گری می‌کند.

شکل ۱: مدل مفروض پژوهش



### روش پژوهش

از آنجایی که هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین معناداری زندگی و بهزیستی روان‌شناختی با میانجی‌گری شکرگزاری می‌باشد، لذا این پژوهش از نظر هدف جز تحقیقات بنیادی محسوب می‌شود و از نظر رویکرد در دسته پژوهش‌های کمی قرار می‌گیرد که توصیفی و از نوع همبستگی بوده و با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش، نوجوانان ۱۲-۲۳ ساله شهر تهران در سال ۱۴۰۳ می‌باشد که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۲۳۶ نفر (۱۱۸ دختر و ۱۱۸ پسر) با میانگین سنی ۱۶/۱۷ سال انتخاب شدند، و منطبق نمونه‌گیری بر اساس نظر کلاین در نظر گرفته شده که حجم نمونه ۲۰۰ یا بیشتر معمولاً برای مدل معادلات ساختاری کافی است (Kline, 2015). ملاک‌های ورود به پژوهش شامل قرار داشتن در محدوده سنی مذکور، رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش و توانایی تکمیل پرسش‌نامه‌ها بود. ملاک‌های خروج نیز شامل عدم تمایل به ادامه همکاری و تکمیل ناقص پرسش‌نامه‌ها بود.

## ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه معنا در زندگی: این پرسش‌نامه برای سنجش میزان معناداری زندگی افراد استفاده شد. این ابزار بر اساس نظریه معنا در زندگی استگر (۲۰۰۶) طراحی شده و شامل ۱۰ گویه است که دو بُعد که وجود معنا در زندگی و نیز جست‌وجو برای یافتن معنا را ارزیابی می‌کنند. پاسخ‌ها در طیف لیکرت هفت درجه‌ای از کاملاً نادرست (۱) تا کاملاً درست (۷) قرار دارند.

روایی و پایایی: استگر و دیگران (۲۰۰۶) ضریب آلفای کرونباخ  $0/۸۶$  برای زیرمقیاس‌های وجود معنا در زندگی و  $0/۸۸$  برای زیرمقیاس جست‌وجو برای یافتن معنا در زندگی گزارش کرده‌اند. همچنین پایایی آزمون و بازآزمون این مقیاس در ایران با دو هفته فاصله برای زیرمقیاس‌های معنا  $0/۸۴$  و برای زیرمقیاس جست‌جوی معنا  $0/۷۴$  به‌دست آمد (اشتاد، ۱۳۸۸)، و در پژوهش حاضر، پایایی این ابزار با روش آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس‌های معنا  $0/۷۵$  و برای زیرمقیاس جست‌وجوی معنا  $0/۷۸$  محاسبه شد.

پرسش‌نامه بهزیستی روان‌شناختی: این پرسش‌نامه بر اساس الگوی بهزیستی روان‌شناختی ریف (۱۹۸۹) طراحی شده و این پرسش‌نامه ۱۸ سؤال داشته و هدف آن ارزیابی و بررسی بهزیستی روان‌شناختی از ابعاد مختلف (استقلال، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی، پذیرش خود) می‌باشد. طیف نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت شش گزینه‌ای می‌باشد.

روایی و پایایی: در پژوهش خانجانی و همکاران (۱۳۹۳) نتایج تحلیل عاملی تأییدی تک گروهی نشان داد که در کل نمونه و در دو جنس، الگوی شش عاملی این مقیاس (پذیرش خود، تسلط محیطی، رابطه مثبت با دیگران، داشتن هدف در زندگی، رشد شخصی و استقلال) از برازش خوبی برخوردار است. همسانی درونی این مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ در شش عامل پذیرش خود، تسلط محیطی، رابطه مثبت با دیگران، داشتن هدف در زندگی، رشد شخصی و استقلال به ترتیب برابر با  $0/۵۱$ ،  $0/۷۶$ ،  $0/۷۵$ ،  $0/۵۲$ ،  $0/۷۳$ ،  $0/۷۲$  و برای کل مقیاس  $0/۷۱$  به‌دست آمد. در پژوهش حاضر، پایایی این ابزار با روش آلفای کرونباخ  $0/۸۸$  به‌دست آمد.

پرسش‌نامه شکرگزاری: پرسش‌نامه شکرگزاری توسط گودرزی و دیگران (۱۳۹۳) ساخته شد که شامل ۲۶ گویه و سه مؤلفه شکرگزاری اخلاقی (گویه‌های ۱ الی ۹)، شکرگزاری درونی (گویه‌های ۱۰ الی ۲۰) و شکرگزاری افعالی (گویه‌های ۲۱ الی ۲۶) را شامل می‌شود. مقیاس اندازه‌گیری گویه‌ها بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت بود که از «خیلی کم» (یک) تا «خیلی زیاد» (پنج) نمره‌گذاری می‌شود.

روایی و پایایی: در پژوهش گودرزی و دیگران (۱۳۹۳) ضرایب آلفای کرونباخ مؤلفه‌های شکرگزاری اخلاقی  $0/۸۴$ ، شکرگزاری درونی  $0/۸۰$ ، شکرگزاری افعالی  $0/۷۸$  و کل مقیاس  $0/۸۷$  به‌دست آمد. همچنین روایی صوری و سازه

پرسش‌نامه نیز مطلوب گزارش گردید. در پژوهش حاضر، پایایی این ابزار با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به‌دست آمد. پس از کسب مجوزهای لازم و هماهنگی با مدیران مدارس، پژوهشگر به محیط پژوهش مراجعه کرده و پس از توضیح اهداف پژوهش و کسب رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان، پرسش‌نامه‌ها را در اختیار آنها قرار داد. به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنها محرمانه باقی خواهد ماند و نتایج به‌صورت گروهی تحلیل خواهد شد. پرسش‌نامه‌ها به‌صورت فردی و در حضور پژوهشگر تکمیل شدند تا در صورت وجود ابهام، توضیحات لازم ارائه شود. جهت تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS استفاده شد. ابتدا شاخص‌های توصیفی متغیرها محاسبه شد و سپس پیش‌فرض‌های تحلیل مانند نرمال بودن توزیع داده‌ها و عدم وجود داده‌های پرت مورد بررسی قرار گرفت، در ادامه، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد دو مرحله‌ای استفاده شد.

### یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از بررسی شاخص‌های آمار توصیفی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد از میان ۲۳۶ نفر شرکت‌کننده در این پژوهش ۱۱۸ دختر (۵۰ درصد) و ۱۱۸ پسر (۵۰ درصد) با دامنه سنی ۱۲-۲۳ ساله و میانگین سنی (۱۶/۱۷) و انحراف معیار (۲/۵۰) بودند.

میانگین، انحراف استاندارد و شاخص‌های کجی و کشیدگی هریک از متغیرهای مربوط به ابزارهای پژوهش در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی و همبستگی ابزارهای پژوهش

متغیر	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
بهزیستی روان‌شناختی	۵۱	۱۰۸	۷۷/۳۵	۱۱/۵۹	-۰/۱۱۰	-۰/۵۹۸
پذیرش خود	۳	۱۸	۱۲/۱۰	۲/۴۶	-۰/۰۹۳	-۰/۷۵۴
هدفمندی در زندگی	۴	۱۸	۱۱/۰۹	۲/۹۸	-۰/۰۸۳	-۰/۴۷۷
رشد شخصی	۵	۱۸	۱۲/۶۹	۲/۵۲	-۰/۱۱۴	-۰/۴۲۱
ارتباط مثبت با دیگران	۴	۱۸	۱۰/۶۱	۳/۲۴	-۰/۳۴۶	-۰/۴۳۲
استقلال	۵	۱۸	۱۳/۳۷	۲/۶۵	-۰/۳۶۸	-۰/۲۳۹
تسلط بر محیط	۵	۱۸	۱۲/۳۰	۲/۴۱	-۰/۰۷۴	-۰/۵۹۰
معنا در زندگی	۲۶	۶۷	۵۳/۱۰	۹/۸۷	-۰/۳۰۶	-۰/۴۴۴

وجود معنا	۵	۳۵	۲۷/۰۸	۵/۵۱	-۰/۶۲۳	-۰/۴۷۵
جست‌وجوی برای معنا	۹	۳۵	۲۳/۸۶	۴/۰۶	-۰/۳۴۷	-۰/۴۴۶
شکرگزاری	۵۰	۱۲۲	۸۹/۷۰	۱۳/۵۳	-۰/۰۶۹	-۰/۲۵۳
شکرگزاری اخلاقی	۱۵	۴۵	۳۵/۷۳	۵/۷۲	-۰/۷۰۶	-۰/۴۵۰
شکرگزاری درونی	۱۴	۵۲	۳۲/۶۵	۸/۱۲	-۰/۰۰۹	-۰/۷۸۶
شکرگزاری افعالی	۹	۳۰	۲۰/۶۱	۴/۲۱	-۰/۰۳۱	-۰/۱۴۹

پس از بررسی مشخص شد سه شرط مقدماتی شروع تحلیل داده‌ها برقرار است:

۱. در بررسی داده‌های پژوهش مشخص شد که هیچ داده‌ای از دست‌رفته‌ای در این مطالعه وجود ندارد؛
۲. در نرم‌افزار اموس از شاخص ماهالانوبیس جهت شناسایی داده پرت استفاده شد که در بررسی داده‌ها مشخص شد که یک داده پرت در مجموعه داده‌ها وجود داشت و حذف شد (حجم نمونه نهایی = ۲۳۵ نفر)؛
۳. مقادیر کجی داده‌ها بین  $\pm ۲$  و مقادیر کشیدگی بین  $\pm ۳$  قرار دارد که حاکی از بهنجار بودن توزیع داده‌های پژوهش است (Tabachnick & Fidell, 2014).

جدول ۲: همبستگی دوگانه بین متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳
بهبودی روان‌شناختی	۱		
معنا در زندگی	*۶۴	۱	
شکرگزاری	**۶۷	**۴۹	۱

\*\* معناداری در سطح ۰.۰۱ و \* معناداری در سطح ۰.۰۵.

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، بین معنا در زندگی و شکرگزاری و بهبودی روان‌شناختی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش معناداری زندگی و شکرگزاری با افزایش بهبودی روان‌شناختی همراه است. همچنین همبستگی بین داده‌های پژوهش در جدول (۲) نشان می‌دهد که جهت روابط بین متغیرها طبق پیشینه است؛ مانند رابطه مستقیم معنا در زندگی و بهبودی روان‌شناختی (۰/۶۴) و بهبودی روان‌شناختی و شکرگزاری (۰/۶۷).

در قسمت بعدی تحلیل برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی فرضیه‌های تحقیق از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده می‌گردد.

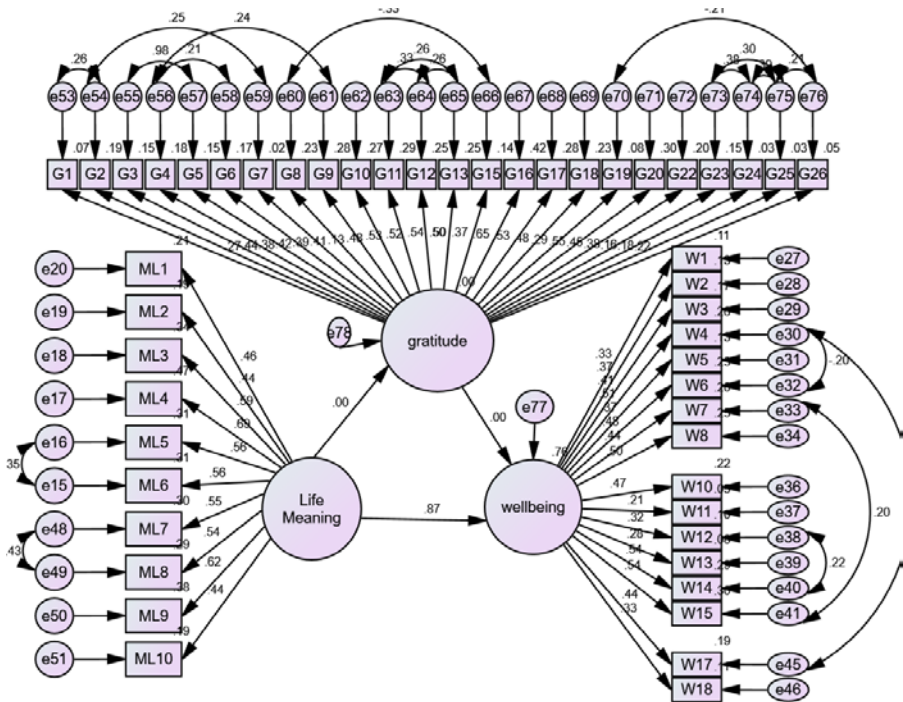
در این مطالعه با استفاده از رویکرد دو مرحله‌ای ابتدا صحت مدل‌های اندازه‌گیری به روش تحلیل عاملی تأییدی (CFA) بررسی و سپس با استفاده از مدل معادلات ساختاری (SEM)، نقش میانجیگری شکرگزاری

در رابطه بین معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی مورد آزمون قرار گرفت. ابتدا ارزیابی بارهای عاملی متغیرهای پژوهش نشان داد که مقادیر بارهای عاملی گویه‌های ۱۴ و ۲۱ متغیر شکرگزاری، گویه ۹ و ۱۶ بهزیستی روان‌شناختی کمتر از ۰/۳ بودند و از تحلیل خارج شدند (Kline, 2015).

نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که مدل اندازه‌گیری از برازش مناسبی برخوردار است که نشان‌دهنده روایی هم‌گرای مناسب ابزارهای پژوهش است.

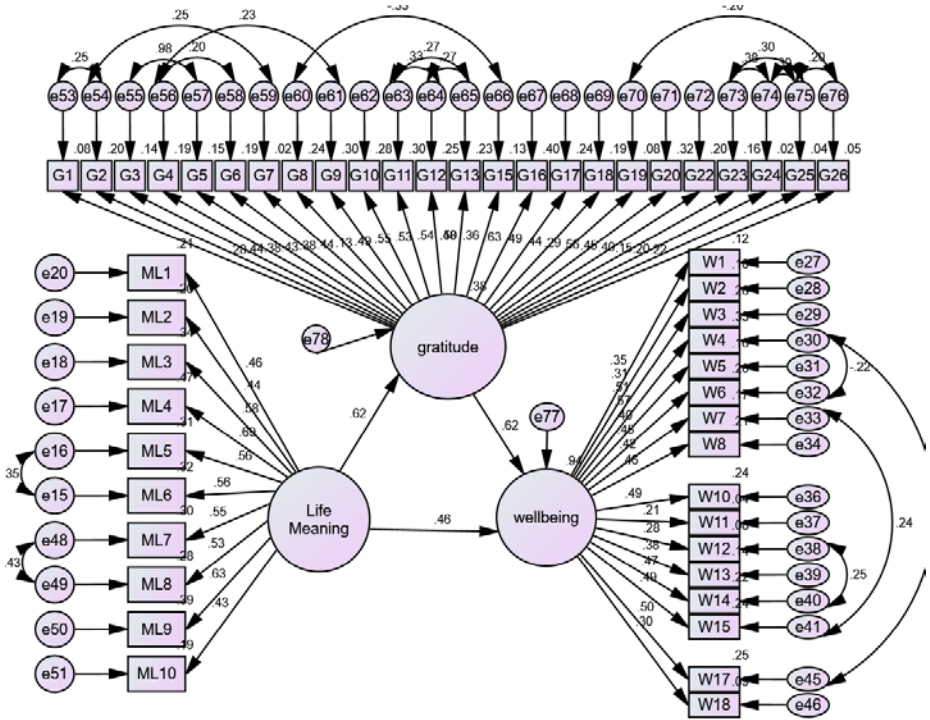
بررسی مدل میانجی‌گری و نوع متغیر میانجی به روش بارون و کنی انجام شد. در این مطالعه مدل میانجی که در آن معنا در زندگی (متغیر پیش‌بین) و متغیر بهزیستی روان‌شناختی (متغیر ملاک) و متغیر شکرگزاری (متغیر میانجی) است، ابتدا مسیر مستقیم بین معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی بدون حضور متغیر میانجی بررسی می‌شود.

شکل ۱: مدل مستقیم بدون حضور متغیر میانجی



شکل (۲) نشان می‌دهد که رابطه بین معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی بدون حضور متغیر میانجی معنادار شده است ( $\beta=0/87, P<0/05$ ). حال به بررسی ضریب مسیر مستقیم بین متغیرهای معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی با حضور متغیر میانجی پرداخته می‌شود:

شکل ۲: مدل میانجی کامل



همان‌طور که در شکل (۳) مشاهده می‌کنید مسیر بین معنا در زندگی و شکرگزاری ( $\beta=0/62, P<0/05$ )، شکرگزاری و بهزیستی روان‌شناختی ( $\beta=0/62, P<0/05$ ) و معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی ( $\beta=0/46, P<0/05$ ) معنادار شده است و لذا نقش میانجیگری شکرگزاری در رابطه بین معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی تأیید شد. مدل ساختاری نشان داد که ضریب تعیین  $0/78$  به‌دست آمده است که بدین معناست که معنا در زندگی و شکرگزاری  $78$  درصد بهزیستی را تبیین می‌کنند. جهت بررسی نوع متغیر میانجی به بررسی مسیر مستقیم بین معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی در حضور و عدم حضور متغیر میانجی پرداخته می‌شود. مقایسه شکل ۲ و ۳ نشان می‌دهد ضریب مسیر مستقیم در مدل میانجی کامل کاهش یافته است و با توجه به روش بارون و کنی اگر رابطه متغیر مستقل با وابسته بدون حضور متغیر میانجی معنادار باشد و این رابطه در حضور متغیر میانجی هم معنادار باشد، اما حداقل  $10$  درصد ضریب مسیر کاهش یابد، می‌توان عنوان کرد که متغیر میانجی جزئی است.

جدول ۳: شاخص‌های برازش مدل

شاخص	CMIN/DF	GFI	P	RMSEA
مقدار به‌دست‌آمده	۱/۹۸	۰/۹	۰/۰۰۰	۰/۰۶
مقدار قابل قبول	۵ >	۰/۹ <	۰/۰۵ <	۰/۰۳ > ۰/۰۸

یک بخش مهم در فرایند مدل‌سازی، ارزیابی برازش مدل است. در صورتی که حداقل ۳ شاخص از شاخص‌های برازش، دارای شرایط ملاک قابل قبول باشند، می‌توان قضاوت کرد که مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است. شاخص‌های برازشی که در تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته‌اند به شرح ذیل می‌باشند: کای اسکوئر هنجار شده (CMIN/DF) (Normalized Chi-square) که مقدار کمتر از ۵ قابل قبول است و شاخص نیکویی برازش (GFI) (Goodness of Fit Index)، محدوده این شاخص بین صفر و یک است که مقدار بالای ۰/۹ قابل قبول است و مهم‌ترین شاخص برازش ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) (Root Mean Squared Error of Approximation) که مقدار قابل قبول این شاخص بین ۰/۰۳ و ۰/۰۸ قرار دارد (Kline, 2015).

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که ۳ شاخص شرایط قابل قبول را دارند و برازش مدل میانجی‌گری شکرگزاری تأیید شد.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی نقش میانجی‌گری شکرگزاری در رابطه بین معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان با رویکرد اسلامی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که شکرگزاری نقش میانجی جزئی در رابطه بین معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی دارد. این یافته‌ها نیز با آموزه‌های اسلامی درباره شکرگزاری و تأثیر آن بر زندگی انسان همخوانی دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که معنا در زندگی با بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان رابطه مثبت و معناداری دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های امونس و مک‌کالو (۲۰۰۴)، فروه و دیگران (۲۰۰۹)، واتکینز و دیگران (۲۰۱۵)، دائولای (۲۰۲۲) و پسندیده و دیگران (۱۳۹۹) همسو است. فروه و دیگران (۲۰۰۹) در مطالعه خود بر روی نوجوانان دریافتند که معناداری زندگی می‌تواند به‌عنوان یک عامل محافظت‌کننده در برابر مشکلات روان‌شناختی عمل کند و با بهزیستی روان‌شناختی بالاتر همراه است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که معنا در زندگی به نوجوانان کمک می‌کند تا هدف و جهت مشخصی در زندگی داشته باشند. این هدفمندی به آنها انگیزه می‌دهد تا برای رسیدن به اهداف خود تلاش کنند و در برابر مشکلات و سختی‌های زندگی مقاومت بیشتری داشته باشند. دوره نوجوانی دوره‌ای است که فرد با سؤالات اساسی درباره هویت، ارزش‌ها و معنای زندگی مواجه می‌شود (دادستان، ۱۳۸۵). داشتن پاسخ‌های مناسب برای این سؤالات می‌تواند به کاهش سردرگمی و افزایش بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان منجر شود.

از منظر اسلامی، معنا در زندگی با باور به خداوند و هدف خلقت انسان پیوند خورده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)؛ و جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا بپرستند. این آیه نشان می‌دهد که هدف اصلی خلقت انسان، عبادت و بندگی خداوند است. این هدفمندی به زندگی انسان معنا می‌بخشد و به او کمک می‌کند تا در مسیر زندگی خود جهت مشخصی داشته باشد. برای نوجوانان، درک این هدف متعالی می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب معنایی قوی عمل کند و به آنها در مواجهه با چالش‌های این دوره کمک نماید.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که شکرگزاری با بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان رابطه مثبت و معناداری دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های امونس و مک‌کالو (۲۰۰۴)، فروه و دیگران (۲۰۰۹)، واتکینز و دیگران (۲۰۱۵)، دائولای (۲۰۲۲) و پسندیده و دیگران (۱۳۹۹) همسو است. فروه و دیگران (۲۰۰۹) در مطالعه خود بر روی کودکان و نوجوانان دریافتند که مداخلات مبتنی بر شکرگزاری می‌تواند به افزایش عاطفه مثبت و بهبود بهزیستی روان‌شناختی منجر شود.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که شکرگزاری به نوجوانان کمک می‌کند تا بر جنبه‌های مثبت زندگی خود تمرکز کنند و نعمت‌هایی را که دارند، قدر بدانند. این نگرش مثبت می‌تواند به افزایش رضایت از زندگی و بهزیستی روان‌شناختی منجر شود (پسندیده و دیگران، ۱۳۹۹). دوره نوجوانی اغلب با تمرکز بر کمبودها، مقایسه خود با همسالان و نارضایتی از وضعیت موجود همراه است. شکرگزاری می‌تواند این الگوی فکری منفی را تغییر دهد و به نوجوانان کمک کند تا دیدگاه متعادل‌تری نسبت به زندگی خود داشته باشند.

از منظر اسلامی، شکرگزاری یکی از مهم‌ترین عبادات و وظایف انسان در برابر خداوند است. قرآن کریم می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» (ابراهیم: ۷)؛ اگر سپاسگزاری کنید، [نعمت خود را] بر شما خواهیم افزود. این آیه نشان می‌دهد که شکرگزاری می‌تواند به افزایش نعمت‌های الهی منجر شود. این افزایش نعمت می‌تواند شامل نعمت‌های مادی و معنوی مانند آرامش روانی و بهزیستی باشد. برای نوجوانان، پرورش حس شکرگزاری می‌تواند به‌عنوان یک مهارت مقابله‌ای مؤثر در برابر استرس‌ها و چالش‌های این دوره عمل کند.

یافته اصلی این پژوهش نشان داد که شکرگزاری نقش میانجی جزئی در رابطه بین معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های کاشدان و دیگران (۲۰۰۶)، لامبرت و دیگران (۲۰۰۹) های کیزوسکا و گاربا (۲۰۲۲)، داتو و متئو (۲۰۱۵)، دیسایتو و دیگران (۲۰۱۷)، ژائو و دیگران (۲۰۲۳)، چن و دیگران (۲۰۲۴)، قاسمی جوینه و دیگران (۱۳۹۵) و کاس‌پور و زارغان (۱۴۰۳) همسو است. کاشدان و دیگران (۲۰۰۶) نشان دادند که شکرگزاری می‌تواند به‌عنوان یک متغیر میانجی در رابطه بین برخی ویژگی‌های شخصیتی و بهزیستی روان‌شناختی عمل کند. لامبرت و دیگران (۲۰۰۹) نیز دریافتند که شکرگزاری می‌تواند رابطه بین معنویت و بهزیستی روان‌شناختی را میانجیگری کند.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که معنا در زندگی به نوجوانان کمک می‌کند تا نگرش مثبت‌تری نسبت به زندگی داشته باشند و نعمت‌های موجود در زندگی خود را بهتر تشخیص دهند. این تشخیص و درک نعمت‌ها، زمینه را برای شکرگزاری فراهم می‌کند. از سوی دیگر، شکرگزاری با تمرکز بر جنبه‌های مثبت زندگی و قدردانی از آنها، به افزایش رضایت از زندگی و بهزیستی روان‌شناختی منجر می‌شود (Tahir, 2024). بنابراین معنا در زندگی از طریق افزایش شکرگزاری، به بهبود بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان کمک می‌کند.

همچنین این یافته‌ها با توجه به ویژگی‌های دوره نوجوانی قابل تبیین است؛ نوجوانی دوره‌ای است که فرد با چالش‌های هویتی و معنایی مواجه می‌شود. نوجوانانی که موفق می‌شوند معنا و هدف مشخصی برای زندگی خود بیابند، احتمالاً بیشتر قادر به تشخیص و قدردانی از جنبه‌های مثبت زندگی خود هستند. این شکرگزاری به نوبه خود می‌تواند به کاهش احساس پوچی، افسردگی و اضطراب که از مشکلات شایع در این دوره است، کمک کند.

### کاربردهای عملی و محدودیت‌ها و پیشنهادات پژوهش

یافته‌های این پژوهش می‌تواند کاربردهای عملی مهمی در حوزه مشاوره و روان‌درمانی نوجوانان با رویکرد اسلامی داشته باشد. مشاوران و روان‌درمانگران می‌توانند با استفاده از آموزه‌های اسلامی درباره شکرگزاری، به نوجوانان کمک کنند تا با تقویت حس شکرگزاری، معناداری بیشتری در زندگی خود احساس کنند و به بهزیستی روان‌شناختی بالاتری دست یابند. برای این منظور، می‌توان از تمرین‌های شکرگزاری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی استفاده کرد. به‌عنوان مثال، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ» (کلینی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۹۹)؛ کسی که از مردم سپاسگزاری نکند، از خداوند نیز سپاسگزاری نکرده است. بر اساس این حدیث شریف، می‌توان تمرین قدردانی از دیگران را به‌عنوان گامی در جهت تقویت شکرگزاری نسبت به خداوند در نظر گرفت. به‌عنوان مثال، یکی از تمرین‌های مؤثر برای نوجوانان، نگارش روزانه نعمت‌هاست. در این تمرین، از نوجوانان خواسته می‌شود هر روز سه تا پنج نعمتی را که در آن روز دریافت کرده‌اند، یادداشت کنند و برای هر کدام خداوند را شکر کنند. این تمرین می‌تواند به تغییر توجه نوجوانان از کمبودها به داشته‌ها کمک کند و حس شکرگزاری را در آنها تقویت نماید. همچنین این پژوهش با محدودیت‌هایی نظیر دامنه سنی گسترده، ماهیت مقطعی، اتکای به ابزارهای خودگزارشی، عدم کنترل متغیرهای مداخله‌گر، بررسی کلی شکرگزاری، روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و نادیده گرفتن تفاوت‌های جنسیتی مواجه است که باید در تفسیر نتایج مد نظر قرار گیرد. همین‌طور با توجه به محدودیت‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده با رویکرد طولی، روش‌های ترکیبی، بررسی انواع شکرگزاری، نقش‌های تعدیل‌گر و میانجی، و تأثیر عوامل فرهنگی، خانوادگی و مداخلات مبتنی بر آموزه‌های دینی، به فهم عمیق‌تری از رابطه شکرگزاری و بهزیستی روان‌شناختی نوجوانان دست یابند.

## منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

صحیفه سجادیه.

- اشتاد، الهام (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی گروه درمانی شناختی بر بهزیستی ذهنی دانشجویان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی. انستیتو روان‌پزشکی تهران.
- اصفهانیان، محمود، گلزاری، محمود و براتی سده، فرید (۱۳۹۵). تدوین برنامه آموزشی شکر مبتنی بر مفهوم شکر اسلامی و بررسی کارآمدی آن در رضایت از زندگی. پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی، ۲(۲)، ۱۰۰-۱۳۳.
- اکبری طارمی، سمانه، فیاض، فاطمه و شهرابی فراهانی، سارا (۱۴۰۱). اضطراب کرونا؛ نقش معنای زندگی و جهت‌گیری مذهبی. پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت، ۸(۳)، ۲۱-۴۰.
- پسندیده، عباس، حسن‌زاده توکلی، محمدرضا و کزازی، نجم‌السادات (۱۳۹۹). نقش میانجی شکرگزاری در رابطه آرزومندی با رضایتمندی و تبیین اسلامی - روان‌شناختی آن. پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت، ۶(۳)، ۹۱-۱۰۴.
- تیمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات.
- حسینی‌زاده آرانی، سیدسعید و کلانتری، عبدالحسین (۱۳۹۴). دین، سلامت روان و احساس تنهایی بررسی نسبت میان میزان دین‌داری و سلامت روان با احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۶(۴)، ۲۵-۴۴.
- خانجانی، مهدی، شهیدی، شهریار، فتح‌آبادی، جلیل، مظاهری، محمدعلی و شکری، امید (۱۳۹۳). ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه (۱۸ سؤال) مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف در دانشجویان دختر و پسر. اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی، ۹(۳۲)، ۲۷-۳۶.
- دادستان، پریخ (۱۳۸۵). روان‌شناسی مرضی تحولی. تهران: سمت.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۶ق). مفردات الفاظ قرآن. دمشق: دار القلم.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۲ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- غباری‌بناب، باقر، متولی‌پور، عباس، حکیمی‌راد، الهام، حبیبی عسگرآباد، مجتبی (۱۳۸۸). رابطه اضطراب و افسردگی با میزان معنویت در دانشجویان دانشگاه تهران. روان‌شناسی کاربردی، ۳(۲)، ۱۱۰-۱۲۳.
- قاسمی جوبنه، رضا، عرب‌زاده، مهدی، جلیلی نیکو، سعید (۱۳۹۵). نقش واسطه‌ای شکرگزاری در رابطه بین دین‌داری و شادکامی در دانشجویان. روان‌شناسی و دین، ۹(۲)، ۵۳-۶۸.
- قدردان قراملکی، علی (۱۴۰۴). مطالعه هستی‌شناسانه الگوی اسلامی شکرگزاری و ارتباط آن با افزایش نعمت‌ها. دین‌پژوهی و کارآمدی، ۱۵(۱)، ۲۹-۴۷.
- کاس‌پور، سارا و زارعان، مصطفی (۱۴۰۳). رابطه بین معنا در زندگی و بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان: نقش میانجی سرمایه روان‌شناختی. پژوهش‌های نوین روان‌شناختی، ۱۹(۷۶)، ۹۷-۱۰۷.

- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱ق). *الکافی*. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- گودرزی، محمدعلی، مرزوقی، رحمت‌الله و نوری، اکرم (۱۳۹۳). ساخت و اعتباریابی مقیاس شکرگزاری اسلامی - ایرانی در دانشجویان ایرانی. *اصول بهداشت روانی*، ۱۶(۶۲)، ۳۹-۱۲۰.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). *اخلاق در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ملکی گلندوز، پری و سرداری، باقر (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش روان‌شناسی مثبت‌گرا با تأکید بر آموزه‌های دینی بر کاهش رفتارهای پر خطر دانش‌آموزان دارای افکار خودکشی. *پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت*، ۶(۳)، ۵۱-۶۸.
- هلاکویی، هدی و مصطفوی، نسیمی، منیره (۱۳۹۶). رابطه معنی زندگی و بهزیستی روان‌شناختی با تمایل به ازدواج در دانشجویان. *پژوهش‌های مشاوره* ۶۶(۱۷)، ۱۵۹-۱۷۶.
- هوشمند کنگ سفلی، علیرضا، معینی‌زاده، مجید و طباطبایی، سیدمحمدصالح (۱۳۹۹). پیش‌بینی بهزیستی روان‌شناختی از طریق بررسی نقش عفو و گذشت و سپاسگزاری. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۱۰(۱)، ۱۹-۵.
- ژیان، فاطمه و ملکی‌ها، مرضیه (۱۴۰۰). نقش خوش‌بینی در بهزیستی روان‌شناختی بر اساس آموزه‌های اسلامی و مطالعات روان‌شناختی. *پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی*، ۷(۱۵)، ۸۷-۶۹.

Blakemore, S. J. & Mills, K. L. (2014). Is adolescence a sensitive period for sociocultural processing? *Annual Review of Psychology*, 65, 187-207.

Brassai, L., Piko, B. F. & Steger, M. F. (2011). Meaning in life: Is it a protective factor for adolescents' psychological health? *International Journal of Behavioral Medicine*, 18(1), 44-51.

Czyżowska, N. & Gurba, E. (2022). Enhancing meaning in life and psychological well-being among a european cohort of young adults via a gratitude intervention. *Frontiers in psychology*, 12, 751081.

Chen, X., Zhao, F. F., Zhang, L. X., Hou, S. B. & Wang, T. T. (2024). Chain mediating effect of gratitude and meaning in life between nurses' psychological response and emergency capability-a multicenter cross-sectional study. *BMC nursing*, 23(1), 659.

Datu, J. A. D. & Mateo, N. J. (2015). Gratitude and life satisfaction among Filipino adolescents: The mediating role of meaning in life. *International Journal for the Advancement of Counselling*, 37, 198-206.

Daulay, N., Assingkily, M. S. & Munthe, A. K. (2022). The relationship between

- gratitude and well-being: The moderating effect of religiosity on university freshmen during the COVID-19 pandemic. *Psikohumaniora: Jurnal Penelitian Psikologi*, 7(1), 51-64.
- Disabato, D. J., Kashdan, T. B., Short, J. L. & Jarden, A. (2017). What predicts positive life events that influence the course of depression? A longitudinal examination of gratitude and meaning in life. *Cognitive therapy and research*, 41, 444-458.
- Emmons, R. A. & McCullough, M. E. (2003). Counting blessings versus burdens: An experimental investigation of gratitude and subjective well-being in daily life. *Journal of Personality and Social Psychology*, 84(2), 377-389.
- Emmons, R. A. & McCullough, M. E. (2004). *The Psychology of Gratitude*. Oxford University Press.
- Frankl, V. E. (1984). *Man's search for meaning: An introduction to logotherapy*. New York: Simon & Schuster.
- Froh, J. J., Kashdan, T. B., Ozimkowski, K. M. & Miller, N. (2009). Who benefits the most from a gratitude intervention in children and adolescents? Examining positive affect as a moderator. *The Journal of Positive Psychology*, 4(5), 408-422.
- Froh, J. J., Yurkewicz, C. & Kashdan, T. B. (2009). Gratitude and subjective well-being in early adolescence: Examining gender differences. *Journal of Adolescence*, 32(3), 633-650.
- Joshanloo, M. (2017). Islamic conceptions of well-being. In R. J. Estes & M. J. Sirgy (Eds.), *The pursuit of human well-being* (p. 109-131). Springer.
- Kapadia, F. (2024). Adolescent mental health and well-being: A public health of consequence, February 2024. *American journal of public health*, 114(2), 158-160.
- Kashdan, T. B., Uswatte, G. & Julian, T. (2006). Gratitude and hedonic and eudaimonic well-being in Vietnam war veterans. *Behaviour Research and Therapy*, 44(2), 177-199.
- Kessler, R. C., Avenevoli, S., Costello, E. J., Georgiades, K., Green, J. G., Gruber, M. J. & Merikangas, K. R. (2012). Prevalence, persistence, and sociodemographic correlates of DSM-IV disorders in the National Comorbidity Survey Replication Adolescent Supplement. *Archives of General Psychiatry*, 69(4), 372-380.
- Keyes, C. L. M. & Ryff, C. D. (2002). Psychological well-being in midlife. In S. L. Willis & J. D. Reid (Eds.), *Life in the middle: Psychological and social development*

in middle age (p. 161-180). Academic Press.

Khalil, A. (2016). The embodiment of gratitude (Shukr) in Sufi ethics. *Studia Islamica*, 111(2), 159-178.

Krok, D. (2018). When is meaning in life most beneficial to young people? Styles of meaning in life and well-being among late adolescents. *Journal of adult development*, 25(2), 96-106.

Kline, R. B. (2015). Principles and Practice of Structural Equation Modeling, 4th edition, p 497.

Lambert, N. M., Fincham, F. D. & Stillman, T. F. (2012). Gratitude and depressive symptoms: The role of positive reframing and positive emotion. *Cognition and Emotion*, 26(4), 615-633.

Lambert, N. M., Fincham, F. D., Braithwaite, S. R., Graham, S. M. & Beach, S. R. H. (2009). Can prayer increase gratitude? *Psychology of Religion and Spirituality*, 1(3), 139-149.

Lombard, J. E. B. (2021). The semantics of gratitude (Shukr) in the Qur'ān. *Journal of Islamic Ethics*, 5(1-2), 173-198.

Man, X. & Jing, Z. (2025). The role of prosocial tendencies in the relationships between gratitude, perceived social support, and psychological well-being among Chinese university students: a structural equation modeling approach. *Frontiers in Psychology*, 16, 1510543.

Margraf, J., Teismann, T. & Brailovskaia, J. (2024). Predictive Power of Positive Mental Health: A Scoping Review. *Journal of Happiness Studies*, 25(6), 81.

McCullough, M. E., Emmons, R. A. & Tsang, J. A. (2002). The grateful disposition: A conceptual and empirical topography. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82(1), 112-127.

Park, N., Park, M. & Peterson, C. (2010). When is the search for meaning related to life satisfaction? *Applied Psychology: Health and Well-Being*, 2(1), 1-13.

Ryff, C. D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57(6), 1069-1081.

Ryff, C. D. & Singer, B. H. (2008). Know thyself and become what you are: A

eudaimonic approach to psychological well-being. *Journal of Happiness Studies*, 9(1), 13-39.

Steger, M. F. (2012). Experiencing meaning in life: Optimal functioning at the nexus of well-being, psychopathology, and spirituality. In P. T. P. Wong (Ed.), *The human quest for meaning: Theories, research, and applications* (pp. 165-184). Routledge.

Steger, M. F., & Frazier, P. (2005). Meaning in life: One link in the chain from religiousness to well-being. *Journal of Counseling Psychology*, 52(4), 574-582.

Steger, M. F., Frazier, P., Oishi, S., & Kaler, M. (2006). The meaning in life questionnaire: Assessing the presence of and search for meaning in life. *Journal of Counseling Psychology*, 53(1), 80-93.

Steinberg, L. (2017). *Adolescence* (11th ed.). McGraw-Hill Education.

Tabachnick, B. G. & Fidell, L. S. (2014). *Using multivariate statistics* (6th ed.). Pearson.

Tahir, R. (2024). *The divine gift of gratitude: The secret of happiness in the modern world*. Yaqeen Institute for Islamic Research.

Watkins, P. C., Uher, J. & Pichinevskiy, S. (2015). Grateful recounting enhances subjective well-being: The importance of grateful processing. *The Journal of Positive Psychology*, 10(2), 91-98.

Webb, M. S., Whitmire, J. B., Hills, K. J. & Huebner, E. S. (2024). Gratitude Buffers Against the Effects of Stressful Life Events on Adolescents' Externalizing Behavior but Not Internalizing Behavior. *Contemporary School Psychology*, 1-13.

Wood, A. M., Froh, J. J. & Geraghty, A. W. A. (2010). Gratitude and well-being: A review and theoretical integration. *Clinical Psychology Review*, 30(7), 890-905.

Zhang, Z., Tong, J., He, Z. & Qi, X. (2025). Relationship between physical activity and eudaimonic well-being in college students based on Ryff's six-factor model of psychological well-being. *BMC psychology*, 13(1), 437.

Zhao, H., Zhang, M., Li, Y. & Wang, Z. (2023). The effect of growth mindset on adolescents' meaning in life: The roles of self-efficacy and gratitude. *Psychology Research and Behavior Management*, 4647-4664.

## Construction and validation of a self-deception questionnaire based on Islamic sources

Ramin Ezzattalab Moghadam /Master of Psychology, Institute of Ethics and Education

ezzattalab93@gmail.com

 Navid Khakbazan  / Assistant Professor, Department of Psychology, University of Religions and Sects

Received: 2025/06/22 - Accepted: 2025/11/05

n.khakbazan@urd.ac.ir

### Abstract

The present article aims to design and validate a scale for measuring self-deception based on Islamic teachings. In the concept extraction stage, descriptive method and analysis of Islamic sources were used. Psychometric evaluation was conducted with the participation of 240 university students of the Velayat project. Face and content validity were assessed by experts and using CVI and CVR indices. The initial version included 115 items, which were reduced to 85 items after validity analysis. The validity of the scale was confirmed in the pilot and final stages with Cronbach's alpha coefficient (0.865 and 0.813), Spearman-Brown split-half coefficients (0.901 and 0.856), and Guttman coefficients (0.893 and 0.842). The correlation coefficient between the two halves was also high in both stages (0.815 and 0.796, respectively), indicating acceptable internal consistency. The final scale is a native instrument that is consistent with Islamic principles and includes the five main components of ignorance, desire for pleasures, individual deviation, egotism, and secrecy. The findings show that this instrument has desirable validity and reliability and can be used in personality psychology research, Islamic studies, and clinical interventions.


**Keywords:** Self-deception, test construction, content validity, face validity, Islamic sources, reliability, religious scale

## ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه خودفریبی بر اساس منابع اسلامی

ezzattalab93@gmail.com

n.khakbazan@urd.ac.ir

رامین عزت‌طلب مقدم / کارشناسی ارشد روان‌شناسی مؤسسه اخلاق و تربیت

نوید خاکبازان  استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

### چکیده

مقاله حاضر با هدف طراحی و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش خودفریبی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی انجام شده است. در مرحله استخراج مفاهیم، از روش توصیفی و تحلیل منابع اسلامی استفاده شد. ارزیابی روان‌سنجی با مشارکت ۲۴۰ دانشجوی طرح ولایت انجام شد. روایی صوری و محتوایی با نظر متخصصان و استفاده از شاخص‌های CVI و CVR ارزیابی گردید. نسخه اولیه شامل ۱۱۵ گویه بود که پس از تحلیل روایی، به ۸۵ گویه کاهش یافت. اعتبار مقیاس در مراحل آزمایشی و نهایی با ضریب آلفای کرونباخ (۰/۸۶۵ و ۰/۸۱۳)، ضرایب دونیمه‌سازی اسپیرمن - براون (۰/۹۰۱ و ۰/۸۵۶) و ضرایب گاتمن (۰/۸۹۳ و ۰/۸۴۲) تأیید شد. ضریب همبستگی بین دو نیمه نیز در هر دو مرحله بالا بود (به ترتیب ۰/۸۱۵ و ۰/۷۹۶) که نشان‌دهنده انسجام درونی قابل قبول است. مقیاس نهایی، ابزاری بومی و متناسب با مبانی اسلامی است که شامل ۵ مؤلفه اصلی جهل‌ورزی، تمایل به خوشایندها، انحراف فردی، خودبینی و پنهان‌کاری است. یافته‌ها نشان می‌دهد این ابزار دارای روایی و اعتبار مطلوب بوده و می‌تواند در پژوهش‌های روان‌شناسی شخصیت، مطالعات اسلامی و مداخلات بالینی مورد استفاده قرار گیرد..

**کلیدواژه‌ها:** خودفریبی، آزمون‌سازی، روایی محتوایی، روایی صوری، منابع اسلامی، اعتبار، مقیاس دینی.

مفهوم «خود» در روان‌شناسی از جمله مباحث بنیادینی است که پس از یک دوره کم‌توجهی نسبی، در دهه‌های اخیر مجدداً جایگاه ویژه‌ای در ادبیات روان‌شناسی یافته است. بسیاری از اختلالات رفتاری شایع، با ساختار «خود» مرتبط دانسته می‌شوند و پژوهشگران در حوزه‌های نظری، بالینی و تربیتی به بررسی و تبیین ابعاد گوناگون آن پرداخته‌اند (Rosenberg, 1989). یکی از مفاهیم برجسته و قابل توجه در این زمینه، خودفریبی (Self deception) است که امروزه به‌ویژه در حوزه روان‌شناسی شخصیت، مورد اهتمام ویژه قرار گرفته است.

مسئله خودفریبی از جمله مفاهیم پیچیده و چالش‌برانگیز در حوزه علوم انسانی است که با ابعاد اساسی وجود انسان، همچون آگاهی، انگیزش، اختیار، سعادت و ارزش‌های اخلاقی پیوند دارد (Alston, 1985). این مفهوم در دهه‌های اخیر توجه فزاینده روان‌شناسی تجربی را به خود معطوف ساخته است (Vizgina, 2013)؛ به‌گونه‌ای که امروزه به‌عنوان یکی از موضوعات مهم و قابل تأمل در روان‌شناسی تجربی مطرح می‌شود (Kruger & Dunning, 1999).

خودفریبی مفهومی ریشه‌دار و کهن است که پیشینه‌ای دیرینه در فلسفه کلاسیک دارد و از دوران تفکر یونانی هومر و افلاطون مطرح بوده است (Elster, 1999; Cowen, 2003). این موضوع همواره مورد توجه فیلسوفان قرار گرفته و محور بسیاری از تأملات فلسفی و آثار تأثیرگذار در تاریخ اندیشه بوده است (لگنهاوزن، ۱۳۷۴). در ادبیات فلسفی غرب، اصطلاح Self-Deception به‌صورت گسترده تحلیل شده و دیدگاه‌های متعددی پیرامون چیستی، امکان و ابعاد آن ارائه شده است. باین‌حال، در میان رویکردهای مختلف، تفاوت‌ها و تنوع نظری محسوسی مشاهده می‌شود. افزون بر این، در تبیین ابعاد این مفهوم، به مباحث و یافته‌های روان‌شناسی نیز ارجاع داده شده و پیوندهای میان‌مضمونی آن با حوزه‌های روان‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است (Fingarette, 2000).

نخستین گام‌ها در مطالعه علمی خودفریبی در قالب نظریه‌های زیربنایی مکانیزم‌های دفاعی روانی، در آثار فروید (۱۹۳۶) برداشته شد. وی خودفریبی را در چارچوب ناهشیار و سازوکارهای دفاعی روان تبیین کرد. با وجود این، پس از فروید، بررسی این پدیده تا مدتی نسبتاً طولانی به‌صورت محدود ادامه یافت. با گذشت زمان، رویکردهای جدیدی برای تبیین علمی خودفریبی پدید آمد که یکی از برجسته‌ترین آنها را رابرت تریورز، زیست‌شناس تکاملی، ارائه کرد. وی پس از حدود سه دهه تحقیق، یافته‌های خود را درباره خودفریبی منتشر ساخت و آن را یکی از اجزای بنیادین در ارتباطات زیستی دانست. به باور او، پنهان‌سازی حقیقت از خود، امری بنیادی‌تر از پنهان‌سازی آن از دیگران است و نقشی انطباقی در بقا و تعاملات اجتماعی ایفا می‌کند (Trivers, 2011).

بسیاری از پژوهشگران معتقدند که خودفریبی ارتباط نزدیکی با حوزه شناخت و آگاهی دارد و آن را به‌عنوان نوعی توهم مثبت در نظر می‌گیرند (Taylor & Brown, 1988). کار (۲۰۰۵) خودفریبی را مجموعه‌ای از

باورهای سازمان‌یافته و منسجم تعریف می‌کند که به فرد امکان می‌دهد موقعیت‌هایی را که ممکن است در آنها با اطلاعات منفی درباره خود مواجه شود، پیش‌بینی کرده و راهبردهایی برای مواجهه با آنها طراحی نماید. میچل (۲۰۰۰) خودفریبی را پذیرش بدون بازبینی و کورکورانه اعتقادی می‌داند که جعلی بودن آن برای فرد روشن است. از دیدگاه مسیک و بازرمن (۱۹۹۶)، فریب خود عبارت است از ناآگاهی نسبت به فرایندهایی که منجر به شکل‌گیری اندیشه‌های انسان‌ها می‌شود.

در مقابل دیدگاه‌های شناخت‌محور، برخی پژوهشگران خودفریبی را با مقوله رفتار مرتبط می‌دانند و آن را نه صرفاً یک فرایند ذهنی، بلکه کنشی عملی و راهبردی در راستای حفظ ثبات «خود» و کسب یا نگهداشت یک باور، علی‌رغم وجود شواهد متضاد تلقی می‌کنند (Bagnoli, 2012). همچنین خیمنز و رویز (۲۰۱۴) خودفریبی را در قلمرو تمایلات و انگیزش‌ها طبقه‌بندی کرده‌اند. به باور آنها، خودفریبی نوعی تمایل غیرعمدی برای ارائه تصویری مطلوب از خوشتن است؛ تلاشی ناهشیار برای حفظ دیدگاهی دلخواه درباره خود، حتی در مواجهه با واقعیت‌های ناسازگار.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌های روان‌شناسی در زمینه خودفریبی، تنها به برخی از ابعاد شناختی یا انگیزشی آن پرداخته و از ارائه تصویری جامع، منسجم و چندبعدی بازمانده‌اند. در مقابل، آموزه‌های اسلامی با برخورداری از پشتوانه غنی قرآنی و روایی، ظرفیت ویژه‌ای در تبیین این سازه دارند. در متون اسلامی، مفاهیمی همچون «تسویل»، «خداع»، «غرور»، «مکر» و «غش» بیانگر مفهوم خودفریبی می‌باشند. برای نمونه امام علی علیه السلام در روایتی در تعریف خداع می‌فرماید: «الْخِدَاعُ إِتْرَالُ الْغَيْرِ عَمَّا هُوَ بِصَدَدِهِ بِأَمْرِ يُبْدِيهِ عَلَى خِلَافِ مَا يُخْفِيهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق)؛ خداع، خواسته کسی را وارونه نشان دادن است، به اینکه حقیقت را از او پنهان نماید و غیرواقع را به جای واقع به او معرفی کند. همچنین وقتی سخن از صفات منافقان به میان می‌آید، یکی از صفات برجسته آنان، خودفریبی معرفی می‌شود. خدا در قرآن به صراحت می‌فرماید: «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يُخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (بقره: ۹)؛ منافقین می‌خواهند خدا و مؤمنان را فریب دهند؛ درحالی که جز خودشان را فریب نمی‌دهند (اما) نمی‌فهمند. همچنین کسانی که دچار انکار آیات الهی شده و کفر ورزیده‌اند نیز، گرفتار خودفریبی شده و می‌پندارند که در حال انجام اعمال خوب و پسندیده هستند (کهف: ۱۰۴)؛ چنانچه خاستگاه تمام انواع فریب‌ها، خودفریبی است و هر کس خدا یا مؤمنین را فریب دهد بازهم دچار خودفریبی شده است (انعام: ۱۲۳). متون اسلامی، برخلاف رویکردهای تک‌بعدی روان‌شناسی تجربی، به مسئله خودفریبی در ابعاد شناختی، هیجانی و رفتاری پرداخته و آن را یکی از موانع اصلی رشد و کمال انسان دانسته‌اند.

با وجود این ظرفیت، تا کنون پژوهش‌های اندکی به صورت نظام‌مند از این منابع برای مفهوم‌سازی یا سنجش خودفریبی بهره گرفته‌اند. هرچند برخی اندیشمندان اسلامی در ضمن آثار خود به این مفاهیم اشاره کرده‌اند، اما

بررسی‌ها بیشتر در قالب مباحث اخلاقی یا کلامی مطرح شده است. در اندیشه محققان اسلامی نیز، توجه به اهمیت این مسئله به چشم می‌خورد. مطهری (۱۳۹۳) با تأکید بر آیات و روایات در باب خودفریبی، آن را از آفات نفس آدمی برشمرده که بر اساس آن و با دخالت عامل درونی، حقایق بر انسان پوشیده می‌ماند و باطل در چهره حق جلوه می‌کند و به این ترتیب گاهی انسان از درون خویش فریب می‌خورد. همچنین جعفری (۱۳۹۶) خودفریبی را نوعی تخدیر روانی برای رهایی از اضطراب گناه دانسته و آن را زمینه تحقیر و زیرپا گذاشتن حدود و قوانین الهی قلمداد می‌کند. علامه طباطبائی (۱۴۱۷ق) نیز، خودفریبی را ناشی از گناه دانسته که در مرحله بعد منشأ گناهان دیگر می‌گردد. کلایی (۱۳۸۹) در بررسی‌های خود، مفهوم انکار حقیقت و غفلت نفس را نزدیک به خودفریبی تبیین نموده است. باین حال، این آثار غالباً به صورت محدود و بدون چارچوب روان‌شناختی و روان‌سنجی ارائه شده‌اند و از ارائه مدلی یکپارچه و عملیاتی برای سنجش خودفریبی بر اساس آموزه‌های اسلامی بازمانده‌اند.

در سال‌های اخیر، برخی پژوهشگران اسلامی کوشیده‌اند تا مفهوم خودفریبی را با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و آموزه‌های غنی اسلامی، در چارچوب رویکردهای روان‌شناختی مورد واکاوی قرار دهند. به‌عنوان نمونه، عزت‌طلب مقدم و همکاران (۱۳۹۷) در یک پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل روان‌شناختی خودفریبی بر اساس منابع اسلامی، تلاش کرده‌اند مؤلفه‌های این پدیده را از منظر اسلامی شناسایی و تبیین نمایند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که خودفریبی بر اساس منابع اسلامی شامل پنج مؤلفه اصلی است: جهل‌ورزی، تمایل به خوشایندها، انحراف فردی، خودبینی و پنهان‌کاری. همچنین بر اساس تحلیل روایی انجام‌شده این پژوهشگران خودفریبی را چنین تعریف می‌کنند: «نوعی نقص شناختی در فرد که موجب پنهان شدن حقیقت، ادراک اشتباه، تمایلات انحرافی و یا رفتارهایی می‌شود که حاصل آن، درست‌پنداری نادرست است».

از سوی دیگر، در حوزه روان‌شناسی تجربی نیز تلاش‌هایی در راستای مفهوم‌سازی و سنجش خودفریبی صورت گرفته است. این تلاش‌ها عمدتاً بر طراحی ابزارهای روان‌سنجی متمرکز بوده و به سنجش این پدیده به‌عنوان یک سازه مستقل یا در قالب خرده‌مقیاس در ابزارهای موجود پرداخته‌اند. بر اساس جست‌وجوهای انجام‌شده توسط پژوهشگر، تا کنون پنج پرسش‌نامه برای سنجش مستقیم خودفریبی در روان‌شناسی شناسایی شده است. پرسش‌نامه‌ها عبارت‌اند از: پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی SDQ توسط گور و ساکیم (۱۹۷۹)، پرسش‌نامه متوازن ۴۰ گویه‌ای گرایش به دادن پاسخ‌های اجتماعی مطلوب (BIDR) پولهاس (۱۹۹۴)، مقیاس خودفریبی SIRVENT (بلانکو، لویز و سیرونت، ۲۰۰۷)، پرسش‌نامه خودفریبی و پیچیده‌سازی (IAM-40) (Jiménez & Ruiz, 2014) و پرسش‌نامه خودفریبی BIDR-16 (Hart & et al., 2015).

برای نخستین بار، پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی SDQ توسط گور و ساکیم (۱۹۷۹) با هدف سنجش میزان تمایل

فرد به مشارکت در رفتارهای خودفریبانه و به صورت مستقل از سازوکارهای مدیریت برداشت اجتماعی طراحی شد. پرسش‌نامه ۴۰ گویه‌ای «پاسخ‌دهی اجتماعی مطلوب» که توسط پولهااس (۱۹۹۴) با عنوان *Balanced Inventory of Desirable Responding (BIDR)* تدوین شده، یکی از شناخته‌شده‌ترین و پرکاربردترین ابزارها برای سنجش گرایش به خودفریبی با هدف ارزیابی ساختارهای شخصیتی و انگیزشی محسوب می‌شود (ویزگینا، ۱۳۹۲). این مقیاس بر پایه دو سازه اصلی شکل گرفته است: مدیریت برداشت (*Impression Management*) و خودفریبی. مدیریت برداشت به تلاش آگاهانه فرد برای ارائه تصویری اجتماعی از خود اطلاق می‌شود که بیشترین مقبولیت را نزد دیگران دارد؛ درحالی‌که مؤلفه خودفریبی، بازنمایی درونی نادقیق اما صادقانه از خود است که با هدف حفظ خودپنداره مثبت و تقویت عزت‌نفس رخ می‌دهد (Jiménez & Ruiz, 2014).

سیرونت و همکاران (۲۰۱۹) نیز پرسش‌نامه ۱۲ سؤالی خودفریبی (*SDQ-12*) را معرفی کرده‌اند که از اعتبار و ساختار عاملی مطلوب برخوردار بوده است. این مقیاس سه عامل اصلی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد: دست‌کاری (یعنی تلاش برای تأثیرگذاری بر احساسات و نگرش‌های دیگران به منظور کسب منافع شخصی)، تکرار (یعنی تکرار اشتباهات ناشی از الگوهای خودفریبانه)، و اجتناب (پرهیز از مواجهه با واقعیات ناخوشایند) (Blanco, López & Sirvent, 2007).

پرسش‌نامه *IAM-40*، به‌عنوان یکی از ابزارهای معتبر سنجش خودفریبی پاتولوژیک، به‌طور خاص به ارزیابی دو جنبه آسیب‌شناختی این سازه می‌پردازد: نخست، ناتوانی فرد در تشخیص پیامدهای منفی رفتار خویش؛ و دوم، گرفتار شدن در تخیلات تحریف‌شده‌ای که به‌گونه‌ای افراطی بر زندگی روزمره تأثیر می‌گذارند. در نهایت، پرسش‌نامه خودفریبی ۱۶ سؤالی (*BIDR-16*)، نسخه کوتاه‌شده و نهایی پرسش‌نامه متوازن گرایش به پاسخ‌های اجتماعی مطلوب پولهااس، با حفظ ساختار دو عاملی (خودفریبی به‌عنوان ابزاری برای بهبود عملکرد و مدیریت تصور) و اعتبار و روایی مناسب، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ توسعه یافته است (Hart & et al., 2015). علاوه بر این، خودفریبی به‌عنوان خرده‌مقیاسی در برخی آزمون‌های شخصیت نیز اندازه‌گیری شده است؛ برای مثال در آزمون شخصیتی چندوجهی مینه‌سوتا (*MMPI* و *MMPI2*)، مقیاس *S* و *K* جهت سنجش خودفریبی به کار گرفته می‌شود (Weiner & Greene, 2008).

یکی از محدودیت‌های مهم این ابزارهای سنجش، مبتنی بودن آنها بر زمینه‌های فرهنگی خاص، به‌ویژه فرهنگ غربی است؛ بنابراین این پرسش‌نامه‌ها ممکن است فاقد اعتبار و روایی کافی در فرهنگ‌های دینی و غیرغربی بوده و نتوانند به درستی ابعاد خودفریبی را در این جوامع اندازه‌گیری کنند.

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، تا کنون در ایران مقیاس مستقلی برای سنجش خودفریبی مبتنی بر فرهنگ ایرانی - اسلامی طراحی و تدوین نشده است. با توجه به ضرورت طراحی ابزارهای روان‌شناختی متناسب با بافت فرهنگی و ارزش‌های دینی جامعه اسلامی، و نیز با در نظر گرفتن نگرش متمایز اسلام به ساختار روان و نظام

معرفتی انسان، ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش خودفریبی از منظر آموزه‌های دینی امری ضروری و انکارناپذیر است. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش حاضر تدوین و ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه «خودفریبی» با اتکا بر مفاهیم برگرفته از منابع اسلامی است.

### روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی است. به‌منظور ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس طراحی‌شده، از روش پیمایشی بهره گرفته شد. این مرحله شامل بررسی روایی صوری و محتوایی با مشارکت خبرگان و تحلیل آماری داده‌های حاصل از اجرای پرسش‌نامه در نمونه‌ای از دانشجویان بود.

در مرحله نخست، جامعه خبرگانی پژوهش را متخصصان آشنا با روان‌شناسی و علوم اسلامی تشکیل دادند. از میان آنان، یازده نفر از کارشناسان واجد صلاحیت به‌صورت هدفمند انتخاب شدند و جداول گویه‌ها به همراه مستندات دینی در اختیار ایشان قرار گرفت. این گروه، میزان انطباق، ضرورت و وضوح هر گویه را بر اساس مقیاس‌های CVI و CVR ارزیابی کردند.

در مرحله دوم، جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان شرکت‌کننده در طرح و ولایت مرکز آموزش‌های آزاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام در سال ۱۳۹۷ بودند که تعداد تقریبی آنان حدود ۶۰۰ نفر برآورد شد. اجرای میدانی پرسش‌نامه در این جامعه، مبنای تحلیل‌های آماری برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار قرار گرفت.

حجم نمونه با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) و متناسب با جامعه‌ای با حجم ۶۰۰ نفر، برابر با ۲۳۴ نفر تعیین گردید. باین‌حال، با توجه به اینکه افزایش حجم نمونه موجب کاهش میزان خطای نمونه‌گیری می‌شود (بیابانگرد، ۱۳۹۰)، در این پژوهش حجم نمونه نهایی برابر با ۲۴۰ نفر در نظر گرفته شد تا دقت تحلیل‌ها افزایش یابد.

### ابزار پژوهش

پرسش‌نامه سنجش خودفریبی برای نخستین‌بار در این پژوهش، با استناد به منابع اسلامی، توسط پژوهشگر طراحی و تدوین گردیده است. این ابزار با هدف ارزیابی میزان خودفریبی بر مبنای مؤلفه‌های استخراج‌شده از متون دینی ساخته شده و فرایند طراحی، ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه خودفریبی بر اساس منابع اسلامی، در شش مرحله نظام‌مند به شرح ذیل انجام پذیرفت.

### مرحله اول: طراحی گویه‌های پرسش‌نامه بر اساس منابع اسلامی

در این مرحله، به‌منظور سنجش و اندازه‌گیری میزان خودفریبی بر اساس مؤلفه‌های استخراج‌شده از منابع اسلامی، نسخه اولیه پرسش‌نامه طراحی و تدوین شد. نسخه اولیه مقیاس خودفریبی از منظر اسلام

مشمول بر ۱۱۵ گویه بود که با استفاده از مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای (کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، کاملاً مخالفم) تنظیم گردید.

**مرحله دوم: ارائه پرسش‌نامه همراه با مستندات دینی به کارشناسان حوزه روان‌شناسی و علوم اسلامی برای ارزیابی روایی صوری و محتوایی**

برای بررسی نسبت روایی محتوایی (Content validity ratio) و شاخص روایی محتوا (Content validity index) پرسش‌نامه، جداول مربوط به گویه‌ها به همراه مستندات دینی آنها در اختیار یازده نفر از صاحب‌نظران دارای تخصص هم‌زمان در دو حوزه روان‌شناسی و علوم اسلامی قرار گرفت. هدف از این مرحله، ارزیابی میزان انطباق هر گویه با مستند دینی مربوطه و نیز میزان پوشش‌دهی مفهومی هر گویه نسبت به مؤلفه مورد نظر بود.

برای سنجش روایی محتوایی گویه‌های پرسش‌نامه، نظرات کارشناسان متخصص جمع‌آوری شد. از ارزیابان خواسته شد میزان تطابق هر گویه با مستند دینی مربوط و مؤلفه نظری متناظر آن را، با توجه به نوع و سطح دلالت مستندات، در قالب یک مقیاس لیکرت چهاردرجه‌ای ارزیابی کنند. این مقیاس شامل گزینه‌های «خیلی زیاد = ۴»، «زیاد = ۳»، «کم = ۲» و «خیلی کم = ۱» بود.

در فرآیند سنجش روایی صوری، به‌منظور شناسایی، اصلاح یا حذف گویه‌های نامناسب و نیز تعیین میزان اهمیت و وضوح هر یک از آیتم‌ها، از شاخص‌های «ضروری بودن» و «شفافیت و وضوح مفهومی» استفاده شد. برای این منظور، برای هر گویه، مقیاس لیکرت سه‌درجه‌ای در نظر گرفته شد که شامل گزینه‌های «کاملاً» (نمره ۳)، «تا حدودی» (نمره ۲) و «اصلاً» (نمره ۱) بود.

داده‌های حاصل از این ارزیابی، به‌منظور تحلیل روایی محتوایی و صوری مورد استفاده قرار گرفت و شاخص‌های کمی مربوط به روایی نظیر نسبت روایی محتوایی (CVR) و شاخص روایی صوری (CVI) برای هر گویه محاسبه شد. نتایج حاصل، مبنای تصمیم‌گیری درباره نگره داشتن، اصلاح یا حذف گویه‌ها در نسخه نهایی پرسش‌نامه قرار گرفت.

**مرحله سوم: انتخاب گویه‌های مناسب بر اساس شاخص‌های روایی**

نتایج بررسی روایی محتوایی و صوری گویه‌های پرسش‌نامه خودفریبی با مشارکت کارشناسان روان‌شناس آشنا با منابع اسلامی، نشان داد که ۱۴ گویه به دلیل پایین بودن شاخص‌های CVI و CVR، و ۹ گویه صرفاً به دلیل پایین بودن CVR، فاقد روایی لازم بوده و حذف شدند. در نهایت، نسخه ۹۲ سؤالی پرسش‌نامه برای اجرای مرحله آزمایشی آماده شد.

**مرحله چهارم: اجرای آزمایشی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه**

پس از بررسی و اعمال نظرات صاحب‌نظران، پرسش‌نامه نهایی جهت اجرای آزمایشی و ارزیابی مشخصات روان‌سنجی شامل اعتبار و روایی آماده گردید. محقق پس از ارزیابی روایی محتوایی و صوری پرسش‌نامه اولیه

۱۱۵ سؤالی و انتخاب ۹۲ سؤال، فرم پرسش‌نامه ۹۲ سؤالی را بر روی نمونه‌ای شامل ۳۰ نفر از طلاب حوزه علمیه قم به صورت آزمایشی اجرا نمود. پس از انجام تحلیل‌های آماری و بررسی نتایج، هفت گویه با شماره‌های ۱۹، ۳۵، ۵۵، ۶۳، ۷۹، ۸۸ و ۱۰۰ به دلیل افزایش ضریب آلفای کرونباخ و ارتقای اعتبار ابزار، حذف شدند. در نهایت، فرم نهایی پرسش‌نامه خودفریبی شامل ۸۵ سؤال گردید.

#### مرحله پنجم: شیوه نمره‌گذاری پرسش‌نامه

این ابزار پژوهشی مبتنی بر منابع دینی و اسلامی تدوین شده و به صورت مقیاس لیکرت پنج‌گزینه‌ای طراحی گردیده است. دامنه پاسخ‌ها شامل گزینه‌های «کاملاً موافق» (۴)، «موافق» (۳)، «بی‌نظر» (۲)، «مخالف» (۱) و «کاملاً مخالف» (۰) می‌باشد. در این پرسش‌نامه، برای آیت‌های شماره ۲، ۷، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۷، ۳۱، ۳۴، ۳۹، ۴۳، ۴۶، ۵۰، ۵۲، ۵۵، ۵۹، ۶۱، ۶۴، ۶۶، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۵، ۷۷، ۷۹، ۸۱، ۸۳ و ۸۵ نمره‌گذاری به صورت معکوس صورت می‌پذیرد.

حداقل نمره در این ابزار صفر و نشان‌دهنده میزان پایین خودفریبی و حداکثر نمره ۳۴۰ بوده که بیانگر سطح بالای خودفریبی است. به عبارت دیگر، این پرسش‌نامه دارای پیوستاری گسترده است که نمرات افراد روی آن در بازه صفر تا ۳۴۰ قرار می‌گیرد و موقعیت عددی هر فرد روی این پیوستار نمایانگر میزان خودفریبی وی است.

#### مرحله ششم: اجرای نهایی پرسش‌نامه

پس از تعیین روایی و اعتبار ابزار و انجام اصلاحات لازم بر اساس نظرات خبرگان و تحلیل‌های آماری، نسخه نهایی پرسش‌نامه تدوین گردید. در این مرحله، پرسش‌نامه در جامعه آماری مورد نظر اجرا شد و داده‌های حاصل، مبنای تحلیل‌های نهایی برای ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار قرار گرفت.

#### روش‌های تحلیل داده‌ها

در این مطالعه، داده‌ها با بهره‌گیری از شاخص‌های آماری توصیفی و استنباطی مورد پردازش قرار گرفتند. در بخش توصیفی، از جداول توزیع فراوانی به همراه شاخص‌های مرکزی (میانگین، میانه) و شاخص‌های پراکندگی (انحراف معیار، دامنه تغییرات) برای تلخیص و نمایش داده‌ها استفاده شد. همچنین به منظور ارزیابی میزان توافق نظر متخصصین در خصوص روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه، از ضریب روایی نسبی محتوا (CVR) و شاخص روایی محتوا (CVI) بهره گرفته شده است. همچنین اعتبار مقیاس با استفاده از سه روش به صورت پیوسته ارزیابی گردید: همسانی درونی با ضریب آلفای کرونباخ، دونیمه‌سازی با ضریب اسپیرمن - براون، و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن.

#### روش گردآوری اطلاعات

در این پژوهش، با استناد به آیات قرآن کریم، روایات معصومان علیهم‌السلام و منابع روان‌شناختی مرتبط - به‌ویژه ادبیات آزمون‌سازی

و بر اساس مؤلفه‌های استخراج‌شده از منابع اسلامی، ابزار اولیهٔ سنجش خودفریبی طراحی و تدوین گردید. به‌منظور گردآوری داده‌ها، پژوهشگر با مراجعه به کلاس‌های طرح ولایت در مرکز آموزش‌های آزاد مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای، نمونهٔ آماری پژوهش را انتخاب نمود. پیش از توزیع پرسش‌نامه، هدف پژوهش و شیوهٔ پاسخ‌دهی برای شرکت‌کنندگان تشریح شد و نسخهٔ مکتوب راهنمای تکمیل پرسش‌نامه نیز در اختیار آنان قرار گرفت. از آزمودنی‌ها خواسته شد پس از مطالعهٔ دقیق دستورالعمل، به گویه‌ها پاسخ داده و اطلاعات جمعیت‌شناختی شامل سن، جنسیت، مقطع و رشتهٔ تحصیلی و وضعیت تأهل را در فرم مربوطه درج نمایند. در مجموع، تعداد ۲۴۰ پرسش‌نامهٔ تکمیل‌شده جمع‌آوری گردید و داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نمره‌گذاری و تحلیل شدند.

### یافته‌های پژوهش

جهت سنجش روایی پرسش‌نامه، دو رویکرد روایی محتوایی و روایی صوری مورد استفاده قرار گرفت که نتایج آن به شرح ذیل ارائه می‌شود.

#### الف) تحلیل داده‌های مربوط به روایی محتوایی و صوری پرسش‌نامهٔ خودفریبی

نتایج مربوط به بررسی روایی محتوایی و روایی صوری گویه‌های پرسش‌نامهٔ خودفریبی بر اساس منابع اسلامی، با استفاده از ارزیابی صاحب‌نظران روان‌شناس آگاه به منابع اسلامی، در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: گویه‌های حذف‌شده در روایی محتوایی و صوری

علت حذف گویه	گویه‌های حذف‌شده
پایین بودن CVI و CVR	۱۰۴-۱۰۳-۹۵-۸۷-۷۲-۶۱-۵۶-۵۴-۴۹-۴۱-۳۴-۱۱-۵-۲
پایین بودن CVR	۱۰۲-۹۶-۶۲-۵۹-۵۱-۴۷-۳۹-۳۳-۱۴

جدول (۱) نشان می‌دهد که ۱۴ گویه به دلیل پایین بودن هم‌زمان شاخص‌های CVI و CVR، و ۹ گویه صرفاً به دلیل پایین بودن مقدار CVR بر اساس انطباق با جدول لاوشه (Lawshé)، فاقد روایی لازم تشخیص داده شدند و از نسخهٔ اولیهٔ پرسش‌نامه حذف گردیدند.

برای اعتباریابی اولیهٔ مقیاس، از روش محاسبهٔ آلفای کرونباخ (ضریب همسانی درونی)، ضریب همبستگی اسپیرمن - براون و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن استفاده شد. نتایج ضریب همسانی درونی و دونیمه‌سازی ارائه می‌شود

جدول ۲: بررسی آلفای کرونباخ در اعتبار اولیه

آلفای کرونباخ	جمع گویه‌ها
۰/۸۱۳	۹۲

نتایج حاصل از تحلیل اولیه اعتبار پرسش‌نامه (جدول ۲) نشان داد که مقدار آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱۳ به دست آمد. این مقدار نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب گویه‌ها و برخورداری ابزار از سطح مناسبی از اعتبار است

جدول ۳: آماره‌های اعتبار پرسش‌نامه خودفریبی بر اساس منابع اسلامی در مرحله آزمایشی

۰/۷۱۴	مقدار آلفا	نیمه اول	آلفای کرونباخ
۴۶	تعداد گویه‌ها		
۰/۶۵۳	مقدار آلفا	نیمه دوم	
۴۶	تعداد گویه‌ها		
۰/۸۵۶	در صورت تساوی تعداد گویه‌ها		دو نیمه‌سازی اسپیرمن - براون
۰/۸۵۶	در صورت عدم تساوی تعداد گویه‌ها		
۰/۸۴۲	ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن		
۰/۷۹۶	همبستگی بین دو فرم		
۹۲	تعداد گویه‌ها		

همان‌طور که در جدول (۳) نشان داده شده است، ضریب آلفای کرونباخ برای نیمه اول پرسش‌نامه ۰/۷۱۴ و برای نیمه دوم ۰/۶۵۳ به دست آمد. ضریب دو نیمه‌سازی اسپیرمن - براون برابر با ۰/۸۵۶ و ضریب گاتمن معادل ۰/۸۴۲ محاسبه شد. همچنین ضریب همبستگی بین دو فرم در اجرای آزمایشی ۰/۷۹۶ گزارش گردید. این نتایج حاکی از آن است که مقیاس خودفریبی مبتنی بر منابع اسلامی در مرحله آزمایشی، از همسانی درونی و اعتبار قابل قبولی برخوردار است.

همچنین بررسی گویه‌های پرسش‌نامه نشان داد که اغلب آنها دارای همبستگی مطلوبی با نمره کل آزمون بوده و حذف آنها منجر به کاهش یا عدم تغییر معنادار در ضریب آلفای کرونباخ می‌شود. با این حال، ۷ گویه به دلیل برخورداری از همبستگی پایین با نمره کل و نیز افزایش ضریب آلفای کرونباخ در صورت حذف، از نسخه اولیه کنار گذاشته شدند (به منظور رعایت اختصار، جدول مربوط ارائه نمی‌شود). بنابراین نسخه نهایی پرسش‌نامه با حذف این گویه‌ها، از همسانی درونی بالاتری برخوردار شد.

#### ب) ارزیابی اعتبار مقیاس در مرحله نهایی

پس از محاسبه اعتبار اولیه آزمون، ۸۵ سؤال در قالب نسخه نهایی پرسش‌نامه تدوین گردید و جهت بررسی اعتبار نهایی بر روی نمونه‌ای متشکل از ۲۴۰ نفر اجرا شد. برای سنجش اعتبار نهایی ابزار، از روش همسانی درونی استفاده گردید. به همین منظور، ضرایب آلفای کرونباخ (ضریب همسانی درونی)، ضریب همبستگی اسپیرمن - براون، و ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن محاسبه شد. نتایج این تحلیل‌ها در جدول (۴) ارائه شده است

جدول ۴: آلفای کرونباخ در اعتبار سنجی نهایی

تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
۸۵	۰/۸۶۵

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه خودفریبی در مرحله اعتبارسنجی نهایی برابر با ۰/۸۶۵ است. این مقدار بیانگر سطح مطلوب همسانی درونی پرسش‌نامه و نشان‌دهنده اعتبار مناسب آن در سنجش سازه مورد نظر می‌باشد.

جدول ۵: ضریب‌های همسانی درونی و دونیمه‌سازی در مرحله نهایی

آلفای کرونباخ	نیمه اول	مقدار آلفا	۰/۷۳۶
		تعداد گویه‌ها	۴۳
	نیمه دوم	مقدار آلفا	۰/۶۹۱
		تعداد گویه‌ها	۴۲
ضریب دونیمه‌سازی اسپیرمن - براون	در صورت تساوی تعداد گویه‌ها		۰/۹۰۱
	در صورت عدم تساوی تعداد گویه‌ها		۰/۹۰۱
ضریب دونیمه‌سازی گاتمن			۰/۸۹۳
همبستگی بین دو فرم			۰/۸۱۵
تعداد گویه‌ها			۸۵

همان‌طور که در جدول (۵) آمده است، ضریب آلفای کرونباخ برای نیمه اول پرسش‌نامه برابر با ۰/۷۳۶ و برای نیمه دوم برابر با ۰/۶۹۱ می‌باشد. ضریب دونیمه‌سازی اسپیرمن - براون نیز در مرحله نهایی معادل ۰/۹۰۱ و ضریب گاتمن برابر با ۰/۸۹۳ گزارش شده است. همچنین ضریب همبستگی بین دو فرم پرسش‌نامه در اجرای نهایی ۰/۸۱۵ به دست آمده است. این نتایج، همانند مرحله آزمایشی، نشان‌دهنده همسانی درونی مطلوب و اعتبار مناسب پرسش‌نامه خودفریبی بر اساس منابع اسلامی در مرحله نهایی می‌باشند. همچنین تمام مواد ۸۵ گانه پرسش‌نامه با نمره کل، همبستگی بالایی داشته و هیچ‌کدام از گویه‌ها قابل حذف نیست.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتباریابی مقیاس خودفریبی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی انجام گرفت. این مقیاس تلاش دارد یکی از مفاهیم پیچیده روان‌شناختی، یعنی خودفریبی را با استناد به منابع دینی - به‌ویژه قرآن و روایات - به‌گونه‌ای سنجش‌پذیر بازتعریف کند. بررسی‌های آماری نشان داد که ابزار طراحی شده دارای

ویژگی‌های روان‌سنجی مناسب، از جمله اعتبار بالا و روایی محتوایی و صوری مطلوب است و می‌تواند به‌عنوان ابزاری معتبر برای سنجش این سازه در پژوهش‌های روان‌شناختی مورد استفاده قرار گیرد.

از منظر ساختاری، پرسش‌نامه حاضر پنج مؤلفه اصلی خودفریبی را شامل می‌شود: جهل‌ورزی، تمایل به خوشایندها، انحراف فردی، خودبینی و پنهان‌کاری. این مؤلفه‌ها با تحلیل کیفی آیات و روایات و با مشارکت متخصصان روان‌شناسی و علوم اسلامی استخراج شده‌اند. این مقیاس، برخلاف مقیاس‌های غربی که عموماً بر ابعاد شناختی (مانند مدیریت برداشت در BIDR) تأکید دارند، نشان‌دهنده رویکردی چندبعدی هستند که هم جنبه‌های معرفتی (جهل‌ورزی) و هم جنبه‌های هیجانی - انگیزشی (تمایل به خوشایندها و خودبینی) و رفتاری (پنهان‌کاری و انحراف فردی) را دربر می‌گیرند. برتری این رویکرد در مقایسه با سایر ابزارهای موجود، در جامعیت و عمق مفهومی آن است که تلاش کرده از برداشت‌های صرفاً شناختی یا رفتاری از خودفریبی فراتر رود و لایه‌های انگیزشی و هیجانی این پدیده را نیز در نظر بگیرد.

در بررسی تطبیقی با ابزارهای پیشین نیز، می‌توان گفت که پرسش‌نامه SDQ (Gur & Sackeim, 1979) یکی از نخستین تلاش‌ها برای سنجش خودفریبی بوده که صرفاً میزان تمایل فرد به پذیرش باورهای غیرواقعی را می‌سنجد. این مقیاس، هرچند نقطه آغاز مطالعات تجربی در این زمینه است، اما ابعاد انگیزشی و رفتاری خودفریبی را نادیده گرفته است؛ درحالی‌که مقیاس حاضر با افزودن مؤلفه‌هایی مانند «جهل‌ورزی»، «انحراف فردی» و «پنهان‌کاری»، ساختاری عمیق‌تر ارائه می‌دهد.

مقیاس BIDR (Paulhus, 1994) نیز اگرچه از نظر روان‌سنجی بسیار پرکاربرد است، اما بیشتر به سنجش مدیریت برداشت اجتماعی و خودفریبی افزایشی می‌پردازد و در عمل با تمایل به پاسخ‌دهی اجتماعی مطلوب همبستگی بیشتری دارد تا با تحلیل دقیق از خودفریبی. در مقابل، مقیاس اسلامی حاضر، مؤلفه‌هایی را لحاظ کرده که بازتابی از نگرش دینی به خطاهای شناختی و رفتاری است و فراتر از سنجش صرف «پاسخ اجتماعی مطلوب» عمل می‌کند.

در همین راستا، IAM-40 (Jiménez & Ruiz, 2014) به جنبه‌های بالینی خودفریبی همچون دست‌کاری، اجتناب و تخیلات واهی توجه دارد، اما محدود به جمعیت معتادان طراحی شده و قابلیت تعمیم به جمعیت عمومی یا فرهنگ‌های متفاوت را ندارد. نقطه قوت IAM-40 پرداختن به جنبه‌های بالینی خودفریبی است، اما محدودیت آن در کاربرد عمومی و بین‌فرهنگی است. در مقایسه، ابزار طراحی‌شده در این پژوهش نه‌تنها توانایی کاربرد در جمعیت‌های عمومی و پژوهشی را دارد، بلکه با توجه به زمینه‌های فرهنگی و ارزشی جامعه ایرانی نیز همخوانی دارد.

مقیاس SIRVENT (۱۹۹۱) نیز عمدتاً در فضای بالینی و در زمینه سوء‌مصرف مواد به کار رفته و بر الگوهای فریب‌کارانه و توجیه‌گری بیماران تمرکز دارد. در مقابل، مقیاس اسلامی خودفریبی، به‌جای محدود شدن به جمعیت‌های

بالینی، رویکردی عمومی‌تر دارد و درعین‌حال، با اتکا به منابع دینی، عمق بیشتری از خودفربیی ارائه می‌دهد. در مجموع، مرور مقیاس‌های غربی نشان می‌دهد که بیشتر آنها یا تک‌بعدی‌اند یا به زمینه‌های خاص جمعیتی محدود می‌شوند. همچنین این مقیاس از لحاظ ساختار اجرا (۸۵ گویه در طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای) ساده، زمانمند و برای موقعیت‌های مختلف قابل استفاده است. برخلاف برخی مقیاس‌های خارجی که به ترجمه وابسته‌اند و ممکن است با ابهام‌های معنایی مواجه باشند، اما این ابزار از ابتدا به زبان فارسی طراحی شده و مبتنی بر مفاهیم بومی استخراج شده است.

یافته‌های پژوهش حاضر همچنین نشان داد که همسانی درونی و ثبات پرسش‌نامه از مرحله آزمایش تا مرحله نهایی تقریباً پایدار بوده است. این امر می‌تواند بیانگر آن باشد که مؤلفه‌های استخراج‌شده از متون اسلامی از همان ابتدا دارای انسجام مفهومی بالایی بوده و بازتاب‌دهنده یک ساختار نظری قوی هستند. به بیان دیگر، پایداری شاخص‌های روان‌سنجی بین دو مرحله را می‌توان به غنای مبانی نظری اسلامی در تبیین خودفربیی نسبت داد. نکته مهم دیگر این است که هرچند نمونه مورد بررسی در این پژوهش از میان دانشجویان انتخاب شده، اما محتوای مفهومی پرسش‌نامه به‌گونه‌ای طراحی شده که قابلیت اجرا و تفسیر در میان سایر اقشار جامعه را نیز دارد. با این حال، پیشنهاد می‌شود برای افزایش اعتبار بیرونی و فراهم شدن امکان تحلیل عاملی تأییدی، اجرای این مقیاس در جمعیت‌های متنوع‌تر نیز در پژوهش‌های آتی دنبال شود.

از دیگر محدودیت‌های پژوهش، عدم امکان اجرای هم‌زمان این پرسش‌نامه با ابزارهای موجود روان‌شناسی مانند BIDR یا IAM-40 بود. به علت مشکلات دسترسی، امکان تحلیل همبستگی هم‌زمان این ابزار با سایر مقیاس‌ها فراهم نشد. با این حال، یکی از پیشنهادهای اصلی برای تحقیقات آینده، بررسی همبستگی بین این مقیاس و ابزارهای روان‌شناختی استاندارد در حوزه‌های مرتبط است.

از نظر کاربردی، مقیاس حاضر می‌تواند در حوزه‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. در روان‌شناسی بالینی، امکان سنجش خودفربیی به‌عنوان یک عامل زمینه‌ساز اختلالات شناختی، هیجانی و رفتاری فراهم می‌شود. در روان‌شناسی تربیتی، می‌توان از آن برای شناسایی گرایش‌های خودفربیان در میان دانش‌آموزان و دانشجویان بهره گرفت و بر اساس آن مداخلات آموزشی و تربیتی طراحی کرد. همچنین در مطالعات اخلاق اسلامی، این مقیاس می‌تواند ابزار مهمی برای بررسی پیوند میان مفاهیم اخلاقی و روان‌شناختی باشد.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که مقیاس خودفربیی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، گامی مهم در مسیر بومی‌سازی ابزارهای روان‌سنجی است. این ابزار توانسته است تصویری چندبعدی و عمیق از خودفربیی ارائه کند که هم به جنبه‌های شناختی و هم به ابعاد انگیزشی و رفتاری آن توجه دارد. چنین رویکردی می‌تواند در توسعه روان‌شناسی اسلامی نقش کلیدی ایفا کند و در کنار ابزارهای موجود، جایگاه مستقلی برای مطالعه و مداخله در حوزه‌های مرتبط با خودفربیی بیابد.

## منابع

قرآن کریم.

بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: دوران.

پژوهنده، محمدحسین (۱۳۸۳). فرهنگ‌سازی و دستاوردهای فرهنگ‌ی در پاسخ‌گویی نظام‌مند. پژوهش‌های اجتماعی - اسلامی، ۱۰(۴۹ و ۵۰)، ۳۰۲-۲۷۵.

جعفری، محمدتقی (۱۳۹۶). انسان‌شناسی از منظر نو. پایگاه اینترنتی تنظیم و نشر آثار علامه جعفری.

www.ostad-jafari.com.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

عزت‌طلب مقدم، رامین، پسندیده، عباس و رفیعی‌هنر، حمیدرضا (۱۳۹۷). مفهوم‌شناسی خودفریبی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی. *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۲(۱۰)، ۶۵-۳۹.

کلایی، مرضیه (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی خودفریبی در فلسفه اخلاق غرب و آموزه‌های دینی اسلام. پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه. دانشگاه قم.

لگنهاوزن، محمد (۱۳۷۴). دروغ‌گویی و راست‌گویی در فلسفه اخلاق. معرفت، ۴(۱۵)، ۳۵-۳۹.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۳). *انسان کامل*. تهران: صدرا.

Alston, W. P. (1985). *Concepts of epistemic justification*. *The Monist*, 68, 57-89.

Bagnoli, C. (2012). Self-Deception and Agential Authority A Constitutivist Account. *Humana. Mente*, 20, 93-116.

Blanco, P., López, B. & Sirvent, C. (2007). *Psicopatología del autoengaño en adictos*. *In 8º Congreso Virtual de Psiquiatría Interpsiquis*.

Boyd, K. (2012). *Self-deception*. *In The Stanford Encyclopedia of Philosophy*.

Carr, A. (2005). Positive psychology. *Clinical Psychology Forum*, 45, 94-97.

Collins, K. A. (2000). *Interpreting the MMPI-2 K scale: Self-deception and impression management revisited*. University of Windsor, Canada. [Unpublished thesis].

Cowen, T. (2003). *Self-deception as the root of political failure*. Department of Economics, George Mason University. [Working paper].

Elster, J. (1999). *Alchemies of the mind: Rationality and the emotions*. Cambridge University Press.

Fingarette, H. (2000). *Self-deception*. University of California Press.

- Freud, S. (1936). *The ego and the mechanisms of defense*. International Universities Press.
- Goleman, D. (1996). *Vital lies, simple truths: The psychology of self-deception*. Simon & Schuster.
- Gur, R. C. & Sackeim, H. A. (1979). Self-Deception Questionnaire. Self-deception: A concept in search of a phenomenon. *Journal of Personality and Social Psychology*, 37, 147-169.
- Hart, C. M., Ritchie, T. D., Hepper, E. G. & Gebauer, J. E. (2015). The Balanced Inventory of Desirable Responding short form (BIDR-16). *SAGE Open*, 5(4).
- Jiménez, M. de la V. M. & Ruiz, C. S. (2014). Evaluation of self-deception: Validation of the IAM-40 inventory. *International Journal of Psychology and Psychological Therapy*, 14(2), 203-216.
- Krejcie, R.V. and Morgan, D.W. (1970). Determining Sample Size for Research Activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30, 607-610.
- Kruger, J. & Dunning, D. (1999). Unskilled and unaware of it: How difficulties in recognizing one's own incompetence lead to inflated self-assessments. *Journal of Personality and Social Psychology*, 77(6), 1121-1134.
- Messick, D. M. & Bazerman, M. H. (1996). Ethical leadership and the psychology of decision making. *Sloan Management Review*, 37(2), 9-22.
- Mijović-Prelec, D. & Prelec, D. (2010). Self-deception as self-signaling: A model and experimental evidence. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 365(1538), 227-240.
- Mitchell, J. (2000). *Living a lie: Self-deception, habit, and social roles*. *Human Studies*, 23, 145-156.
- Paulhus, D. L. (1994). *Balanced inventory of desirable responding (BIDR): Reference manual for version 6*. Unpublished manuscript, University of British Columbia.
- Rosenberg, M. (1989). Self-concept research: A historical overview. *Social Forces*, 68(1), 34-44.
- Sirvent, C., Herrero, J., de la Villa Moral, M. & Rodríguez, F. J. (2019). Evaluation of self-deception: Factorial structure, reliability and validity of the SDQ-12. (self-deception questionnaire). *PloS one*, 14(1), 1-10.

Taylor, S. E. & Brown, J. D. (1988). Illusion and well-being: A social psychological perspective on mental health. *Psychological Bulletin*, 103(2), 193-210.

Trivers, R. (2011). *The folly of fools: The logic of deceit and self-deception in human life*. Basic Books.

Vizgina, A. (2013). Self-deception as inner dialogue. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 86, 242-247.

Weiner, I. B. & Greene, R. L. (2008). *Handbook of personality assessment*. Wiley.

# Table of Contents

**Components of Eudemonia-Oriented relationships in the Family Based on Islamic Sources: Developing a Conceptual Model / 7**

*✎ Seyyed Abolfazl Hosseininassab / Mohammad Reza Ahmadi Mohammadabadi / Hamid Rafieihonar*

**The Effectiveness of Group resilience Training with focus on Patience based on Islamic ontology on Distress Tolerance and Spiritual Experiences of Young Women (Case study: Basij bases in Tehran's 13th region) / 31**

*Fatemeh Poursaleh / ✎ Anahita Khodabakhshi-Koolaee*

**Critique of the Theory of the Naturalness of Homosexuality: A Religious-Psychological Analysis / 49**

*✎ Mohammad Javad Ramezanipour / Reza Mahkam / Mohammad Reza Banyani*

**Identifying, analyzing, and explaining effective factors in achieving mental peace from the perspective of the Holy Quran / 75**

*Mokhtar Zakeri*

**The Mediating Role of Gratitude in Relation Between Meaning in Life and Psychological Well-Being of Adolescents / 93**

*✎ Mobina Salimian / Marziye Bahar Rostami / Simin Hosseinian*

**Construction and validation of a self-deception questionnaire based on Islamic sources / 113**

*✎ Ramin Ezzattalb Moghadam / Navid Khakbazan*

*In the Name of Allah*

**Ravanshenasi va Din**

**Vol. 18, No. 4**

*A Quarterly Journal of Psychological inquiry*

**winter 2026**

**Concessionary:** *Imam Khomeini Educational and Research Institute (IKI)*

**Manager:** *Rahim Narouyi Nosrati*

**Editor in chief:** *Mohammad Reza Ahmadi*

**Executive manager:** *ALi Agha-Mohammadi*

**Editorial Board:**

- ▣ **Hujjat-ul Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** *Associate Professor; IKI*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Ali Reza Araf:** *Associate Professor; Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ▣ **Dr. Qulam Ali Afruz:** *Professor; Tehran University*
- ▣ **Dr. Muhammad Karim Khoda panahi:** *Professor; Beheshti University*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Dr. M. J. Zarean:** *Assistant Professor; Mustafa International University*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Dr. Abas Ali Shameli:** *Assistant Professor; Mustafa International University*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Seyyid Muhammad Qaravi:** *Assistant Professor; Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ▣ **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Professor; Baqiat Allah Medical University*

---

**Address:**

**IKI**

Jomhori Eslami Blvd  
Amin Blvd., Qum, Iran

**PO Box:** 37185-186

**Tel:** +982532113474

**Fax:** +982532934483

[www.iki.ac.ir](http://www.iki.ac.ir)

[www.nashriyat](http://www.nashriyat)

---